



وزارت تعلیم و تربیت
وزارت عالی تعلیم و تربیت
وزارت امور دینی و اسلامی



پرومبین
پرومبین و آفرین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه سیره معصومین علیهم السلام

نویسنده:

محمد حسین واثقی راد

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

درسنامه سیره معصومین علیهم السلام

مشخصات کتاب

نام کتاب: درسنامه سیره معصومین علیهم السلام

نویسنده: محمد حسین وثیقی راد

موضوع: مرجع

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: زمستان ۱۳۸۷

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

اشاره

مقدمه

ص: ۱۷

تحقق اهداف و آرمان‌های یک سازمان، به علل و عوامل مختلفی بستگی دارد. در این میان، به گفته کارشناسان و صاحب نظران "مدیریت سازمانی" و نیز به گواهی "آموزه‌های وحیانی"، "عامل انسانی" اساسی‌ترین و محوری‌ترین نقش را در موفقیت و بالندگی سازمانی ایفا می‌کند. دیگر عوامل سازمانی در پرتو عامل انسانی و حول محور او، شکل گرفته و حرکت می‌کنند.

سیاست‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها، ابزار و سخت‌افزارهای سازمان، تابعی از خواست و اراده نیروی انسانی و دانش و تدبیر او می‌باشد. بالطبع کم و کیف نتایج و خروجی‌های سازمان نیز مانند "ورودی‌ها" و "فرآیند"، متأثر از فعالیت و تدبیر نیروی انسانی است. بنابراین نیروی انسانی، افزون بر اینکه عامل موفقیت هر سازمانی است، شاخص و معیاری برای پیش‌بینی میزان موفقیت آن سازمان نیز محسوب می‌شود.

بی‌جهت نیست که دنیای مدرن با پی‌ریزی علومی همچون روان‌شناسی کار، جامعه‌شناسی مشاغل و مدیریت، بخش اعظمی از مباحث این علوم را به عامل انسانی اختصاص داده است. پیش‌تر از این نیز آموزه‌های وحیانی بر جایگاه و اهمیت نیروی انسانی و نقش محوری آن در رستگاری و موفقیت جمعی اشاره کرده و به مؤمنان و جامعه دینی اکیداً توصیه نموده که در واسپاری کارها و مسئولیت‌ها، به اهلیت و صلاحیت نیروهای انسانی توجه کنند؛

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (۱)

در آیات دیگر، این رویه را، تدبیر خداوند متعال در عالم تکوین و تشریع معرفی کرده است:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ (۲)

قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۳)

۱- نساء: ۵۸

۲- انعام: ۱۲۴

۳- بقره: ۱۲۴

ص: ۱۸

هدف و رسالت اساسی انبیای الهی نیز، تربیت و پرورش انسان ها بوده است:

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ (۱)

نهادهای و مؤسسات دینی نیز برای تضمین موفقیت و دستیابی به اهداف و آرمان های سازمان، باید بر مبنای آموزه های وحیانی و یافته های بشری، جذب و گزینش نیروهای کارآمد و تعلیم و تربیت آنان را در اولویت مأموریت های خود قرار دهند.

در همین راستا "حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت" پس از فراغت از طراحی و اجرای فرآیند جذب و گزینش "آموزش و ارتقای سطح علمی و فرهنگی نیروی انسانی به ویژه روحانیون" را در کانون برنامه های ستادی خود قرار داد و دوره های آموزش بدو خدمت، ضمن خدمت و تکمیلی را راه اندازی نمود. از آنجا که تدوین متون آموزشی کاربردی متناسب با واحدها و سرفصل های مصوب، از مراحل و عناصر اصلی و اساسی دوره های آموزشی محسوب می شود، به طور همزمان گردونه تدوین متون آموزشی نیز به حرکت درآمد. نکته حائز اهمیت این که متون آموزشی پس از تدوین توسط گروه های علمی و تخصصی معاونت امور روحانیون و ارزیابی ناظران محتوایی، به صورت "درسنامه" برای حداقل یک ترم، به طور آزمایشی تدریس می شود، تا پس از نظرسنجی و گردآوری نقطه نظرات مدرّسان و دانش پژوهان، به رفع و اصلاح کاستی های احتمالی اقدام شود و برای آموزش در دوره های بعد، تدوین نهایی شود.

نوشتار حاضر، از جمله همین متون آموزشی است که توسط "گروه علمی و تخصصی تاریخ اسلام" به رشته تحریر درآمده و در قالب "درسنامه" منتشر شده و در اختیار شرکت کنندگان دوره های آموزشی روحانیون قرار می گیرد. فرصت را مغتنم شمرده و از تدابیر و تلاش های ارزشمند گروه علمی و تخصصی تاریخ اسلام به ویژه محقق و مؤلف گرانمایه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد حسین واثقی راد تقدیر و سپاس به عمل می آید.

انتظار می رود که مدرّسان و دانش پژوهان محترم پس از طی دوره، نقطه نظرات اصلاحی خود را پیرامون متن، محتوا، منابع و دیگر بخش های درسنامه، جهت رفع و اصلاح نواقص و اشکالات احتمالی به کمیته تدوین ارایه نمایند.

معاونت امور روحانیون

کمیته تدوین متون آموزشی

زمستان ۱۳۸۷

ص: ۱۹

پیش‌درآمد

سیره معصومین در نظام فکری و فقهی شیعه از همان جایگاهی برخوردار است که قرآن و احادیث پیامبر (ص) در آن جایگاه قرار دارند. از این رو شناخت سیره معصومین در قلمرو فقه، سیاست و اخلاق، کاربرد وسیع دارد. هیچ عالم دینی و فقیه شیعی نمی‌تواند از دانستن آن بی‌نیاز باشد. مبلغان دینی نیز هر چه بیشتر سیره معصومین را بدانند، دانش دینی آن‌ها گسترده‌تر خواهد بود. بلکه دانستن سیره معصومین هر چند به اجمال برای هر مبلغ و دانای دین از جهات ذیل لازم و ضروری است:

الف: آشنایی با مبانی دینی.

ب: آشناساختن دیگران با معارف دینی.

ج: استنباط دیدگاه‌های دینی در موضوعات مختلف از سیره معصومین.

د: استدلال به سیره برای اثبات نظریات دینی.

بر این اساس هر مبلغ دینی شیعه هر چه بیشتر با سیره معصومین آشنا باشد، در موضوعات فوق توانمندتر خواهد بود. گرچه شناخت سیره معصومین به تفصیل لازم و ضروری است، اما در اینجا به اختصار به آن پرداخته شده است، زیرا ویژه مبلغان و روحانیان کاروان‌های حج و عمره و در حد دو واحد درسی تدوین شده و برای این جهت به بیان بخشی از سیره معصومین اکتفا شده است. از جمله

ص: ۲۰

سیره عبادی، تربیتی، خانوادگی، اقتصادی، فقهی و سیاسی، که در این موارد نیز به بیان کلیات بسنده شد. روش تدوین در این نوشتار چنین بود که با مطالعه سیره معصومین (ع) کلیاتی استنباط شد و آن کلیات در آغاز هر فصل به عنوان موضوعات اصلی و فرعی آورده شد و سپس برای اثبات آن‌ها شواهد و دلایلی از کتاب‌ها بیان گردید. حاصل برخی روایات نیز به صورت خلاصه آورده شد.

ص: ۲۱

فصل اول مفاهیم کلی

اشاره

اهداف فصل اول

- ۱- بیان مفاهیم کلی در موضوع سیره
- ۲- ضرورت دانستن سیره امامان
- ۳- بیان حجیت سیره امامان

پیش درآمد

ضرورت بحث از سیره امامان معصوم با فلسفه امامت آغاز می‌شود. ضرورت پیشوائی امامان معصوم، بنیان اساسی تفکر شیعه را تشکیل می‌دهد. تمام اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، عبادی، تربیتی و اقتصادی شیعه بر همین پایه استوار هستند. با شناخت فلسفه امامت روشن خواهد شد که ما چه نیازی به شناخته سیره معصومان داریم، کاربرد آن در زندگی ما چیست و جایگاه آن در حیات دینی و اجتماعی ما کجاست؟

فلسفه امامت عیناً همان فلسفه بعثت پیامبران است. علت اصلی بعثت پیامبران، تکلیف و مسئولیت پذیری و در نتیجه هدایت انسان‌هاست که شریعت را حتمی ساخت.

ضرورت بهره‌مندی آدمیان از شریعت، مستلزم دو موضوع ابلاغ شریعت از سوی خداوند و شناخت آن از سوی انسان‌هاست. از این جهت خداوند سلسله پیامبران و کتاب‌های آسمانی را فرستاد و در درون انسان نیز خردمندی را نهاد تا پیامبران را بشناسند. رابطه انسان و عقل او با پیامبران و کتاب‌های آسمانی، رابطه انسان و شناخت ضروری ترین نیاز زندگی و بهره‌مند شدن از آن است.

رابطه پیامبران و کتاب‌های آسمانی، رابطه معلم و کتاب زندگی و دستورالعمل‌های حیاتی است. به ویژه کتابی که در نهایت اختصار و با محتوای فراگیر می‌باشد و فهم آن بدون معلم نه تنها دشوار، بلکه محال است. در نتیجه فهم کتاب خدا منحصر به تفسیر و بیان پیامبران است و جایگاه آن‌ها در رابطه با

ص: ۲۴

کتاب و مردم جایگاه محوری است. چنین کتابی نیز بدون معلم نمی‌تواند نقش اساسی خود را در تعلیم و تربیت ایفا کند.

در نتیجه رابطه پیامبر اسلام و مسلمانان، رابطه آموزگار و دانش‌آموز و رابطه الگوی معنوی با تربیت پذیراست. او افزون بر تعلیم کتاب آسمانی، مسئولیت تربیت و هدایت انسان‌ها را نیز برعهده دارد. امامان معصوم نیز عینا در همان جایگاهی قرار دارند که پیامبران الهی به ویژه پیامبر اسلام قرار داشته‌اند.

عصمت

واژه عصمت در اصل از ریشه عصم به مفهوم نگهدارنده و نگهداشته شده است. این واژه در مباحث کلامی و شرایط پیامبری و امامت به معنای ذیل است:

عصمت یعنی: طهارت معنوی و پاکیزگی عملی و هر کس که در گستره اعتقادات و اخلاق و عمل دچار خطا و لغزش‌های کوچک و بزرگ نشود، معصوم است. در نتیجه عصمت وصفی است که برای برخی اشخاص با توجه به اندیشه و عمل و اخلاق او پدید می‌آید و حاصل توانمندی ذاتی است که او را از هر خطا و لغزش فکری و عملی کوچک و بزرگ حفظ می‌کند. این شرایط معنوی جز برای پیامبران و امامان معصوم میسر نیست. (۱) رابطه عصمت با اندیشه و عمل و اخلاق آن است که عصمت، عامل طهارت معنوی نیست، بلکه وصفی است که از این طهارت‌های معنوی پدید می‌آید.

الشیخ المفید: إن جمیع أنبیاء الله (ع) معصومون من الكبائر قبل النبوه و بعدها و ما یتستخف فاعله من الصغائر کلها، وأما ما کان من صغیر لا یتستخف فاعله

۱- برخی گفته‌اند: منظور آن خطاها و لغزش‌هاست که با اهداف بعثت ناسازگار باشد و یا در جامعه نسبت به رهبر دینی تأثیر منفی بر جای گذارد. در وقوع برخی از خطاها و بسیار کوچک که تأثیری در رهبری ندارند، منعی نیست. گرچه در کتاب اعلام الهدایه چنین آمده، اما به نظر می‌رسد جایی برای این استثنا نیست.

ص: ۲۵

فجائز وقوعه منهم قبل النبوه و على غير تعمد و ممتنع منهم بعدها على كل حال، و هذا مذهب جمهور الإمامیه. (۱) شیخ الصدوق: اعتقادنا فی الأنبياء و الرسل و الأئمه و الملائكه (ع) أنهم معصومون مطهرون من كل دنس، و أنهم لا یذنبون ذنبا، لا صغیرا و لا کبیرا، و لا یعصون الله ما أمرهم، و یفعلون ما یأمرون. و من نفی عنهم العصمه فی شیء من أحوالهم فقد جهلهم. و اعتقادنا فیهم أنهم موصوفون بالكمال و التمام و العلم من أوائل أمورهم إلى أواخرها، لا یوصفون فی شیء من أحوالهم بنقص و لا عصیان و لا جهل. (۲) علامه الحلی: قالت الإمامیه: إنه تجب عصمتهم عن الذنوب کلها صغیرها و کبیرها و الدلیل علیه وجوه: أحدها: إن الغرض من بعثه الأنبياء (ع) أنما یحصل بالعصمه فتجب العصمه تحصیلا للغرض. (۳) ذهب الإمامیه کافه إلى أن الأنبياء معصومون عن الصغائر و الکبائر، و منزهون عن المعاصی، قبل النبوه، و بعدها. على سبیل العمد، و النسیان، و عن کل رذیله و منقصه، و ما یدل على الخسه والضعه.

ذهب الإمامیه إلى أن الأئمه کالأنبياء، فی وجوب عصمتهم عن جمیع القبائح و الفواحش، من الصغر إلى الموت، عمدا و سهوا، لأنهم حفظه الشرع، و القوامون به، حالهم فی ذلک کحال النبی. (۴) در نتیجه رهبر معصوم، از هر خطا و لغزش معرفتی در اصول و فروع دین و حقایق جهان و اشیاء مادی و معنوی و همچنین در بعد عملی از تمام خطاها و لغزش های گفتاری و کرداری و اخلاقی کوچک و بزرگ، مصون است زیرا با اهداف بعثت پیامبران سازگار نمی باشد.

۱- أوائل المقالات، الشیخ المفید/ ۲۶؛ مصنفات شیخ مفید ۴/ ۲۶.

۲- الاعتقادات فی دین الإمامیه، الشیخ الصدوق/ ۶۹؛ مصنفات شیخ مفید ۵/ ۶۹.

۳- کشف المراد، ۱۷۴.

۴- نهج الحق و کشف الصدق، ۱۶۴.

چرا باید پیامبران و امامان، معصوم باشند

اشاره

عصمت، یک امتیاز شخصی نیست که خداوند ویژه پیامبران و امامان ساخته باشد، بلکه نیاز جامعه به شریعت، ضروری ساخته است که خداوند، پیامبران را برگزید و آنها را با عصمت، توانمند سازد. عصمت از شرایط رهبر دینی و الهی است. چرا که تحقیق اهداف دین و هدایت جامعه بی عصمت پیامبران و امامان میسر نیست. زیرا خداوند، شریعت را برای هدایت مردم فرستاد و از مردم خواست از آن پیروی کنند. ثواب و عقاب اخروی را نیز بر آن مترتب ساخت، ناگزیر باید این موضوع مهم، برعهده کسانی باشد که در دانایی و عمل و اخلاق (۱) شایسته پیروی باشند. این شایستگی نیز منحصرأ در عصمت است و عصمت نیز مبین همین شایستگی است.

عامل عصمت

توانایی که خداوند در وجود پیامبران و امامان نهاده است تا از خطا محفوظ باشند و به عصمت دست یابند، یک عامل قهری و غیر ارادی نیست. بلکه دانایی و خردمندی است که کم و بیش همگان از آن بهره‌مند هستند. معرفتی که آنها نسبت به دین و عالم غیب دارند و ازماهیت عبادت و گناه و عواقب آنها درجهان ملکوت آگاه هستند، سبب می‌شود که با اراده و اختیار به سمت گناه نروند و انگیزه‌ای نیز برای گناه نداشته باشند.

امامان معصوم در دانایی نیز دچار اشتباه نمی‌شوند. زیرا دانایی آنها از طریق وحی، یا الهام الهی است. این چنین دانایی خطا پذیر نیست. رسیدن پیامبران و امامان به این مرحله کمال و توانایی مستلزم آن است که تعلیم و تربیت آنها

۱- گرچه در بسیاری کتاب‌ها از اخلاق یاد نشده است اما باید این گزینه را نیز به عصمت پیامبران و امامان افزود

ص: ۲۷

برعهده پیامبر و یا امام دیگری قرار گیرد.

سیره و سنت

اشاره

سنت، در اصل برگرفته از واژه سنن است. واژه سنن و واژگان پدید آمده از آن به معناهای بسیار به کار رفته اند. اما واژه سنت در حدیث و تاریخ به مفهوم سیره آمده و در برخی کتابهای فرهنگ واژه نگاری به یکدیگر معنی شده اند.

السیره بالكسر السنه و الطریقه. (۱) و السنه الطریقه و السنه السیره حمیده كانت أو ذمیمه و الجمع سنن. (۲) السنه: هی السیره و سنه رسول الله (ص) سیرته و انما سمیت بذلك لأنها تجری جریا و السنه الطریقه، و السنه: السیره حمیده كانت أو ذمیمه. والسیره: الطریقه فی الشیء و السنه. (۳) سیره یعنی؛ شیوه و روش در موضوع ویژه.

و السنه: السیره، حسنه كانت أو قبیحه ... و الأصل فیهِ الطریقه و السیره و إذا أُطلقت فی الشرع فإنما یراد بها ما أمر به النبی (ص). و السیره: السنه و الطریقه. (۴) و السیره الطریقه یقال سار بهم سیره حسنه. (۵) سنن: قد تكرر فی الحدیث ذکر السنه و ما تصرّف منها. و الأصل فیها الطریقه و السیره. و إذا أُطلقت فی الشرع فإنما یراد بها ما أمر به النبی (ص) و نهی عنه و ندب إلیه قولا و فعلا مما لم ینطق به الكتاب العزیز. و لهذا یقال فی أدله الشرع الكتاب و السنه ای القرآن و الحدیث. (۶)

۱- قاموس المحيط، ۷۸ / ۲

۲- مصباح المنیر، ۳۵۳ / ۱

۳- التحقیق فی کلمات القرآن، ۲۷۴ / ۵ و ۳۳۴

۴- لسان العرب، ۳۹۹ / ۶

۵- لسان العرب، ۴۵۴ / ۶

۶- النهایه فی غریب الحدیث، ۴۰۹ / ۲

ص: ۲۸

و السیره الحاله التى يكون عليها الانسان و غيره غريزيا كان أو مكتسبا، يقال فلان له سیره حسنه و سیره قبيحه، و قوله (سَيُنْعِيذُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى) أى الحاله التى كانت عليها من كونها عودا. (۱) فالسنن جمع سنه، و سنه النبى طريقته التى كان يتحراها ... (۲) الفرق بين السنه و النافله: أن السنه على وجوه: أحدها أنا إذا قلنا فرض و سنه فالمراد به المندوب إليه و إذا قلنا الدليل على هذا الكتاب و السنه فالمراد بها قول رسول الله (ص) و إذا قلنا سنه رسول الله (ص) فالمراد بها طريقته و عادته التى دام عليها و أمر بها فهى فى الواجب و النفل. (۳) پس سنت، همان سیره است که می تواند خوب یا بد باشد و سیره نیز همان سنت است. واژه سنت، هرگاه در شریعت اسلام به کار رود، به مفهوم آنچه که رسول خدا به آن دستور داده و یا از آن بازداشته است، می باشد. سنت، همان سیره پیامبر است. سنت، برای این جهت به این نام، نامیده شد که جاری می گردد. یعنی استمرار می یابد. گرچه برحسب مفهوم لغوی خود می تواند خوب یابد، پسندیده یا ناپسند باشد، اما ازینجا که «جا که آ

آنجا که درباره شیوه زندگی رسول خدا (ص) به کار می رود، به ارزش های معنوی ویژه می شود. سیره دراصل برگرفته از «سیر» به مفهوم حرکت مستمر و هدفمند است. دیگر واژگان پدید آمده از سیر نیز به این مفهوم بسیار به کار رفته اند. (۴) در قرآن و حدیث نیز این معنا بسیار آمده است اما در اصطلاح، سیره به معنای شیوه و روشی است که شخص آن را به عنوان ضابطه و قانون زندگی برگزیده و خود را ملزم به انجام آن دانسته است. از این جهت، سیره با عادت های شخصی تفاوت دارد. زیرا عنصر انتخاب در آن دخالت داشته و آگاهانه است. اما عادت های

۱- المفردات لالفاظ القرآن، ۱/ ۲۴۷

۲- المفردات لالفاظ القرآن، ۱/ ۲۴۵

۳- الفروق اللغویه، ۱/ ۲۸۵ / ۱۱۳۷

۴- لسان العرب، ۶/ ۴۵۳.

ص: ۲۹

شخصی ممکن است نا آگاهانه و بدون توجه باشد. به همین جهت، سیره را به طریقه نیز معنی کرده‌اند. (۱) این واژه در مباحث کلامی، به معنای دستورهای پیامبر است که به انجام کاری فرمان داده و یا از انجام کاری منع کرده است که گاهی به صورت سخن و کلام بوده و در مواردی خود ایشان، آن کار را انجام داده و یا ترک کرده است که به دو گروه سیره عملی و گفتاری تقسیم می‌شوند و هر دو گروه در حکم ضابطه‌ها و قوانینی هستند که مردم باید از آنها پیروی کنند.

منظور از سیره معصومین شیوه و روشی است که آنها در زندگی به عنوان دستور و قوانین الهی انتخاب نموده و خود را ملزم به اجرای آنها دانسته‌اند و شامل تمام اقدام‌های عملی و گفتاری و اخلاقی می‌شود که به عنوان حکم خدا انجام داده و یا بیان نموده و یا سخن و عملی را تأیید نموده که از آن به تقریر معصوم یاد شده است. در این صورت، سیره شامل گفتار و دستور به دیگران نیز می‌شود.

ضرورت شناخت سیره

بدیهی است که اگر معصومین، شیوه‌ای را در زندگی به عنوان ضابطه و قانون الهی برگزیده باشند، همان شیوه، قانون و حکم خداست. این شیوه، نسبت به معصومین، عمل به حکم خدا و نسبت به دیگران بیان حکم خداست و قطعاً مخالفت با آن، مخالفت با حکم خداست. در این صورت شناخت سیره معصومین عیناً شناخت دستورهای خداوند است. در نتیجه شناخت سیره به منظور شناخت احکام خدا، استنباط احکام جدید و مورد نیاز، ضروری خواهد بود و سیره آنها بستر گسترده دین شناسی و دین مداری خواهد بود، که برای شناخت حکم خدا و

ص: ۳۰

اداره جامعه، نخست باید آن‌ها را شناخت و سپس براساس آن‌ها قوانین مورد نیاز را وضع کرد. پس شناخت سیره پیشوایان معصوم، برای شناخت احکام دین لازم و ضروری است. اگر شناخت احکام دین واجب باشد، شناخت سیره معصومین نیز واجب است.

اعتبار

سیره امامان معصوم برحسب این تعریف و استدلال، از همان جایگاه و اعتباری برخوردار است که قرآن در آن قرار دارد. سخن رسول خدا (ص) که فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِىكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي، اهل بیتی، ما إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا ابداً (۱) دلیل بر اثبات همین جایگاه است که قرآن و اهل بیت را از نظر ارزشی با هم برابر قرار داده است.

برابری قرآن و امامان معصوم، در معرفی دین و شناخت حکم خدا مستلزم کند و کاو گسترده در عمق زندگی امامان و زوایای ناشناخته آن‌هاست که باید در موضوع سیره امامان نیز همانند قرآن به تفسیر و تبیین نشست و با استفاده از محک‌ها و متشابهات آن را تفسیر نمود، وجوه آن را شناخت، ناسخ و منسوخ را تعیین کرد و در زندگی امروز جاری ساخت.

دلالت

سیره و سنت معصومین به سه گروه گفتاری (اگرنامه را جزء گفتار به شمار آوریم و گرنه چهار گروه می‌شود) کرداری، تقریری یا امضاء و تأیید تقسیم می‌شود. زیرا پیشوایان معصوم (ع) گاه حکم خدا را بیان فرموده و گاه برای معرفی حکم خداوند، اقدام عملی انجام داده اند و گاه حکمی نزد معصوم بیان شده و به آن

۱- المسند، أحمد بن حنبل، ۴/ ۳۶ / ۱۱۱۳۱؛ صحیح مسلم، برقم ۲۴۰۸.

ص: ۳۱

عمل شده است، اما نهی نکرده و آن را باطل ندانسته اند که در این صورت آن را تأیید کرده اند. شناخت دستورهای خداوند از سیره معصومان کاری کاملاً تخصصی است، زیرا استنباط احکام از سیره و سنت معصومین در بسیاری موارد چندان روشن نیست. برای آنکه روایات و گزاره‌های رسیده در این خصوص گاه در ظاهر متعارض و متناقض و یا مبهم می‌باشند و نمی‌توان ملتزم شد که همه آن‌ها را امام معصوم فرموده و یا انجام داده است. پس برای شناخت سیره معصومین به عنوان پیش در آمد باید اقدام‌های ذیل را انجام داد:

الف: باید دانست که امام معصوم این سخن را فرموده و این اقدام را انجام داده است یا جاعلان حدیث آن را ساخته و روایت کرده اند. علم رجال و تراجم برای همین هدف پدید آمده اند.

ب: بر فرض که امام معصوم چنین مطلبی را فرموده و چنین اقدامی را انجام داده، آیا برای بیان حکم خدا بوده است؟

ج: اگر به منظور بیان و انجام حکم خدا بوده است، آیا با موارد دیگر تعارض ندارد؟ شرایط زمان و مکان در آن دخالت نداشته است؟ و آن حکم مدت دار و زمانمند نبوده است؟ علم درایه به بیان همین موضوع می‌پردازد.

د: معنای واژگانی که از معصوم نقل شده و یا شیوه و کار آن‌ها را گزارش کرده، به چه معنا و مفهوم است؟ این موضوع را باید در کتاب‌های فرهنگ لغت و ادبیات عرب و معانی و بیان جستجو کرد.

ه: برای اثبات سخن معصوم و سیره و سنت عملی آن‌ها، راهی جز نقل نیست. کتاب‌های حدیث و شرح زندگی آن‌ها در کتاب‌های سیره و تاریخ برای همین جهت تدوین شده اند.

و: فهم فقها و عالمان گذشته نیز بی تأثیر در فهم درست و کامل سیره نیست، پس استنباط پیشینیان را نیز باید مورد توجه قرار داد.

ص: ۳۲

ز: شناخت سیره کامل امامان معصوم، مستلزم آن است که تمام جریان‌های سیاسی، فرهنگی و شرح زندگی شخصی و اجتماعی و موضع ائمه (ع) را در برابر جریان‌های حاکم شناخت. برای این جهت ناگزیر باید تمام کتاب‌های تاریخ را بررسی کرد.

علل تفاوت سیره

بستر زمانی سیره و سنت معصومین، از بعثت رسول خدا (ص) آغاز شد و در سال ۲۶۰ با شهادت امام حسن عسکری (ع) پایان یافت. یعنی مدت ۲۷۳ سال گستره زمانی سیره بوده است که اگر هفتاد سال غیبت صغرا را بر آن بیفزاییم یعنی تا سال ۳۲۹ این زمان به ۳۴۲ سال افزایش می‌یابد.

بدیهی است که جریان‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، فقهی، کلامی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی متفاوتی در این مدت پدید آمده‌اند که هر کدام حکم ویژه‌ای می‌طلبد.

تأثیر دو عنصر زمان و مکان، به عنوان مقتضیات زمان، در چگونگی دستورهای خداوند، انکارناپذیر است. افزون بر آنکه یک دستور در شرایط مختلف، شکل‌های مختلف می‌یابد. هرشرایطی نیز حکم ویژه‌ای می‌طلبد. علاوه بر آن، شرایط روحی و جسمی افراد نیز در احکام تأثیر بسیار دارد و هر حکمی ممکن است نسبت به اشخاص مختلف، به اشکال متفاوتی بیان شده باشد و ضروری بود که سیره معصومین نیز برحسب اقتضای زمان و اختلاف شرایط و شرایط مختلف افراد، متفاوت باشد.

افزون بر این‌ها گاهی امام معصوم، مطلبی را به جهت تقیه بیان کرده است یا اقدامی را برای تقیه انجام داده است. در این خصوص مشاهده می‌شود که در یک موضوع، دو یا چند حدیث صحیح و متفاوت، متضاد و یا متناقض رسیده است. فقها در این باره در فصل تعادل و تراجیح از آن بحث کرده‌اند و نیز مشاهده

ص: ۳۳

می‌شود که امام معصوم در یک سخن شخصی را تأیید نموده و در سخن دیگر او را نفی کرده است. پس عامل اصلی اختلاف سیره معصومین همان اختلاف شرایط زمان و مکان و اشخاص بوده است که هر شرایطی حکم ویژه‌ای داشته و امام معصوم (ع) آن را انجام داده است و حکم خداوند نیز بی‌گمان در آن شرایط همان بوده که امام معصوم آن را بیان کرده است و همان حکم، در تمام شرایط مشابه و همانند نیز جاری می‌گردد.

جایگاه سیره در فقه

جایگاه سیره در تدوین کتاب‌های فقهی، جایگاه اساسی و بنیادی بوده است. هیچ حکم فقهی بدون شناخت سیره، استنباط نشده است. کار فقیهان گذشته در حقیقت، شناخت سیره معصومین (ع) در موضوعات مختلف فقهی بوده است. آنها تمام احکام فرعی فقهی را که به آن دست یافته‌اند، از همین سیره معصومین استنباط کرده‌اند. تمام احکام فقهی که فقها در موضوعات مختلف فقهی به تفصیل بیان کرده‌اند، در حقیقت بیان تفصیلی سیره معصومین است که اگر سیره معصومین را درست شناخته‌اند، حکم خدا را درست بیان کرده‌اند، اما اگر در شناخت سیره به خطا رفته‌اند، در بیان احکام نیز دچار خطا شده‌اند. مستدل، یا غیر مستدل بودن حکم فقهی نیز که فقها بیان کرده‌اند، با همین سیره معصومین ارزیابی می‌شود که آن حکم بر اساس سیره معصومین بیان شده یا خیر؟ یعنی آن حکم به نحوی در سیره معصومین بوده است یا خیر؟ ضروری است که تمام احکام فقهی اعم از تصریحی یا استنباطی، مستند به سیره معصومین باشد. پس هر فقیهی نخست باید سیره معصومین را بشناسد و سپس این شناخت خود را برای دیگران بیان کند. پس فقیه واسطه شناخت، بین مردم و سیره معصومین است.

جایگاه سیره در اخلاق

ارزش‌های اخلاقی را باید با سیره معصومین شناخت. چه آنکه معصومین خود تجسم ارزش‌های اخلاقی بوده‌اند. این موضوع در سخن و عمل، یعنی گفتار و کردار معصومین بسیار گستره و به تفصیل بیان شده است. نمونه‌های بسیار والا از زندگی معصومین در تاریخ، در خصوص همین سیره اخلاقی ثبت شده است. به ارزش‌های اخلاقی، بدون شناخت سیره معصومین نمی‌توان راه یافت. دست‌های اخلاقی معصومین، بیان‌تئوریک اخلاق و زندگی معصومین نیز تجسم عینی فضیلت‌های اخلاق می‌باشد. یعنی معصومین تمام آنچه را که در موضوع فضایل اخلاقی بیان کرده و مردم را به انجام و رعایت آن‌ها دستور داده‌اند، خود ایشان همه را به طور کامل و در حد اعلی انجام داده‌اند. آن‌ها نمونه‌های جامع فضایل اخلاقی و کمال بوده‌اند. پس برای شناخت تئوریک فضایل اخلاقی و مشاهده عینی آن‌ها باید سیره معصومین را شناخت و با شناخت سیره معصومین در این خصوص می‌توان جایگاه ارزشی فضایل اخلاقی و تأثیر آن را در تربیت اشخاص و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، خانوادگی و به خوبی شناخت.

جایگاه سیره در تربیت

اتخاذ شیوه درست تربیت و تدوین فرمول‌ها و قوانین تربیت و شناخت عوامل و ابزارهای تربیت و چگونگی استفاده و به کارگیری آن‌ها، بدون شناخت سیره معصومین امکان پذیر نیست.

دیگر موضوعات

ما امروز در تمام موضوعات فردی و اجتماعی نیاز به شناخت سیره معصومین داریم. شناخت سیره معصومین و شناخت ضابطه‌های زندگی، مستلزم یکدیگرند و

ص: ۳۵

رابطه سیره معصومین و زندگی، رابطه عملی و کاربردی است. پس شناخت سیره معصومین، صرفاً تئوریک و غیر کاربردی نمی باشد و اجرای آن نیز در تمام شئون زندگی گسترش می یابد.

خلاصه و نتیجه

خداوند کتاب‌های آسمانی و پیامبران را برای هدایت آدمیان فرستاد. به همین جهت، پیامبران را معصوم قرار داد. عصمت یعنی مصونیت از خطا و لغزش‌های فکری و عملی و اخلاقی. عامل عصمت نیز معرفتی است که آن‌ها نسبت به حقایق جهان و فرجام اطاعت و معصیت دارند. سیره و سنت نیز به مفهوم روش عملی و شیوه زندگی پیامبر و معصومین است. امروز حکم خدا را باید از طریق قرآن و سیره معصومین شناخت، پس شناخت سیره و سنت معصومین به منظور شناخت دستورهای خداوند لازم و ضروری است. کاربرد سیره در گستره زندگی است که در تمام شئون زندگی انسان راه می‌یابد و عمل به آن تمام زندگی را در راستای درست شریعت قرار می‌دهد. عامل تفاوت سیره نیز دو عنصر مکان و زمان بوده است که هر شرایطی حکم ویژه می‌طلبد.

ص: ۳۷

پرسش‌های این فصل

- ۱- عصمت را از نظر شیخ مفید تعریف کنید.
- ۲- سیره و سنت در لغت و اصطلاح به چه معناست؟
- ۳- ضرورت شناخت سیره معصومین را توضیح دهید.
- ۴- جایگاه و اعتبار سیره معصومین را بیان کنید.
- ۵- عامل اختلاف سیره معصومین چه بود؟

ص: ۴۱

فصل دوم سیره عبادی

اشاره

اهداف فصل دوم

پیش درآمد ۲۲۲۲۲۲۲۲

عبادت و پرداختن به یاد خدا، فلسفه وجودی انسان است. چه آنکه خداوند فرمود: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (۱) به مقام‌های بلند معنوی اخروی، جز با عبادت نمی‌توان دست یافت. عبادت، اساس تمام خوبی‌ها و کمالات است. مراتب آدمیان جز با عبادت ارزیابی نمی‌گردد. آهنگ قافله هستی جز یاد خدا نمی‌باشد. فرشتگان جز در حال عبادت نیستند. ذرات هستی در باطن جز به عبادت خداوند نمی‌پردازند. ثواب و عقاب جز بر عبادت مترتب نمی‌شوند.

تجلی خداوند در هستی به عبادت است و فلسفه آفرینش نیز جز عبادت چیز دیگری نیست. تمام پیشوایان و پیش کسوتان عرصه اندیشه و ارزشهای معنوی اعم: از پیامبران، امامان معصوم، اولیاء الله، تنها با عبادت خداوند شناخته می‌شوند.

پیامبران الهی، برگزیده خداوند از تمام هستی هستند. در آیات بسیاری به این موضوع تأکید شده است: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. (۲)

آیه ۴۲ آل عمران درباره حضرت مریم، آیه ۲۴۷ بقره درباره طالوت، آیه ۱۴۴ اعراف درباره حضرت موسی، آیه ۱۳۰ بقره درباره حضرت ابراهیم، آیه ۴۷ ص

۱- الذاریات، ۵۱-۵۶

۲- آل عمران، ۳/۳۳.

ص: ۴۲

درباره ابراهیم و اسحاق و یعقوب و آیه ۳۲ فاطر به طور کلی بر برگزیدگان و پیامبران الهی دلالت دارند. به دلیل برتری پیامبر اسلام و اهل بیت او بر پیامبران پیشین، بی گمان آنها از همه برتر هستند. زیرا پیامبران از میان هستی برگزیده شدند. پیامبر اسلام و اهل بیت او از میان پیامبران برگزیده شده‌اند. پس پیامبر و ائمه برگزیده دوم از برگزیدگان اول هستند و عبادت نیز که فلسفه آفرینش است، باید در زندگی اینها به صورت ویژه و برتر تجلی کند. زیرا آنها تبلور برتر در نظام هستی هستند، هستی نیز تجلی عبادت خداوند است، پس پیامبران و امامان نیز تجلی برتر عبادت می‌باشند و می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. فلسفه آفرینش هستی، به ویژه آدمیان و جنیان، عبادت خداوند است.
۲. پیامبران از میان دیگران برگزیده هستند.
۳. پیامبر اسلام و امامان معصوم برگزیده تمام پیامبران هستند.
۴. پس پیامبر اسلام و امامان معصوم برگزیده تمام هستی به ویژه آدمیان هستند.
۵. پس فلسفه آفرینش باید در وجود آنها به صورت ویژه تجلی کند.
۶. بدیهی است که عبادت در زندگی آنها تجلی ویژه داشته است.

نتیجه

- الف - تمام لحظه‌های زندگی امامان در عبادت خداوند گذشته و هیچ لحظه‌ای بدون عبادت خدا نبوده‌اند.
- ب - فراز و نشیب روزگار، شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی چندان تأثیری نداشته و آنان در هر شرایطی به عبادت خداوند پرداخته‌اند.
- ج - گرچه جلوه‌های عبادت مختلف بوده است، اما بیشترین تجلی عبادت در نماز، حج، روزه و دعا و خدمت به مردم بوده است.

ص: ۴۳

د هر امامی در عصر خود، عابدترین و از نظر فضایل اخلاقی نیز برترین بوده است. اینها اصول ثابت در سیره عبادی امامان (ع) بود، زیرا آنها در رابطه با عبادت خداوند که همان فلسفه آفرینش است، دو وظیفه اساسی داشتند و دیگر شیوه‌های زندگی در راستای انجام همین دو وظیفه بوده است:

اول: پرداختن به عبادت خداوند در تمام لحظه‌های زندگی در قالب نماز، روزه، حج، دعا، تعلیم و کار و تجارت و ... که به عنوان سیره عبادی شناخته می‌شوند.

دوم: تمام تلاش‌های ائمه و روابط اجتماعی و مبارزات سیاسی آنها به این جهت بود که مردم جامعه به عبادت خداوند پردازند که به عنوان سیره تربیتی شناخته می‌شوند.

تفاوت سیره عبادی

گفتیم عبادت به دو دلیل در زندگی امامان جایگاه ویژه یافت:

الف: ائمه، برگزیدگان هستی هستند و در نتیجه فلسفه آفرینش، باید در وجود آنها به طور تمام و کمال جلوه کند.

ب: آنها مظهر کامل نام‌ها و صفات خداوند هستند و باید اسما و صفات در وجود آنها تجلی کامل یابد.

هر کدام از این دو موضوع مستلزم دیگری است. به همین جهت امامان معصوم در عبادت و فضایل اخلاقی همیشه برترین بوده‌اند. گرچه تاریخ نگاران و سیره نویسان اهل سنت، امامان معصوم را با دیگر مردم مقایسه و سپس حکم کرده‌اند که آنان برترین اهل زمان بوده‌اند، اما باید گفت این مقایسه صحیح نیست، زیرا هیچ الگوی برتری را با دیگر مردم مقایسه نمی‌کنند بلکه جایگاه معنوی مردم را با

ص: ۴۴

آن‌ها ارزیابی می‌کنند. هر الگوی برتری باید با فلسفه وجودی خودش ارزیابی شود.

گرچه هرامامی در عصر خود مظهر کامل تجلی اسماء و صفات خداوند بود، اما در عین حال تفاوت‌هایی در سیره عبادی آن‌ها مشاهده می‌شود و عامل این اختلاف چند چیز می‌تواند باشد:

۱- در موضوع تاریخ و سیره نویسی هیچ گاه به طور قطعی نمی‌توان گفت تمام آنچه که روی داده، نقل شده است. زیرا نویسندگان تاریخ و سیره و همچنین راویان حدیث بر حسب اهداف و انگیزه‌هایی که داشته‌اند، برخی مطالب را برگزیده و بسیاری دیگر را نقل نکرده‌اند. عدم نقل نیز دلیل بر عدم وقوع نمی‌شود و گرنه تمام امامان شب‌ها به عبادت و نماز و تهجد می‌پرداختند و افراد بسیاری از اسرار عبادت‌های آنان آگاه نبوده‌اند.

۲- برخی امامان در زندان، یا در محاصره نظامی و مراقبت سیاسی بودند و ارتباط آن‌ها با مردم قطع بود و همه از شرایط زندگی و عبادت‌های آن‌ها اطلاع نداشتند. عبادت‌های امام موسی بن جعفر (ع) در زندان هارون الرشید، توسط برخی از افراد روایت شده که در زندان حضور داشتند و یا حضور یافتند.

۳- شرایط سیاسی و اجتماعی: برخی امامان در شرایط سیاسی دشواری زندگی می‌کردند و از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی بازداشته می‌شدند و نماز و عبادت‌های آنان در آن شرایط در نظر مردم بیشتر جلوه می‌کرد و مورد توجه قرار می‌گرفت.

۴ تمام ائمه، مظهر کامل تمام فضیلت‌های برتر هستند و هر فضیلتی در زندگی یکی از امامان بیشتر تجلی یافت تا همه فضیلت‌ها در زندگی همه آنها تجلی داشته باشد؛ تا هر کس بخواهد تجلی فضیلتی را به طور کامل بشناسد، به زندگی آن امام مراجعه کند. در نتیجه می‌بینیم که عدالت و عبادت در زندگی حضرت علی (ع)، حلم و بردباری در زندگی امام حسن (ع)، شهادت و ایثار در

ص: ۴۵

زندگی امام حسین (ع)، عبادت و انفاق‌های شبانه در زندگی امام سجاد (ع)، علم و دانایی در زندگی امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، صبر و استقامت در زندگی امام کاظم (ع) و ... بیش از همه جلوه کرد تا مجموع فضیلت‌ها در زندگی همه ائمه شناخته شود.

این عوامل و برخی عوامل دیگر سبب شدند که پرداختن به نماز و عبادت در زندگی برخی امامان بسیار نقل شود و در زندگی برخی دیگر کمتر گزارش شود. تردیدی نیست که نماز و انجام نافله‌های شبانه روز در زندگی امامان محور اصلی بوده و تمام آن‌ها بی استثناء شبانگاه به عبادت می‌پرداختند.

دلیل این مطلب افزون بر گزارش‌های تاریخی، آیات قرآن است که درباره عبادت‌های شبانه رسول خدا (ص) رسیده است.

يَا أَيُّهَا الْمُزْمَلُ. قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا. نَضِيفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا. أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا. إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا. إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا. إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا. وَ اذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا. رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا. (۱)

گرچه مخاطب مستقیم این آیات رسول خداست، اما امامان معصوم نیز به دلیل مسؤولیت الهی و جایگاه معنوی خود و برابری با پیامبر، همین وظیفه را داشته‌اند و بیشترین ساعات شب را به نماز و عبادت و تلاوت قرآن می‌پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، خداوند در قرآن دستور داده است که به رسول خدا اقتدا کنید. نخستین افراد بلکه تنها کسانی که به تمام و کمال به رسول خدا (ص) اقتدا کردند، ائمه معصومین (ع) بودند. آن‌ها از چند جهت مصداق کامل این آیات می‌باشند:

ص: ۴۶

الف: رسول خدا (ص) به این آیات عمل می کرده است و بر اساس آیه دیگر که فرمود: لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، امامان معصوم نیز باید به آن حضرت اقتدا می کردند.

ب: آن‌ها به تمام قرآن به طور کامل عمل می کردند و همین آیات، نمونه ای از قرآن است.

ج: از آن جهت که خود باید مقتدای دیگران می بودند، ضروری بود که این آیات در زندگی آن‌ها تجلی ویژه داشته باشد.

پس تردیدی نیست که عبادت و به ویژه شب زنده داری در زندگی ائمه یک اصل اساسی بوده است، هر چند که درباره برخی امامان نقل نشده باشد. آنچه هم که از عبادت‌ها مثل نماز، روزه و حج نقل شده است، اندکی از بسیار و قطره‌ای از اقیانوس بیکران و ستاره‌ای از آسمان پرکھکشان زندگی آن‌هاست که در بیان و قلم تاریخ نگاران، سیره نویسان و راویان حدیث ظاهر شده است.

سیره عبادی امامان را به دو دسته عملی و دستوری تقسیم می کنیم: قسم اول، سیره عملی آن پیشوایان است که خود به آن پرداخته‌اند و قسم دوم، سیره دستوری آن‌هاست که شیعیان را به آن دستور داده‌اند.

سیره عملی در موضوع عبادت

اشاره

پرداختن به عبادت‌های ائمه فصلی مشبع می‌طلبد اما در این جا به برخی از جلوه‌های عبادت در زندگی آن‌ها اشاره می‌شود.

امام علی (ع)

عبادت‌های امام علی (ع) معروف است. سال‌ها پیش از بعثت همراه پیامبر، در زمان بعثت و پس از آن حضرت و همچنین در زمان خلافت به عبادت و نماز

ص: ۴۷

می پرداخت. این فراز و نشیب‌ها او را از عبادت باز نداشت و تغییری در آن ایجاد نکرد.

فقد صح عنه (ع) أنه قال: أنا عبدالله و أخو رسول الله (ص) و أنا الصديق الأكبر، لا يقولها بعدى إلا كذاب مفتر، و لقد صليت قبل الناس سبع سنين. (۱) ابودرداء گوید: حضرت علی (ع) را در یکی از شب‌ها در محله دوربنی نجار دیدم که از بستگان دوری گزیده، تنها و پنهان از دیگران میان نخل‌ها حرکت می کرد. دیگر او را ندیدم و به جستجویش پرداختم و با خود گفتم به منزل رفته است. در این میان ناله حزینی شنیدم که می گوید: إلهی، کم من موبقه (۲) حملت عنی فقابلتها بنعمتک، و کم من جریره (۳) تکرمت عن کشفها بکرمک، إلهی إن طال فی عصیانک عمری، و عظم فی الصحف ذنبی، فما أنا مؤمل غیر غفرانک، و لا- أنا براج (۴) غیر رضوانک.

در پی این ناله رفتم تا ببینم چه کسی است. دیدم آن حضرت است. آرام حرکت کردم و پنهان شدم تا مرا نبیند. دیدم در دل شب چند رکعت نماز خواند و سپس به دعا و مناجات پرداخت و با گریه فرمود: إلهی، أفکر فی عفوک، فتهون (۵) علی خطیئتی، ثم أذكر العظیم من أخذک فتعظم علی بلیتی (۶) ثم قال: آه إن أنا قرأت فی الصحف سیئه أنا ناسیها و أنت محصیها، فتقول: خذوه، فیا له من مأخوذ لاتنجیه عشیرته، و لاتنفعه قبیله ... ثم

۱- الخصال، ۴۰۱/ ۱۱۰؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ۲/ ۱۶؛ العمده، ابن بطریق، ۶۴/ ۷۶؛ الطرائف، ابن طائوس، ۲۰/ ۱۲؛ المصنف، ابن أبی شیبہ، ۶۵: ۱۲/ ۱۲۱۳۳؛ سنن، ابن ماجه، ۱۴۴/ ۱۲۰؛ السنه، ابن أبی عاصم، ۸۹۵/ ۲؛ فضائل، أحمد، ۸۷/ ۱۱۷؛ خصائص النساء، ۲۴/ ۷؛ تاریخ، الطبری، ۲/ ۲۱۲؛ الأوائل، أبی هلال العسکری، ۴۹۱/ ۱؛ مستدرک، الحاکم، ۳/ ۳۱؛ نقض العثمانیه، الإسکافی، ۲۹۰؛ فرائد السمطین، ۲۴۸: ۱/ ۱۹۲؛ میزان الاعتدال، ۱۰۱: ۳ و ۱۰۲؛ اعلام الوری، ۱/ ۳۶۰

۲- گناه

۳- الجریره: الذنب و الجنایه

۴- امیدوار

۵- آسان

۶- گرفتاری

ص: ۴۸

قال: آه من نار تنضح الأكباد والکلی (۱)، آه من نار نزاعه للشوی، آه من غمره (۲) من ملهبات لظی. (۳) آن قدر دعا و مناجات و گریه کرد که صدایش خاموش شد. با خود گفتم چون عبادت و شب زنده داری علی طولانی شد، پس خواب بر او چیره شده است، خوب است بروم او را برای نماز صبح بیدار کنم. هنگامی که بالای سرش رفتم دیدم بی حرکت بر زمین افتاده است. گفتم: إنا لله و إنا إليه راجعون، علی از دنیا رفته است. با شتاب به منزل حضرت زهرا (س) رفتم تا رحلت علی را به او خبر دهم. جریان را خدمتش عرض کردم.

فرمود: ابودردا سوگند به خدا که علی از دنیا نرفته و از خوف خدا بیهوش شده است. (۴) این موضوع دلیلی است بر این که این جریان در زمان حیات رسول خدا (ص) یا اندکی پس از رحلت آن حضرت بوده است.

شخصی گوید: از انس بن مالک شنیدم که می گفت این آیه: أَمْ مَنْ هُوَ قَانَتْ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ (۵) درباره

حضرت علی (ع) نازل شده است. با خود اندیشیدم علی را بنگرم که چگونه عبادت می کند. سوگند به خدا وقتی نزد او رفتم که هنگام نماز مغرب بود. او با اصحابش نماز می خواند. پس از نماز به تعقیبات پرداخت تا نماز عشا را خواند. پس از آن به منزل رفت و من هم همراه او به منزلش رفتم. دیدم در تمام شب به نماز و قرائت قرآن پرداخت تا شب سپری شد. وضو گرفت و به مسجد رفت و با مردم نماز صبح

۱- کلیه و کبد را بر می کند

۲- زبانه های آتش که فرا می گیرد

۳- اشاره به آیات ۱۵ و ۱۶ سوره معارج است: كَلَّا إِنَّهَا لَظَى نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى. زبانه می کشد پوست سر و اندام را برکننده است

۴- الأمالی، الشيخ الصدوق، ۱۳۷؛ بحار الانوار، ۴۱ / ۲۱

۵- الزمر، ۳۹ / ۹. الزمر، ۳۹ / ۹.

ص: ۴۹

را خواند و سپس به تعقیبات نماز صبح پرداخت تا خورشید طلوع کرد و مردم به سوی او روی آوردند و به حل و فصل امور مردم پرداخت تا وقت نماز ظهر فرا رسید. وضو گرفت و با اصحابش نماز ظهر را خواند و سپس به انجام تعقیبات نماز ظهر پرداخت تا نماز عصر را با اصحابش خواند و مردم نزد او آمدند و به حل و فصل امور مردم و بیان احکام خدا پرداخت تا خورشید غروب کرد و من از نزد او بیرون رفتم، در حالی که با خود می‌گفتم: خدا را گواه می‌گیرم که این آیه در باره او نازل شده است. (۱) نوف: بت ليله عند أمير المؤمنين (ع) فكان يصلي الليل كله و يخرج ساعه بعد ساعه فينظر الى السماء و يتلوا القرآن. (۲) ابن عباس: و كان يصوم النهار و يصلي بالليل ألف ركعه. (۳) انه (ع) قال: ما تركت صلاة الليل منذ سمعت قول النبي (ص) صلاة الليل نور فقال ابن الكواء و لا ليله الهرير (۴) قال: و لا ليله الهرير. (۵) و في تفسير القشيري أنه كان (ع) إذا حضر وقت الصلاة تلون و تزلزل، فقل له: ما لك؟ فيقول: جاء وقت أمانه عرضها الله تعالى على السماوات و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و حملها الإنسان في ضعفى، فلا أدرى أحسن إذا ما حملت أم لا. (۶) و أخذ زين العابدين بعض صحف عباداته فقرأ فيها يسيرا ثم تركها من يده تضرجا و قال: من يقوى على عبادة على بن أبى طالب (ع). (۷)

۱- بحار الأنوار، ۴۱/۱۴؛ امالی، الصدوق، ۲۳۲؛ خصال، ۳۳۷/

۲- بحار الأنوار، ۴۱/۱۶

۳- بحار الأنوار، ۴۱/۱۷؛ مناقب آل ابی طالب، ۳۲۳

۴- نام یکی از شب‌های جنگ صفین است که هردو سپاه آن شب را تا صبح جنگیدند

۵- همان

۶- بحار الأنوار، ۴۱/۱۷

۷- بحار الأنوار، ۴۱/۱۷

ص: ۵۰

هرگاه وقت نماز می‌رسید، رنگ چهره آن حضرت متغیر می‌شد و بدن مبارکش می‌لرزید. می‌پرسیدند چرا این گونه می‌شوید؟

می‌فرمود: هنگام ادای امانت خداوند فرارسیده است، امانتی که آسمان‌ها و زمین توان پذیرش آن را نداشتند.

امام صادق (ع) نیز به نماز امام علی (ع) اشاره کرده است. (۱)

فاطمه (س)

کسی که آیه تطهیر در باره او نازل شده، باید چنین باشد که تمام اوقاتش در عبادت بگذرد و حضرت زهرا (س) چنین بود.

النبی (ص): قامت فی محرابها بین یدی ربها جل جلاله ظهر نورها لملائکه السماء كما يظهر نور الكواكب لأهل الارض. (۲) حسن بن علی (ع): رأیت أُمی فاطمه (س) قامت فی محرابها لیل جمعتها فلم نزل راکعه ساجده حتی اتضح عمود الصبح و سمعتها تدعوا للمؤمنین و المؤمنات ... (۳) حسن بصری: ما کان فی هذه الأمه أعبد من فاطمه کانت تتقوم حتی تورم قدماها. (۴) ابونعیم اصفهانی: من ناسکات الأصفياء و صفیات الأتقیاء فاطمه ... (۵)

امام حسن (ع)

امام صادق (ع): او در زمان خود عابدترین، زاهدترین و برترین مردم بود.

۱- بحار الانوار، ۴۱/۳۲؛ فروغ، کافی، ۴/۴۹۵؛ و مراجعه شود به نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵

۲- امالی، الصدوق، ۲۴/۱۰۰، راجع به امام حسن ۳/۴۱

۳- بحار الانوار، ۴۳/۸۱، ۳/۴۲

۴- بحار الانوار، ۴۳/۸۴

۵- بحار الانوار، ۳۱/

ص: ۵۱

هرگاه به نماز می ایستاد، بدنش می لرزید. هرگاه بر می خاست وضو بگیرد، بدنش می لرزید و رنگ چهره اش متغیر می شد، از این موضوع پرسش شد و جواب داد: بر هر کسی که نزد پروردگار می ایستد، سزاست که رنگ چهره اش متغیر شود و بدنش بلرزد.

أن الحسن بن علی (ع) كان إذا توضأ ارتعدت مفاصله، و اصفر لونه، فقیل له فی ذلك فقال: حق علی کل من وقف بین یدی رب العرش أن یصفر لونه، و ترتعد مفاصله. (۱) آن حضرت بیست مرتبه، پیاده به حج رفت. قال ابن عباس: قد حج الحسن بن علی خمسا و عشرين حجه ماشیا، وإن النجائب (۲) لتقاد معه. (۳) حج امام حسن (ع) در روایت های مختلف و در بسیاری کتاب ها آمده است. (۴)

امام حسین (ع)

چنان که گفته اند اکثر اوقات آن حضرت به نماز گذشت. (۵)

۱- مناقب ابن شهر آشوب ۳ / ۱۸۰؛ بحار الأنوار، ۴۳ / ۳۳۹

۲- اسب

۳- البدایه، ۸ / ۳۷ للبيهقي، و هو فی "تهذيب ابن عساكر" ۴ / ۲۱۶، ۲۱۷، و علق البخاری فی "صحیحه" أنه حج ماشیا و الجنائب تقاد بین یدیه. سیر اعلام النبلاء، ۳ / ۲۶۰؛ و انظر: حلیه الاولیاء، ۲ / ۳۷. بحار الأنوار، ۴۳ / ۳۰۸

۴- حلیه الاولیاء، ۲ / ۳۷؛ الفصول المهمه، ۱۵۴؛ صفه الصفوه، ۱ / ۳۸۵ / ۱۲۰؛ كشف الغمه، ۲ / ۱۹۳؛ أخبار إصبهان، ۱ / ۱۰۳؛ المناقب، ابن شهر آشوب، ۳ / ۱۸۰؛ الصواعق المحرقة، ۱۳۹ ب ۱۰ فصل ۳؛ ینابیع الموده، ۲ / ۴۲۴؛ ذخائر العقبی، ۱۳۷؛ أمالی، الشيخ الصدوق، ۸ / ۱۵۰ و ۹ / ۱۸۴؛ قرب الاسناد، ۷۹؛ علل الشرائع، ۴۴۷ / ۶؛ شرح نهج البلاغه، ۱۶ / ۱۰؛ أخبار إصبهان، ۱ / ۴۴؛ تهذيب التهذيب، ۲ / ۲۹۸؛ تاریخ الخلفاء، ۷۳؛ ذخائر العقبی، ۱۳۷؛ المستدرک، ۳ / ۱۶۹؛ خمس وعشرين حجه وإن النجائب لتقاد معه؛ قرب الإسناد، ۷۹؛ علل الشرائع، ۴۴۷ / ۶؛ نور الأبصار، ۲۴۰؛ أنساب الأشراف، ۳ / ۹؛ سنن البيهقي، ۴ / ۳۳۱ حتى أنه يعطى الخف و يمسك النعل، المناقب، ابن شهر آشوب، ۳ / ۱۸۰؛ بحار الأنوار، ۴۳ / ۳۴۹ / ۲۱؛ شرح نهج البلاغه، ۱۶ / ۱۰

۵- خطط المقریزی، ۲ / ۲۸۵؛ تهذيب الاسماء، ۱ / ۱۶۳.

ص: ۵۲

قال مصعب: حجّ الحسين خمساً وعشرين حجه ماشياً. قالوا: و كان الحسين (ع) فاضلاً، كثير الصلاة، و الصوم، و الحج، و الصدقه، و أفعال الخير جميعها. (۱) و قال على بن الحسين: إنه (أبي) كان يصلي في اليوم و الليله ألف ركعه. (۲) و عن عبدالله بن عبيد بن عمير قال: حجّ الحسين بن على رضى الله عنه خمساً و عشرين حجّة ماشياً (۳) و نجائبه تُقاد معه. (۴) و كان (ع) إذا توضّأ ارتعدت مفاصله و اصفرّ لونه، فقل له في ذلك فقال: حقّ على كلّ من وقف بين يدي ربّ العرش أن يصفرّ لونه و ترتعد مفاصله. (۵) نماز او در ظهر روز عاشورا معروف است.

قال فلما رأى ذلك أبو ثمامه قال للحسين يا أبا عبدالله نفسى لكّ الفداء إني أرى هؤلاء قد اقتربوا منكّ و لا والله لا تقتل حتى أقتل دونكّ إن شاء الله و أحب ان ألقى ربى و قد صليت هذه الصلاة التى قد دنا وقتها. قال فرفع الحسين رأسه ثم قال ذكرت الصلاة جعلكّ الله من المصلين الذاكرين نعم هذا أول وقتها. ثم قال سلوهم أن يكفوا عنا حتى نصلى (۶).

امام سجّاد (ع)

او در عبادت، شهره آسمانها است. فرشتگان، او را با این ویژگی بیشتر می شناسند. در ملکوت معروف به «زین العابدین» است. این نامها برای عبادت بر او نهاده شد:

- ۱- تهذيب الاسماء، ۱/ ۱۶۳؛ تاريخ، ابن وردى، ۱/ ۱۶۵
- ۲- تاريخ، يعقوبى، ۲/ ۲۰۷؛ تاريخ، ابن وردى، ۱/ ۱۶۵
- ۳- سير اعلام النبلاء، ۳/ ۲۸۷؛ مجمع الزوائد، ۹/ ۲۰۱
- ۴- صفه الصفوه، ۱/ ۱۶۸؛ تاريخ دمشق، ۱۳/ ۵۴؛ طبقات، الشعرانى، ۱/ ۳۲۳؛ ۱۵۱۸۷؛ تهذيب الاسماء، ۱/ ۱۶۳؛ مناقب، ابن مغازلى، حديث ۶۴؛ مطالب السؤل، ۳۶۰
- ۵- احقاق الحق، ۱۱/ ۴۲۲
- ۶- تاريخ، طبرى، ۵/ ۴۳۹.

ص: ۵۳

زین العابدین و ذوالثغفات و سید العابدین و قدوه الزاهدین و سید المتّقین و إمام المؤمنین و الأمين و السّجّاد و الزکی و زین الصالحین و منار القانتین و العدل و إمام الائمّه و البکاء، و قد اشتهر بلقبی السجّاد و زین العابدین أكثر من غیرهما & . حياه الامام زین العابدین، ۱ / ۳۹ \$ قال المبرد: کان ... و لقبه (ع): ذوالثغفات و الخالص، (۱) و الزاهد، و الخاشع، و البکاء، و المتهجد، و الرهبانی، و زین العابدین و سید العابدین، و السجّاد & . الکامل، المبرد، ۲ / ۹۳؛ بحار الأنوار، ۴۶ / ۱۶ \$ مناقب ابن شهر آشوب: لقبه (ع): زین العابدین و سید العابدین و زین الصالحین و وارث علم النبیین و وصی الوصیین و خازن وصایا المرسلین و إمام المؤمنین و منار القانتین و الخاشع و المتهجد و الزاهد و العابد و العدل و البکاء و السجّاد و ذوالثغفات و إمام الائمّه و أبوالائمّه & بحار الأنوار، ۴۶ / ۴ \$ و قدوه الزاهدین و سید المتّقین و الأمين و الزکی و العدل & . حياه الامام زین العابدین، ۱ / ۳۹ \$ این اوصاف، برای عبادت و اثره او گردید: زین العابدین، ذوالثغفات، سید العابدین، قدوه الزاهدین ...

قال جابر: سمعت رسول الله (ص) يقول للحسين بن علي إنه يولد لإبني هذا ابن يقال له علي بن الحسين و هو سيد العابدین إذا کان يوم القيامة ينادی مناد ليقم سيد العابدین فيقوم علي بن الحسين و يولد لعلي بن الحسين ابن يقال له محمد إذا رأيته يا جابر فاقرئه مني السلام & . تاريخ دمشق، ۵۴ / ۲۷۶ / ۱۱۴۹۸ - ۴ / ۴۵؛ مختصر تاريخ دمشق، ۱۷ / ۲۳۴ / ۳۴؛ إحقاق الحق، ۱۲ / ۱۳ - ۱۶۰؛ البدايه و النهايه، ابن كثير، ۹ / ۱۲۳ \$ روز قيامت او را زین العابدین خطاب می کنند & . علل الشرائع، ۱ / ۲۶۳؛ الامالی، الصدوق، ۳۱؛ بحار الانوار، ۴۶ / ۲؛ تاريخ دمشق، ۱۷۳ / ۴۱ / ۳۱۳۸ \$

ص: ۵۴

عن الإمام أبي جعفر الباقر (ع) أنّه قال: كان لأبي في مواضع سجوده آثار ناتيه & برآمدگی ، \$ و كان يقطعها في السنه مرتين، في كلّ مره خمس ثفّنات & پیشانی وروی زانوان و نوک انگشتان پینه بسته بود ، \$ فسَمّی ذالّثفّنات لذلك &. علل الشرائع، ۱/ ۲۷۳؛ معانی الأخبار، ۶۵؛ بحار الأنوار، ۶/ ۴۶؛ تذکره الخواص، \$۳۲۴

عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر (ع) قال: كان علي ابن الحسين (ع) يصلي في اليوم و الليله ألف ركعه، كما كان يفعل أمير المؤمنين (ع) كانت له خمس مائه نخله، فكان يصلي عند كل نخله ركعتين &، قال ابن حمزه كان علي بن الحسين يصلي في اليوم و الليله ألف ركعه. نور الأبصار، ۲۸۱؛ مطالب السؤل، \$ ۴۱۰ و كان إذا قام في صلاته غشى لونه لون آخر، و كان قيامه في صلاته قيام العبد الذليل بين يدي الملك الجليل، كانت أعضاؤه ترتعد من خشيه الله عزوجل، و كان يصلي صلاه مودع يرى أنه لا يصلي بعدها أبدا، و لقد صلي ذات يوم فسقط الرداء عن أحد منكبيه فلم يسوه حتى فرغ من صلاته، فسأله بعض أصحابه عن ذلك، فقال: ويحك أتدرى بين يدي من كنت؟ إن العبد لا تقبل من صلاته إلا ما أقبل عليه منها بقلبه &.

بحار الأنوار، ۴۶ / ۶۱؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ۳ / ۲۸۹؛ مختصر تاريخ دمشق، ۱۷ / ۲۳۶ / ۱۳۴ \$ سعيد بن كلثوم گوید: نزد امام صادق (ع) بودم، وی از امام علی (ع) یاد کرد و آن حضرت را به آنچه که شایسته بود، وصف کرد و سپس فرمود: هیچ کسی جز حضرت علی توان انجام عبادتی مثل عبادت های پیامبر (ص) را نداشت ... هیچ کسی نیز از خاندان علی (ع) بیش از علی بن الحسین با آن حضرت همانند نبود.

یک روزی فرزندش ابو جعفر نزد پدر رفت و او را در حالی دید که از شدت عبادت در شرایطی قرار گرفته که هیچ کس در آن شرایط نیست. رنگ مبارک از فزونی شب زنده داری زرد شده. چشم هایش از کثرت گریه کم سو شده. پیشانی مبارک از سجده بسیار پینه بسته و پاهایش از ایستادن در نماز ورم کرده است. چون پدر را

ص: ۵۵

در چنین حالی دید، بی اختیار گریه کرد. آن حضرت در حالی که به فکر فرو رفته بود، پس از اندکی به فرزندش توجه کرد و فرمود: فرزندم یکی از آن کتاب‌ها را که شرح عبادت‌های حضرت علی (ع) در آن نگاشته شده به من بدهید. کتاب را به او داد و قدری از آن را مطالعه کرد و کتاب را کنار گذاشت و فرمود: چه کسی توان دارد که مثل حضرت علی (ع) عبادت کند & . الارشاد، ۲۷۲؛ بحار الأنوار، ۷۴/۴۶؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ۳/ ۲۹۰\$ کان علی بن الحسین إذا فرغ من وضوئه للصلاه، و صار بین وضوئه و صلاته أخذ له رعدة و نفذه & لرزش، \$فقيل له في ذلك، فقال: ويحكم أتدرون إلى من أقوم. و من أريد أن أناجي. & حليه الأولياء، ۲/۱۵۴؛ بحار الأنوار، ۷۸/۴۶) أتدرون من أتأهب للقيام بين يديه؛ صفه الصفوه، ۲/۶۶/۱۶۵؛ نور الأ- بصار، ۲۸۱؛ مطالب السؤل، ۴۰۹؛ عن الصادق قال: كان علی بن الحسین إذا حضر الصلاه اقشعر جلده، و اصفر لونه، و ارتعد كالسغه. فلاح السائل، ۱۰۱؛ بحار الأنوار، ۵۵/۴۶\$ أبو جعفر (ع) يقول: كان لعلی بن الحسین (ع) ناقة، حج علیها اثنتین و عشرين حجه، ما قرعها قرعه قط & . کافی، ۱/ ۴۶۷\$ امام سجاد، مظهر عبادت خداوند بود. نماز و سجده در زندگی او بیش از دیگر امامان نقل شده است. این شاید به این جهت بود که:

الف: پس از واقعه کربلا و حره اختناق شدید سیاسی حاکم شد و اهل بیت پیامبر (ص) و امام سجاد (ع) بیش از همه از سوی حکومتیان در مراقبت بود و بیشتر به نماز می پرداخت.

ب: در شرایطی که بنی امیه بر ضد اهل بیت پیامبر تبلیغ گسترده داشتند و آن‌ها را خارج از دین معرفی کرده بودند، نمازهای امام سجاد (ع) بهتر می توانست تبلیغات آن‌ها را بی اثر و دشمنی بنی امیه را با دین ثابت و موقعیت معنوی اهل بیت را معرفی کند.

ص: ۵۶

ج: به دلیل بیگانگی حاکمان بنی امیه، نسبت به عبادت و در نتیجه روی گردانی مردم از عبادت، سبب شد که امام سجاد (ع) با عبادت‌های خویش، جامعه را به بندگی خداوند و ارزش عبادت توجه دهد.

امام باقر (ع)

او پیشوای متقیان در اسلام بود. در هر شبانه روز یکصد و پنجاه رکعت نماز می‌خواند. و کان کثیر الصلاة حتی کان یصلی فی الیوم و اللیله مائه و خمسين رکعه &. تذکره الحفاظ: ۱/ ۱۲۵، تاریخ ابن عساکر: ۴۴/ ۵۱، حلیه الأولیاء: ۱۸۲/ ۳؛ ۳۲/ ۷\$ و قد قال مولاه أفلح: حجبت مع أبي جعفر محمد الباقر فلما دخل الى المسجد رفع صوته بالبكاء فقلت له: بأبي أنت و أمی إن الناس ينتظرونك فلو خفضت صوتك قليلاً. فلم يعتن الإمام و راح. يقول له: ويحك يا أفلح إني أرفع صوتي بالبكاء لعل الله ينظر إليّ برحمه فأفوز بها غداً. ثم إنه طاف بالبيت، و جاء حتى ركع خلف المقام، فلما فرغ و إذا بموضع سجوده قد ابتل من دموع عينيه و حج (ع) مره و قد احتف به الحجيح، و ازدحموا عليه و هم يستفتونه عن مناسكهم و يسألونه عن أمور دينهم، و الإمام يجيبهم & مناقب ابن شهر آشوب: ۱۸۳/ ۴؛ صفه الصفوه ۱/ ۷۹ / ۱۷۱) به اختصار. (\$)

امام صادق (ع)

امام صادق (ع)، در بیشتر ایام سال روزه دار بود و در ماه مبارک رمضان با اشتیاق بیشتر روزه می‌گرفت &. حیات امام صادق ۶۷/ ۱\$ وی عابدترین مردم در زمان خودش بود.

ص: ۵۷

مالک بن انس فقیه المدینه یقول: و کان الصادق جعفر بن محمد (ع) رجلاً - لا یخلو من إحدى ثلاث خصال: إما صائماً، و إما قائماً، و إما ذاکراً، و کان من عظماء العباد، و اکابر الزهاد الذین یخشون الله عزوجل & الخصال / ۷۹؛ علل الشرائع / ۲۳۴؛ أمالی الصدوق / ۱۶۹. بحار الأنوار / ۴۷ / ۱۶. و قد روى القاضي عیاض کلمه مالک هذه بتغییر یسیر فی کتابه المدارک / ۲۱۲ و حکاها عنه أبوزهره فی کتابه مالک / ۲۸ و الخولی فی کتابه مالک / ۹۴. و مراجعه شود به: صفه الصفوه / ۲ / ۱۱۴ / ۱۸۶؛ سیر اعلام النبلاء / ۳ / ۲۱۴ جزئیات عبادت‌های امام صادق (ع) چندان نقل نشده است. شاید برای این بوده که علم و دانایی این امام بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اما دستورهای امام درباره اهمیت نماز و عبادت و دعاهایی که از این امام روایت شده، بسیار است & مراجعه شود به الصحیفه الصادقیه تألیف باقر شریف القرشی، دارالکتاب الاسلامیه \$

امام کاظم (ع)

تاریخ نگاران گفته‌اند: او عابدترین مردم زمان خود بود. به لقب عبد صالح، زیبایی مجتهدان نام گرفت. هیچ چشمی در عبادت و اطاعت خداوند همانند او را ندیده است. زیباترین و پربارترین ساعت‌ها نزد امام، آن اوقاتی بود که به نماز و عبادت می‌پرداخت و با تمام وجود به آن روی می‌آورد.

هرگاه برای نماز و مناجات می‌ایستاد، اشکش جاری می‌شد و قلبش از یاد خدا می‌لرزید. نمازهای نافله و نماز شب را تا هنگام نماز صبح ادامه می‌داد. سپس تا طلوع خورشید به تعقیبات می‌پرداخت، آن گاه تا زوال خورشید، در حال سجده بود.

کان أبو الحسن موسی (ع) أعبد أهل زمانه، و أفقههم و أسخاهم کفا، و أکرمهم نفساً، و روی أنه کان یصلی نوافل اللیل، و یصلها بصلاه الصبح، ثم یعقب

ص: ۵۸

حتى تطلع الشمس، و يخر الله ساجدا فلا يرفع رأسه من السجود و التحميد حتى يقرب زوال الشمس، و كان يدعو كثيرا فيقول: اللهم إني أسألك الراحة عند الموت، و العفو عند الحساب، و يكرر ذلك، و كان من دعائه (ع): عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك، و كان يبكي من خشية الله حتى تخضل لحيته بالدموع & . إعلام الوری / ۲۹۶؛ الإرشاد / ۳۱۶؛ بحار الأنوار ۴۸ / ۱۰۱ (ادامه در سیره اقتصادی \$) حسن بن محمد بن یحیی علوی گوید: جدم می گفت: موسی بن جعفر برای فزونی در عبادت عبد صالح نام گرفت. او را دیدند که شب هنگام وارد مسجد پیامبر شد و به سجده طولانی رفت و در سجده اش می گفت: عظیم الذنب عندی فلیحسن العفو عندک. یا أهل التقوی و یا أهل المغفره. فجعل یرددها حتی أصبح & . تاریخ بغداد ۱۳ / ۲۷ / ۶۹۸۷؛ وفيات الأعیان: ۵ / ۳۰۸ / ۷۴۶، وکنز اللغة: ۷۶۶، الأنوار البهیة: ۱۹۰. سیر اعلام النبلا ۶ / ۲۷۰؛ تاریخ الاسلام الذهبی ۱۲ / ۴۱۸؛ تهذیب اکمال ۲۹ / ۴۴ / ۶۲۴۷ صفه الصفوه ۲ / ۱۲۴ / ۱۹۱ \$ عمار بن ابان گوید: امام موسی بن جعفر در زندان سندی بن شاهک زندانی بود. خواهر سندی که زن مؤمنه ای بود، از سندی خواست تا امور امام را به او واگذارد. وی نیز پذیرفت. این زن که خدمتگاری امام را بر عهده داشت، گوید:

موسی بن جعفر هر وقت نماز عشا را می خواند، به حمد خداوند (دعا) و عبادت می پرداخت تا شب سپری می شد، در پایان نماز می خواند و سپس نماز صبح را ادا می کرد و آن گاه به ذکر خدا می پرداخت تا خورشید طلوع می کرد و آن گاه تا بالا آمدن آفتاب می نشست و آن گاه آماده می شد که غذا بخورد و مسواک بزند و سپس استراحت می کرد تا قبل از زوال، وضو می گرفت و نماز می خواند تا نماز عصر را ادا می کرد. سپس رو به قبله به ذکر خدا می پرداخت تا هنگام نماز مغرب فرا می رسید. بین نماز مغرب و عشا نیز نماز می خواند. روش او در زندان همیشهمین بود.

ص: ۵۹

این زن هر وقت به امام می‌نگریست، می‌گفت: افرادی که ایشان را زندانی کرده‌اند، زیان دیده‌اند. او عبد صالح بود & سیر اعلام النبلاء ۶/ ۲۷۳؛ تاریخ بغداد ۵/ ۴۶۵؛ ثوبانی نیز نماز و عبادت‌های امام را در زندان نقل کرده است & عیون أخبار الرضا: ۱/ ۹۵ ح ۱۴ وعنه فی الأنوار البهیة: ۱۸۹؛ امام موسی بن جعفر (ع) روزها به ویژه سال‌هایی که در زندان بود، روزه می‌داشت و شب‌ها به نماز می‌پرداخت.

امام رضا (ع)

به برخی از نماز و عبادت‌های امام رضا (ع) چنین اشاره شده است:

کان (ع) قلیل النوم باللیل، کثیر السهر، یحیی أكثر لیالیه من أولها الی الصبح و کان کثیر الصیام فلا یفوته صیام ثلاثه أيام فی الشهر & ... بحار الأنوار: ۹۱/ ۴۹ عن عیون أخبار الرضا: ۲/ ۱۸۴ و یقول الشبراوی عن عبادته: إنه کان صاحب وضوء و صلاه، و کان فی لیلہ کله یتوضاً و یصلی، و یرقد هکذا الی الصباح & الاتحاف بحب الاشراف. ۱۰. ۳۸/ ۵۹ رجاء بن ضحاک که به دستور مأمون، امام را از مدینه به مروه برد، عبادت‌های شبانه روزی آن امام را به تفصیل نقل کرده است & عیون اخبار الرضا ۲/ ۱۸۰ و کان علی بن موسی (ع) قلیل النوم باللیل، کثیر السهر، یحیی أكثر لیالیه من أولها الی الصبح، و کان کثیر الصیام فلا یفوته صیام ثلاثه أيام فی الشهر، و یقول: ذلک صوم الدهر، و کان (ع) کثیر المعروف و الصدقه فی السر، و أكثر ذلک یكون منه فی الیالی المظلمه، فمن زعم أنه رأى مثله فی فضله فلا تصدقه & عیون أخبار الرضا ج ۲ ص ۱۸۴ بحار الأنوار- العلامه المجلسی - ج ۴۹ - ص ۹۰ - ۹۱. \$

ص: ۶۰

عن الهروی قال: جئت إلى باب الدار التي حبس فيها الرضا (ع) بسرخس و قد قيد. فاستأذنت عليه السجان فقال: لا- سبيل لكم إليه، فقلت: و لم؟ قال: لأنه ربما صلى في يومه و ليلته ألف ركعه و إنما يفتل & كنار می گذارد \$ من صلاته ساعه في صدر النهار، و قبل الزوال، و عند اصفرار الشمس فهو في هذه الأوقات قاعد في مصلاه يناجي ربه، قال: فقلت له: فاطلب لي في هذه الأوقات إذنا عليه، فاستأذن لي عليه فدخلت عليه و هو قاعد في مصلاه متفكر الخبر &. عيون أخبار الرضا ۲/ ۱۸۴؛ بحار الأنوار ج ۴۹ / ۹۱\$

امام جواد (ع)

در مورد اندکی از عبادت‌های بسیار امام جواد (ع)، چنین آمده است:

كان (ع) كثير النوافل، ويقول المؤرخون: إنه كان يصلي ركعتين يقرأ في كل ركعه سورة الفاتحه، و سورة الاخلاص سبعين مره &. حياه الإمام محمد الجواد: ۶۷\$ و انه (ع) إذا دخل شهر جديد يصلي أول يوم منه ركعتين يقرأ في أول ركعه «الحمد» مره، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» لكل يوم الى آخره- یعنی ثلاثين مره-.

و في أول الركعه الاخرى «الحمد» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» مثل ذلك و يتصدق بما يتسهل، يشتري به سلامه ذلك الشهر كله & مستدرک عوالم العلوم: ۲۳ / ۲۲۰\$.

الريان بن الصلت قال: صام أبو جعفر الثاني (ع) لما كان ببغداد يوم النصف من رجب، و يوم سبع و عشرين منه، و صام معه جميع حشمه و أمرنا أن نصلي بالصلاه التي هي اثنتي عشره ركعه، تقرأ في كل ركعه الحمد و سورة، فإذا فرغت قرأت الحمد أربعاء، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» أربعاء، و المعوذتين أربعاء، و قلت: «لا إله إلا

ص: ۶۱

الله و «الله أكبر» و «سبحان الله» و «الحمد لله» و «لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم» أربعا، «الله الله ربی و لأشرك به شیئا» أربعا، «لا أشرك بربی أحدا» أربعا &. وسائل الشیعه ۵/ ۲۴۳؛ مستدرک عوالم العلوم: ۲۳/ ۱۱. ۲۲۲/ ۳۹\$

امام هادی (ع)

درباره امام هادی (ع) چنین رسیده است:

أما الإمام الهادی (ع) فلم یر الناس فی عصره مثله فی عبادته و تقواه و شدّه تحرّجه & سخت کوشی \$ فی الدین، فلم یرک نافله من النوافل إلّا أتى بها، و كان یقرأ فی الركعه الثالثه من نافله المغرب سوره الحمد و أول سوره الحديد إلی قوله تعالی: إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ و فی الركعه الرابعه سوره الحمد و آخر سوره الحجرات.

امام عسکری (ع)

این امام بزرگوار نیز به فزونی عبادت، در زمان خود معروف بود.

وقتی متوکل عباسی دستورداد شبانگاه به منزل آن حضرت بروند و او را دستگیر کنند، دیدند در وسط اتاق نشسته و قرآن تلاوت می کند &. نورالابصار / ۳۳۶؛ وفيات الاعیان، ابن خلکان ۳/ ۲۷۲ \$ وقتی امام در زندان معتمد عباسی بود، وی به طور مرتب از زندان بان احوالات امام را جویا می شد. علی بن جریر که زندان بان بود، گزارش می داد که: روزها روزه می گیرد و شبها نماز می خواند &. مهج الدعوات: ۲۷۵ \$ در آن زمان که امام در زندان بود، دو نفر که به شرارت معروف بودند، بر وی گمارده شدند. آنها نیز به عبادت و نماز روی آوردند. وقتی خواستند آنها را مؤاخذه کنند که چرا نسبت به امام سخت گیری نمی کنند، پاسخ دادند شما درباره

ص: ۶۲

مردی که روزها روزه می گیرد و شب ها به نماز می پردازد، چه می گوید؟ هیچ چیزی او را از عبادت باز نمی دارد. وقتی که به ما می نگرد آن چنان ابهت و عظمتی دارد که بدن ما می لرزد و اختیار از ما سلب می شود و بار دیگر که امام زندانی شد، این بار نیز زندان بان ها تحت تأثیر عبادت های امام قرار گرفتند و گفتند:

ما تقول فی رجل یصوم النهار و یقوم اللیل کله، لایتکلم و لایتشاغل و إذا نظرنا إلیه ارتعدت فرائضنا و یداخلنا ما لانملکه من أنفسنا، فلما سمعوا ذلک انصرفوا خائبین &. کافی: ۱/ ۵۱۲/ ۲۳؛ المناقب ۲/ ۴۶۲ \$
 علی بن نارمش نیز از کسانی بود که به دشمنی با اهل بیت معروف بود. وقتی امام عسکری (ع) نزد او زندانی شد، عبادت های امام را دید و توبه کرد و شیوه پیشین را کنار گذاشت &. کافی: ۱/ ۵۰۸ ح ۸ \$

بقیه الله الأعظم (عج)

بی گمان زمین از عبادت و نمازهای او استوار است. برکات خداوند از برکت نماز و عبادت های او برندگان جاری می گردد. نماز و عبادت او زینت بخش زمین است. هیچ لحظه او بی نماز و عبادت خداوند نیست. در زیارت آل یاسین درباره نماز و عبادت های او چنین می خوانیم:

السلام علیک فی آناء لیلک و أطراف نهارک ... السلام علیک حین تقوم و السلام علیک حین تقعد السلام علیک حین تقرأ و تبین السلام علیک حین تصلی و تقنت السلام علیک حین ترکع و تسجد السلام علیک حین تهلل و تکبر السلام علیک حین تحمد و تستغفر &. مفاتیح الجنان زیارت آل یاسین \$

ص: ۶۳

خلاصه

موارد مذکور، اندکی از نماز و عبادت‌های بسیار امامان است که نقل شده است.

به طور خلاصه باید نکات ذیل را مورد توجه قرار داد:

۱- تمام لحظه‌های زندگی ائمه در عبادت خداوند گذشته است.

۲- عبادت منحصر در نماز و روزه و حج نبود.

۳- نماز و دعا و عبادت‌های برخی امامان را نقل نکرده‌اند و گرنه تمام امامان، شب‌ها را به نماز و عبادت و دعا و خواندن قرآن می‌پرداختند.

۴- برخی امامان در شرایط دشوار سیاسی به سر می‌بردند و از دیگر فعالیت‌های اجتماعی ممنوع بودند، به این جهت، نماز در زندگی آن‌ها بیشتر جلوه کرد و بیشتر مورد توجه قرار گرفت. مثلاً امام سجاده، امام کاظم و امام عسکری.

عبادت خداوند هنگام ناگواری‌ها

ائمه معصومین (ع) افزون بر آنکه در جریان روزمره به عبادت خداوند می‌پرداختند، در هنگام ناگواری‌ها نیز به عبادت‌های ویژه می‌پرداختند.

قال زين العابدين (ع): ما أصيب أمير المؤمنين (ع) بمصيبة إلا صلى في ذلك اليوم ألف ركعة، و تصدق على ستين مسكينا، و صام ثلاثة أيام & بحار الأنوار ۴۱/۲۳۱ \$ كما جاء عنه (ابو جعفر الباقر (ع)) عن كثره سجود أبيه: ما ذكر الله عز وجل نعمه عليه إلا و سجد، و لا دفع الله عنه سوء إلا و سجد، و لا فرغ من صلاه مفروضه إلا و سجد، و كان أثر السجود في جميع مواضع سجوده فسمي بالسجّاد & علل الشرائع: ۲۷۲ / ۱ بحار الأنوار: ۶ / ۴۶ \$

ص: ۶۴

عبادت برای شکر نعمت‌ها

معاویه بن وهب قال: كنت مع أبي عبد الله (ع) بالمدينة و هو راكب حماره، فنزل و قد كنا صرنا إلى السوق أو قريبا من السوق قال: فنزل و سجد و أطال السجود و أنا أنتظره، ثم رفع رأسه. قال: قلت: جعلت فداك رأيتك نزلت فسجدت؟! قال: إني ذكرت نعمه الله على قال: قلت: قرب السوق، والناس يجيئون و يذهبون؟ قال: إنه لم يرني أحد & بحار الانوار ۴۷ / ۲۱؛ بصائر الدرجات ۱۵ / ۱۴۵ \$

سیره دستوری در موضوع عبادت

سیره دستوری و ارشادی ائمه در موضوع عبادت و دعا به ویژه نماز نیز بسیار است. آن‌ها در زمان‌ها و مناسبت‌ها و با بیان‌های مختلف بر اهمیت نماز تأکید کردند.

قائلاً (ع): ما تقرب العبد إلى الله بعد المعرفة أفضل من الصلاة & مجموعه ورام: ۸۶ / ۲ \$ و قال (ع): إن أفضل الأعمال عند الله يوم القيامة الصلاة، و ما أحسن من عبد توضأ فأحسن الوضوء & الغايات: ۷۱ \$ و قال (ع): الصلاة قربان كل تقى & جمهره الأولياء: ۷۸ / ۲ \$ و قال (ع): أحب الأعمال إلى الله عز وجل الصلاة، و هي آخر وصايا الأنبياء، فما أحسن الرجل يغتسل أو يتوضأ فيسبغ الوضوء ثم يتنحى & به گوشه‌ای می‌رود \$ حيث لا يراه أنيس فيشرف الله عليه و هو راكع أو ساجد إن العبد إذا سجد فأطال السجود نادى إبليس: يا ويله أطاعوا و عصيت، و سجدوا و أبیت & وسائل الشيعة ۳ / ۲۶ \$

ص: ۶۵

قال أبوبصير: دخلت على ام حميده - زوجه الإمام الصادق (ع) - أُعزّيتها بأبي عبدالله (ع) فبكت و بكيت لبكائها، ثم قالت: يا أبا محمد لو رأيت أبا عبدالله عند الموت لرأيت عجباً فتح عينيه ثم قال: اجمعوا كل من بيني و بينه قرابه. قالت فما تركنا أحداً إلّا جمعناه، فنظر إليهم ثم قال: إن شفاعتنا لاتنال مستخفاً بالصلاه &. وسائل الشيعه ۱۷/۳\$ هارون بن خارجه قال: ذكرت لأبي عبدالله (ع) رجلاً من أصحابنا فأحسنت عليه الثناء فقال لي: كيف صلاته &. وسائل الشيعه ۲۱/۳\$ الامام الصادق: امتحنوا شيعتنا عند مواقيت الصلاه كيف محافظتهم عليها &. وسائل الشيعه ۸۳/۳\$ و قال سعد الإسكافي: سمعت أبا جعفر محمد بن علي الباقر (ع) يقول: عالم ينتفع بعلمه خير من ألف عابد و قال (ع): شيعتنا من أطاع الله &. الفصول المهمه / ۲۱۰؛ تحف العقول ۲۹۴. جامع بيان العلم وفضله ۳۲/۱ (أفضل من سبعين ألف ...); جامع السعادات ۱/۱۰۴؛ حليه الأولياء ۱۸۴/۳، ملحقات إحقاق الحق ۱۹۲/۱۲، كشف الغمه ۱۳۳/۲، تحف العقول ۲۹۵، نور الأبصار ۲۹۲\$ گستردگی دعا و نمازهای مستحبی که در ایام هفته و اعیاد و مکان ها و مناسبت‌های مختلف رسیده، دلیل بر اهمیت عبادت و دعا در اسلام، از یک سو و از سوی دیگر جایگاه آن‌ها در سیره عملی و دستوری امامان است.

ص: ۶۶

خلاصه و نتیجه

در سیره عبادی امامان معصوم، باید اهداف ذیل مورد توجه قرار گیرد.

- ۱- نماز، اساس و بنیان زندگی و هدف آفرینش است و در امامان تجلی کامل داشت.
- ۲- تمام ائمه به نماز و نافله شب و شب زنده‌داری می‌پرداخته‌اند که یا تمام شب را به عبادت و دعا و قرآن خواندن مشغول بوده و یا دست کم بیشتر شب را برای عبادت بیدار بوده‌اند.
- ۳- ائمه معصومین، افزون بر آنکه خود به نماز و عبادت می‌پرداختند، تأکید می‌کردند که شیعیان نیز به عبادت و شب زنده‌داری پردازند و نماز، باید در زندگی آن‌ها جایگاه اساسی داشته باشد.
- ۴- نماز و عبادت، به ویژه اهمیت دادن به اوقات نماز و نمازهای واجب و نافله یومیه و نماز جماعت، باید نشان شیعه باشد.
- ۵- اگر شیعیان، سیره عبادی امامان را احیا کنند و به آن پردازند، نیکوترین وسیله برای معرفی اهل بیت است.

به طور کلی عبادت در زندگی امامان معصوم تجلی ویژه داشت، زیرا:

عبادت، فلسفه آفرینش است. پیامبران و امامان نیز برگزیدگان هستی هستند، به این جهت هدف آفرینش در زندگی آن‌ها تجلی کامل داشت.

قرآن به پیامبر دستور داده است که شب‌ها به عبادت پردازد و این دستور شامل ائمه نیز می‌شود.

قرآن دستور داده است که به رسول خدا اقتدا کنند و ائمه تنها کسانی بودند که به طور تمام و کمال به آن حضرت اقتدا کردند.

آنها الگوهای برتر کمال و خوبی‌ها بودند. پس باید خود بیش از دیگران به عبادت می‌پرداختند.

ص: ۶۷

به این جهت، تمام ائمه، شب‌ها به عبادت خداوند می‌پرداختند. عامل این موضوع که چرا عبادت‌های برخی امامان کمتر نقل شده، چند چیز است:

الف: تمام آنچه که واقع شده، نقل نشده و عدم نقل، دلیل نمی‌شود که عبادتی نبوده است. زیرا تاریخ نگاران آنچه را که با اهدافشان سازگار بوده نقل کرده اند.

ب: تمام کسانی که تاریخ را نوشته و گزارش‌ها را روایت کرده اند، در زندگی امامان راه نداشتند.

ج: برخی امامان، در زندان یا محاصره بودند و کسی نمی‌توانست با آنها در ارتباط باشد.

امامان، افزون بر آنکه خود به عبادت خداوند می‌پرداختند، دیگران را نیز به عبادت دستور می‌دادند. عبادت نیز منحصر به نماز نبود.

ص: ۶۸

پرسش‌های این فصل

- ۱- چه دلیلی وجود دارد که تمام امامان به نمازهای شب می‌پرداختند؟
- ۲- اصول ثابت در موضوع عبادت‌های امامان را برشمارید.
- ۳- به چه دلیل عبادت در زندگی امام سجاد (ع) بیشتر نقل شده است؟
- ۴- انس بن مالک عبادت‌های امام علی (ع) را چگونه نقل کرده است؟
- ۵- مالک بن انس امام صادق (ع) را چگونه وصف کرده است؟
- ۶- امام صادق (ع) درباره عبادت‌های امام سجاد و امام علی (ع) چه فرمود؟
- ۷- امام صادق (ع) فرمود شیعیان را با چه چیز بشناسید؟

ص: ۷۱

فصل سوم سیره تربیتی

اشاره

اهداف تربیتی

پیش درآمد

سیره تربیتی ائمه یکی از موضوعات مهم است که باید به صورت ویژه مورد توجه و بررسی قرار گیرد. زیرا یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبران به شمار می آید. امروز برای تربیت افراد جامعه، به شناخت سیره تربیتی امامان بسیار نیاز است.

در سیره تربیتی معصومین دو موضوع را باید مورد توجه قرار دارد:

الف: جایگاه معنوی که به آن دست یافتند و ضرورت داشتن این جایگاه.

ب: نقش تربیتی که در جامعه داشتند. معلمانی که مردم را به سوی دانایی بردند و مربیانی که طالبان خوبی و کمال را به فضایل معنوی رساندند.

در موضوع نخست، به دلیل تکلیف پذیری انسان‌ها و ضرورت هدایت از جانب خدا و وحی، وجود چنین اشخاصی در جامعه ضروری است که در فلسفه بعثت به آن اشاره شد.

ائمه معصومین (ع) کسانی بودند که چون پیامبران برای این منظور از جانب خداوند برگزیده شدند. به این جهت، تمام فضایل معنوی و کمالات الهی به نحو کامل در وجود آنها فعلیت یافت و آنها نمونه‌های عینی کمال گردیدند و جامعه و فرد باید برای رسیدن به کمال انسانی از آنها پیروی و به آنها اقتدا کنند. آنها از هر کاستی و عیب دور بودند. لغزش‌ها، خطاها و گناهان در ساحت مقدس وجودی آنها راه نیافت. از این رو اقیانوس بیکران فضایل اخلاقی و معنوی آنها گسترده‌تر از گستره دید هر بیننده و عمیق‌تر از نظرگاه هر اندیشه و بالاتر از حوزه معرفتی هر خردمند بود. چه آنکه هر کسی که همگون آنها شد، اندکی

ص: ۷۲

آنان را شناخت. آنچه در تاریخ درخصوص شخصیت معنوی آنها رسیده، اندکی از افق‌های معنوی و وجودی آنهاست که برخی از راویان حدیث و نویسندگان سیره و تاریخ بدان دست یافته‌اند و اشارت‌هایی از کهکشان پرستاره وجودی آنهاست که با ابزار مادی نمی‌توان رصد کرد.

درباره موضوع دوم باید گفت فلسفه وجودی آنها به عنوان رهبران الهی همین بود که گل‌های باغ پیامبران را به بار بنشانند و فلسفه بعثت پیامبران را تحقق بخشند. از این رو آنان از هر وسیله تبلیغی که در اختیار داشتند، از هر فرصتی که پیش می‌آمد و از هر شرایطی که مساعد می‌گردید، به نحو کامل استفاده نموده و برای تعالی و تربیت جامعه می‌کوشیدند. افراد را به صورت فردی و جامعه را به صورت جمعی، به سوی فضایل اخلاقی و عبادت پروردگار رهنمون شدند.

تعلیم و تربیت مردم، مهم‌ترین وظیفه و مسئولیتی بود که خداوند بر دوش آنها نهاد. انجام این مسئولیت، بنیان دیگر فعالیت‌های اجتماعی را تشکیل می‌داد. تمام روابط اجتماعی، سیره سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حتی فردی آنها بر همین پایه و هدف استوار بود. در واقع، تمام فعالیت‌های امامان معصوم، از مظاهر همین سیره تربیتی آنها به شمار می‌آمد. این همه برای این بود که مردم را به سوی عبادت خداوند هدایت کنند و از گناه و خطا و نادانی نجات دهند. در زیارت جامعه به همین جایگاه تربیتی آنها و نیاز جامعه به آنان اشاره شده است:

بکم فتح الله و بکم یختم و أشرق الارض بنورکم و فاز الفائزون بولایتکم ... و بکم أخرجنا الله من الذل و فرج عنا غمرات الكرب & فرورفتن در دشواری‌ها \$ و أنقذنا من شفا جرف الهلکات & شفا جرف الهلکات: قرار گرفتن بر لبه پرتگاه هلاکت & ... \$ زیارت جامعه \$

ص: ۷۳

فرازهایی که از شخصیت معنوی و اقدام‌های تربیتی ائمه در سیره و تاریخ آمده که جلوه‌هایی از همین موضوع است. فضایل و کمالات معنوی آن‌ها مقدمه تحقق تربیت معنوی جامعه بوده است.

در اینجا نگاهی به شخصیت معنوی امام علی (ع) می‌افکنیم:

خداوند، پیش از تولد به او عنایات ویژه داشت. در خانه کعبه متولد شد. رسول خدا (ص) شخصا تربیت او را بر عهده گرفت و او از این جهت در جایگاه ویژه قرار گرفت. سلام فرشتگان و جمادات را به پیامبر می‌شنید. پس از بعثت نیز در جریان وحی قرار داشت. در دوران مکی شاید هیچ روزی نبود، هیچ جریانی واقع نشد و رسول خدا (ص) به هیچ سفر تبلیغی نرفت، مگر آنکه همراه پیامبر بود. اینها همه برای آن بود که شخصیت معنوی او آن گونه رشد یابد که خداوند خواسته است.

در دوران مدنی نیز جنگ‌ها با شمشیر او به پیروزی رسید. معجزه بزرگ پیروزی در بدر و ناکامی مشرکان در جنگ احد از کشتن وی و پیامبر، شکست مشرکان در خندق، پیروزی در خیبر و شکست مشرکان در حنین و ... به دست او بود. او در واقع تجسم معجزات الهی بود. بی جهت نیست که برخی گفته‌اند: علی معجزه پیامبر است.

شرح زندگی امام علی پس از پیامبر تا شهادت وی در محراب کوفه، انجام همین وظیفه تربیتی او در جامعه بود.

رسول خدا (ص) این جایگاه هدایت‌گری و تربیت حضرت علی (ع) را به عنوان نمونه نخست از اهل بیت در احادیث بسیار و موارد مختلف معرفی کرد. حدیث انذار، وصایت، اخوت، منزلت، ثقلین، طیر، نجوی، بستن درهای باز شده به مسجد و باز گذاشتن در خانه علی، حدیث برز الایمان کله مع الکفر کله در خندق، حدیث پرچم در خیبر، حدیث دوستی با علی دلیل ایمان و دشمنی با او نشانه نفاق است، مدینه را جز من و علی شایسته نیست، اعلام برائت از مشرکان به وسیله

ص: ۷۴

علی، همسری فاطمه با علی به دستور خداوند ... همه و همه برای معرفی نقش هدایتی و تربیتی حضرت علی (ع) در جامعه بود و او مصداق کامل آیات قرآن قرار گرفت. چنانکه ابن عباس گوید: سیصد آیه درباره حضرت علی نازل شده است. هیچ خطاب یا ایها الذین آمنوا نیست مگر آنکه علی (ع) مصداق برتر آن است. کتاب‌های متعددی در این خصوص نوشته شده است & الفتوحات الإسلامیه ۵۱۶/۲؛ کشف الغمه/ ۹۳؛ ینابیع الموده/ ۱۲۶\$ تربیت امام علی (ع) از سوی خداوند به رسول خدا (ص) واگذار شد و آن حضرت نیز او را آن گونه تربیت کرد که خداوند خواسته بود. برای این جهت برادری و سپس برابری با رسول خدا (ص) ویژه او گردید. اینها همه برای آن بود که مسؤولیت تربیت جامعه پس از رسول خدا (ص) به او سپرده شد. رسول خدا (ص) امام حسن و امام حسین و دیگر امامان را نیز برای تحقق همین هدف معرفی کرد که در کتاب‌های حدیث به روشنی بیان شده است.

از این رو نقش تربیتی ائمه پس از رحلت رسول خدا (ص) در جامعه آغاز شد. اگر جریان سقیفه پیش نمی‌آمد و حکومت در اختیار معصومین بود، این نقش تربیتی به خوبی انجام می‌شد. اما جریان سقیفه و غصب خلافت، مشکلات بسیاری را پدید آورد.

پس از حضرت علی (ع) نیز هر امامی به وسیله امام پیش از خود تعلیم و تربیت شد. فلسفه سلسله امامت نیز همین است که هر امامی به وسیله امام پیش از خود تربیت شود که امام را معلمی جز امام شایسته نیست.

مبانی کلی

هر چند روش تربیتی امامان نسبت به افراد و طبقات اجتماعی مختلف بود، با هر کس بر حسب آمادگی و شرایط روحی خودش رفتار می‌کرد، اما در هر صورت

ص: ۷۵

اصول کلی ذیل، همیشه مورد توجه بوده است:

۱- مسؤولیت الهی در تعلیم و تربیت انسان‌ها.

۲- از هر وسیله و ابزار تبلیغی که با اهداف دین سازگار بود و از هر شرایطی برای تربیت افراد به خوبی استفاده می‌شد.

۳- در روابط اجتماعی، اصل، تربیت اشخاص و تأثیرگذاری مثبت بر آن‌ها بود، هرچند که با امام دشمن بودند.

۴- تواضع و محبت و بخشش در رفتارهای اجتماعی از اصول بنیادی بودند. برای همین جهت هیچ گاه در صدد انتقام بر نیامدند. این موضوع در تمام رفتارهای امامان مشاهده می‌شود.

۵- ائمه به همه افراد جامعه به عنوان مسلمان می‌نگریستند و تلاش برای تربیت آن‌ها را وظیفه الهی خود می‌دانستند و از خداوند می‌خواستند که هدایت شوند. به عنوان مثال به دعاهای صحیفه سجادیه و دعای امام زمان (ع) «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصية ...» مراجعه شود. به طور کلی در نمازها و مناجات‌های خود از امت اسلام غافل نبودند. تذکر و خیرخواهی را همیشه مد نظر داشتند.

۶- افراد و طبقات مختلف جامعه در نظرگاه تربیتی ائمه، از جایگاه یکسانی برخوردار بودند. یعنی برای تربیت همه می‌کوشیدند. این حق را برای همگان مسلم و قطعی می‌دانستند که اگر بخواهند از آثار تربیتی و رفتارهای ارشادی امام بهره‌مند شوند، چون باران رحمت که برای همگان و همه سرزمین‌ها نازل می‌شود، هیچ گاه احسان خود را از کسی دریغ نکردند. مگر آنکه خود نخواهد و یا شرایط سیاسی اجازه ندهد.

۷- از انزوا و دوری از جامعه به طور جدی پرهیز می‌کردند. بر این تلاش بودند که در متن جامعه حضور یافته و با مردم معاشرت نیکو داشته باشند. مگر آنکه حاکمان و یا شرایط پدید آمده از سوی آن‌ها اجازه ندهد. روابط اجتماعی

ص: ۷۶

نیز بر این پایه استوار بود که آن‌ها را از نادانی بیرون آورد، با وظایف دینی آشنا سازد، آخرت را به یادشان آورد، تا فضایل اخلاقی را شیوه سازند.

۸- ائمه همیشه می‌کوشیدند، جایگاه معنوی و موقعیت علمی خود را به جامعه معرفی کنند. با آنکه سلاطین بنی امیه و بنی عباس با تمام امکانات تلاش کردند که از ارتباط جامعه با اهل بیت جلوگیری کنند و آن‌ها را در انزوای کامل سیاسی و فرهنگی قرار دهند، اما معصومین نیز هر زمان که اندک فرصتی پیش می‌آمد استفاده نموده و به هر گونه که ممکن بود، این جایگاه الهی و موقعیت علمی و معنوی خود را معرفی و نیازمندی مردم را به خود بیان می‌کردند. می‌بینیم در هر زمان که ارتباط مردم با امام بیشتر بوده، این جایگاه بیشتر معرفی شده و جامعه نیز شیفته امام شده است و ویژگی‌های الهی و معنوی و علمی ائمه بیشتر جلوه کرده است و در هر زمان که در انزوا قرار گرفتند، کمتر نقل شده است &. در سیره سیاسی به این موضوع خواهیم پرداخت \$ ائمه (ع) نیز بخشی از این مسؤولیت را به شیعیان واگذار کرده‌اند.

۹- ایفای نقش تربیتی ائمه (ع) و هدایتی آن‌ها بر حسب عقاید، ایمان، معرفت افراد و رابطه آن‌ها با اهل بیت، جایگاه اجتماعی افراد و گرایش آن‌ها به فضایل اخلاقی، موضع یا وابستگی افراد به درباریان و حکومتیان و ... مختلف بوده است. هر کس را درخور توانایی و آمادگی‌اش به فضایل اخلاقی دعوت کرده‌اند. برای این جهت آموزه‌های تربیتی ائمه (ع) بر حسب مورد، متفاوت بوده است. این‌ها برخی از اصول کلی تربیتی ائمه (ع) بود که در زندگی آن‌ها به وفور مشاهده می‌شود.

۱۰- به پیروان خود نیز دستور می‌دادند که با دیگران یعنی با کسانی که ائمه را قبول ندارند، معاشرت نیکو داشته باشند؛ تابتوانند مبلغ خوبی‌ها و معارف اهل بیت در جامعه باشند. دل‌های دیگران را نسبت به اهل بیت نزدیک سازند. بدیهی است که اگر کسانی که اهل بیت را قبول ندارند، ائمه را بشناسند و با معارف آن‌ها و

ص: ۷۷

مقام معنوی آنان آشنا شوند، حتما پیروی می کنند. برای این جهت ضمن آن که می کوشیدند موقعیت علمی و معنوی خود را به جامعه معرفی کنند، به شیعیان نیز دستور می دادند به گونه ای با مخالفین رفتار کنند که معرف اهل بیت باشند.

وظایف شیعیان در گسترش نقش تربیتی ائمه

شیعیان نیز در معرفی جایگاه معنوی و الهی اهل بیت، نقش اساسی دارند. ضروری است که پیروان واقعی ائمه، حلقه اتصال آن ها با دیگر مردم باشند. از این رو اگر کسی از شیعیان در معرفی امامان معصوم به جامعه، درست عمل کرده، اجرگران سنگی دارد که آسمان ها با آن برابر نمی باشند و اگر به خطا رفته باشد، خسارت سنگینی دارد. ائمه معصومین (ع) نیز به این مورد، توجه کامل داشته و به شیعیان توصیه اکید فرموده اند:

معاویه بن وهب قال: قلت له کیف ینبغی لنا أن نصنع فیما بیننا و بین قومنا و بین خلطائنا من الناس & مردمی که با هم زندگی می کنیم \$ممن لیسوا علی أمرنا؟ فقال: تنظرون إلی أئمتکم الذین تقتدون بهم فتصنعون ما یصنعون، فوالله إنهم ليعودون مرضاهم، و یشهدون جنازتهم، و یقیمون الشهاده لهم و علیهم، و یؤدون الأمانه إلیهم &. وسائل الشیعه ۸ / ۳۹۸ / ۱۵۵۰۱ \$زید الشحام قال: قال لی أبو عبدالله (ع) اقرأ علی من تری أنه یطیعنی منهم و یأخذ بقولی السلام، و أوصیکم بتقوی الله صلوا عشائركم، و اشهدوا جنازتهم، و عودوا مرضاهم، و أدوا حقوقهم، فان الرجل منکم إذا ورع فی دینه و صدق الحدیث و أدى الأمانه و حسن خلقه مع الناس قیل هذا جعفری، فیسرني ذلک و یدخل علی منه السرور، و قیل هذا أدب جعفر، و إذا کان علی غیر ذلک دخل علی بلاؤه و عاره، و قیل هذا أدب جعفر، والله لحدثنی أبی (ع) ان الرجل کان یكون فی القبيله من شیعه علی (ع) فیکون زینها: أداهم للأمانه، و أقضاهم للحقوق و أصدقهم

ص: ۷۸

للحديث إليه وصاياهم و ودائعهم، تسأل العشيره عنه فتقول من مثل فلان إنه أدانا للأمانه، و أصدقنا للحديث &. وسائل الشيعه ۸ / ۳۹۸ / ۱۵۵۰۰ \$ در حدیث دیگر با همین سند این مطلب نیز آمده است: ... و كونوا لنا زينا ولا تكونوا علينا شينا، حبونا إلى الناس ولا تبغضونا إليهم فجروا إلينا كل موده، وادفعوا عنا كل شر &. وسائل الشيعه ۸ / ۴۰۰ \$ و در روایت دیگری آمده است:

عن أبي عبدالله (ع) قال: أبلغ موالينا السلام، و أوصهم بتقوى الله و العمل الصالح ... و أن يتلاقوا في بيوتهم، و أن يتفاوضوا علم الدين، فإن ذلك حياه لأمرنا &. همان؛ السرائر / ۴۸۷ \$ این روایات، به تفصیل آورده شد چون در هر کدام از آن‌ها نکته ای بیان شده است و آنچه که از آن‌ها استفاده می‌شود، عبارت است از: الف. شیعیان باید در معاشرت با اهل سنت به ائمه اقتدا کنند.

ب. ائمه با اهل سنت معاشرت نیکو داشته اند.

ج. شیعیانی که در میان اهل سنت زندگی می‌کنند، باید در تمام امور اجتماعی آن‌ها شرکت داشته باشند و در این باره تفاوتی بین شیعه و اهل سنت قایل نشوند.

د. شیعیان باید در جامعه اهل سنت، آن چنان زندگی کنند که در انجام امور خیر و نیکی و عبادت، سرآمد همه باشند تا جایی که اگر پرسش شود چه کسی بهترین است؟ مردم به او اشاره کنند.

ه. شیعیان باید با اعمال و رفتار خوب خود، موجب سرافرازی و فخر ائمه شوند.

و. شیعیان باید با رفتار خوب خود و پای بندی به دستورهای دین سبب شوند که دیگران به ائمه روی آورند و آن چنان عمل نکنند که دیگران از ائمه روی بر

ص: ۷۹

تابند و این موضوع سبب شود که نسبت به شناخت ائمه و معارف آن‌ها بیگانه بمانند. ز. شیعیان اگر به این دستورها عمل کردند و با اهل سنت این گونه معاشرت نیکو داشتند، زمینه فراهم می‌شود که معارف اهل بیت، برای آن‌ها بیان شود.

برخی از روش‌های تربیتی

اشاره

در زندگی ائمه معصومین (ع) اصولی کلی دیده می‌شود که در زندگی تمام امامان جریان داشته است. برخی از آن اصول کلی چنین است:

۱- تربیت خواص

افرادی چون سلمان، عمار، ابوذر، مقداد و حذیفه و ... در زمان پیامبر (ص) به عنوان شیعیان علی (ع) معروف بودند. این موضوع دلیل است که شخصیت معنوی و اخلاقی آن‌ها شکل گرفته از آموزه‌های تربیتی حضرت علی (ع) در زمان رسول خدا بود و آن حضرت همین افراد را در خطبه متقین، به عنوان پارسایان معرفی کرد و از آن‌ها به عنوان برادران خود یاد نمود. نقش خواص در گسترش آموزه‌های تربیتی معصومین در جامعه بسیار با اهمیت است.

۲- گسترش فرهنگ عبادت در جامعه

ائمه (ع) تنها به این عنوان به نمازهای مستحبی نمی‌پرداختند که رابطه خود را با خدا استوار سازند و شخصیت آسمانی خود را بیش از گذشته ارتقا بخشند؛ بلکه برای این جهت نیز بود که نماز و عبادت در جامعه گسترش یابد. برای همین جهت نمازهای خود را از دیگران مخفی نمی‌کردند. اشاره امام علی به سه نوع عبادت به منظور بیان جایگاه و مراتب عبادت است.

ص: ۸۰

و إِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَكَّ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَكَّ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَ إِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَكَّ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ & . نهج البلاغه طبعه صبحی الصالح ۵۱۰ الحکمه ۲۳۷ ط دار الهجره قم \$

۳- دعا

تعلیم دعای کمیل و صباح و مناجات شعبانیه و ... توسط امام علی (ع) به برخی از یاران خود، به منظور تربیت آن‌ها به صورت ویژه و پرداختن به دعا و تربیت دیگران به وسیله دعا بوده است.

۴- فضایل اخلاقی

فضایل اخلاقی در زندگی ائمه به صورت تمام و کمال تجلی داشت. تمام کمالات، به طور کامل در وجود آن‌ها جمع بود. هیچ فضیلتی نبود مگر آنکه هر امامی در عصر خود مظهر کامل آن فضیلت به شمار می‌آمد. هیچ کس از آن‌ها پیشی نگرفت و هیچ ارزش معنوی از زندگی آن‌ها فرو گزار نشد. یکی از مسؤولیت‌های اساسی امامان، آشکار ساختن فضایل اخلاقی و دعوت جامعه به آن‌ها بود.

اسید بن صفوان که از اصحاب رسول خدا (ع) بود، گوید: روزی که حضرت علی (ع) رحلت کرد، مردی آمد در حالی که می‌گریست و کلمه استرجاع را بر زبان جاری می‌کرد. جلو در خانه علی ایستاد و خطاب به آن حضرت فرمود:

رحمک الله یا أبا الحسن کنت أول القوم إسلاماً و أخلصهم إيماناً، و أشدهم يقيناً، و أخوفهم لله، و أعظمهم عناء و أحوطهم & برترین کسی که نسبت به آن حضرت تعهد داشت و احترامش را حفظ می‌کرد و حقوق آن حضرت را رعایت می‌نمود \$ علی رسول الله (ص) و آمنهم علی أصحابه، و أفضلهم مناقب، و أكرمهم سوابق، و أرفعهم درجه، و أقربهم من رسول

ص: ۸۱

الله (ص) و شبههم به هدیا و خلقا و سمتا & الهدی / سیره و روش. سمت / شیوه افراد خوب و برازنده \$ و فعلا، و أشرفهم منزله، و أكرمهم علیه &. کافی ۱ / ۴۵۴ \$ ائمه که خود مظهر کمالات معنوی بودند، می‌کوشیدند ارزش‌های معنوی و اخلاقی را در جامعه گسترش دهند.

۵- موعظه همگان با استفاده از شرایط

ائمه معصومین (ع) هیچ گاه از نیاز معنوی جامعه غافل نبودند. از مناسبت‌ها و شرایطی که پیش می‌آمد، خوب استفاده نموده و مردم را به ارزش‌های الهی فرامی‌خواندند و هر چه از موعظه و نصیحت لازم بود، انجام می‌دادند. برای این موضوع در کتاب‌های اخلاقی شواهد بسیار یافت می‌شود.

۶- رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی در معاشرت با دیگران

امامان معصوم، تجلی کامل ارزش‌های اخلاقی بودند و برای آنکه جامعه نیز آنان را الگوی خود قرار دهد، ارزش‌های اخلاقی را در معاشرت با دیگران به طور کامل رعایت می‌کردند.

إبراهیم بن العباس قال: ما رأيت أبا الحسن الرضا (ع) جفا أحدا بكلامه قط، و ما رأيت قطع على أحد كلامه حتى يفرغ منه، و ما ردّ أحدا عن حاجه يقدر عليها، و لا مد رجله بين يدي جليس له قط، و لا اتكأ بين يدي جليس له قط، و لا رأيت شتم أحدا من مواليه و مماليكه قط، و لا رأيت تفل قط، و لا رأيت يقهقه في ضحكه قط، بل كان ضحكه التبسم &. عيون اخبار الرضا ۲ / ۱۸۴ \$

۷- بیان موضوع به گونه‌ای که فراموش نشود

گاه، امامان معصوم برای آنکه موعظه بیشترین تأثیر را برجای گذارد، موضوع را در ضمن پدید آوردن یک داستان بیان می‌کردند، تا در عمق جان افراد راه یابد

ص: ۸۲

و هیچ گاه نیز فراموش نگردد.

داستان ملاقات زهری با امام سجاد، شب هنگام در مدینه، یکی از آن موارد است. وی گوید: در یک شب سرد، امام علی بن الحسین را دیدم که کیسه آرد بر دوش دارد. پرسیدم این چیست؟ فرمود می‌خواهم به سفری بروم، توشه ای فراهم کرده ام و می‌خواهم آن را در جای امنی بگذارم. عرض کردم آن را به خدمت کارم بدهید تا هر کجا که می‌خواهید ببرد. نپذیرفت. زهری گوید: اصرار کردم که خودم آن را ببرم. امام نپذیرفت و فرمود خودم را از چیزی راحت نمی‌کنم که مرا نجات می‌دهد و سبب می‌شود، ورودم به آنجا که وارد می‌شوم، نیکو گردد. خواهش می‌کنم شما بروید.

زهری، چند روز بعد امام را در مدینه دید و او که فکر می‌کرد، امام می‌خواسته به سفر برود، مقصود حضرت را نفهمید و موضوع را پرسید. امام پاسخ داد:

یا زهری، لیس ما ظننت، و لکنه الموت و له أستعدُّ، إنما الاستعداد للموت تجنب الحرام و بذل الندی & بسیار بذل و بخشش \$ فی الخیر &. علل الشرائع ۱/ ۲۷؛ بحار الأنوار ۴۶/ ۶۵-۶۶ \$ امام، این موضوع را که بهترین توشه آخرت، بذل و بخشش و دوری از گناه است، در ضمن یک داستان بیان کرد. با آن که در نخستین ملاقات می‌توانست بفرماید اینها وسایلی است که می‌خواهم به منزل فقرا ببرم و شما آنها را نمی‌شناسید.

۸- تشویق افرادی که به تعلیم و تربیت می‌پرداختند

امامان معصوم، افرادی را که به کارهای خوب می‌پرداختند، تشویق می‌کردند:

و قيل: إن عبد الرحمن السلمی علم ولد الحسين (ع) الحمد فلما قرأها علی أبيه عطاء ألف دينار، وألف حله، وحشا فاه دراء، فقيل له فی ذلك فقال: و أين يقع هذا من عطائه یعنی تعلیمه وأنشد الحسين (ع):

ص: ۸۳

إذا جادت & سخاوت‌مندی نمود \$الدنيا علیک فجد بها علی الناس طرا قبل أن تتفلت & پیش از آن که ازین برود و دور انداخته شود \$

فلا- الجود یفنیها إذا هی أقبلت ولا البخل یبقیها إذا ماتولت & مناقب ابن شهر آشوب ۳/ ۲۲۲؛ بحار الأنوار ۴۴/ ۱۹۱ \$

هیچ تردیدی نیست که فرزندان ائمه (ع) نیاز نداشتند که توسط دیگران آموزش ببینند و این اقدام امام (ع)، جز برای گسترش تعلیم قرآن در جامعه و ارزش‌گذاری به فرهنگ تعلیم و تربیت نبود؛ تا نخست ارزش آموزش رایان کرده باشد و در ثانی از آن شخص تشکر نموده، او را تشویق کرده باشد تا دیگران نیز به آن روی آورند و در ضمن، سخاوت‌مندی خود را نیز به اثبات رسانده باشد. امامان معصوم می‌خواستند به مناسبت‌های مختلف به دیگران کمک شود و بدیهی بود که این مورد نیز بهانه‌ای برای کمک به آن شخص بود و گرنه فرزند امام نیاز نداشت که قرآن را از او بیا موزد ن رذا از او بیا موزد آ. پس این اقدام امام پیش از آنکه پاداش کار آن شخص باشد، نشان سخاوت‌مندی امام است. این هدف، در مفهوم شعر امام به خوبی بیان شده است.

۹- تشویق افرادی که به نیکی و احسان می‌پرداختند

و اجتاز & گذر کرد \$الحسن (ع) یوماً علی غلام أسود بین یدیه رغیف يأکل منه لقمه و یدفع لکلب کان عنده لقمه أُخری، فقال له الإمام: ما حملک علی ذلک؟ فقال الغلام: إِنّی لأستحی أن آکل و لأأطعمه &. البدایه والنهایه ۸/ ۳۸ \$ آن شخص، هرچند در ظاهر برده بود اما روحی آزاد داشت که جز به بندگی خداوند نمی‌پرداخت. امام او را از بردگی آزاد ساخت و باغی نیز به او بخشید و پیام داد که این افراد باید آزاد باشند و ثروت نیز در اختیار آنها باشد، تا دیگر بندگان و آفریده‌شدگان خداوند نیز از خوان نعمت آنها برخوردار گردند.

ص: ۸۴

۱۰- سپاس از افرادی که اظهار محبت کرده‌اند

در مواردی بعضی از افراد چیزی به امامان می‌بخشیدند و آن‌ها نیز به گونه ای از او سپاس گزاری می‌کردند که برایشان، قابل تصور نبود.

فقد روی عن أنس أنه قال: كنت عند الحسين فدخلت عليه جارية بيدها طاقه ريحان فحيته بها، فقال لها: أنت حرّة لوجه الله تعالى و انبهر & تعجب کرد \$ أنس و قال: جارية تج aaa بطاقه ريحان & يك دسته گیاهی که بوی خوش داشت \$ فتعقها؟! فقال (ع): كذا أدبنا الله، قال تبارك و تعالى: (وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها)، و كان أحسن منها عتقها &. الفصول المهمه ۱۷۵. كشف الغمه ۳۱ / ۲، بحار الأنوار ۴۴ / ۱۹۵ / ۸ عوالم العلوم: ۶۴ / ۱۷، أعيان الشيعة ۴ / ۰۴ (در بحار، این داستان درباره امام حسن (ع) نیز نقل شده است \$)

۱۱- تشویق افرادی که از آیات قرآن استفاده می‌کردند

و جنی غلام له (الحسين (ع)) جنایه توجب العقاب علیه فأمر بتأديبه أن يضرب فقال: يا مولاي قال الله تعالى (وَ الْكَافِرِينَ الْغَيْظَ) قال (ع): خلوا عنه فقد كظمت غيظي، فقال: يا مولاي (وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ) قال (ع): قد عفوت عنك، فقال: يا مولاي (وَ اللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) قال: أنت حر لوجه الله تعالى، و أجازته بجائزه سنیه & الفصول المهمه ۲ / ۷۶۹؛ كشف الغمه ۳۱ / ۲، الفصول المهمه ۶۸ مع اختلاف يسير، وأعيان الشيعة ۴ / ۵۳. مختصر تاريخ دمشق ۱۷ / ۲۴۰ \$.

مشابه همین داستان درباره امام سجاد (ع) نیز نقل شده است:

كانت له (علي بن الحسين) جارية تسكب على يديه الماء إذا أراد الوضوء للصلاه، فسقط الإبريق من يدها على وجهه الشريف فشجّه، فبادرت الجارية قائلة: إن الله عز وجل يقول: (وَ الْكَافِرِينَ الْغَيْظَ) & آل عمران ۳ / ۱۳۴ \$ و أسرع الإمام قائلاً: كظمت غيظي، و طمعت الجارية في حلم الإمام و نبهه، فراحت تطلب منه المزيد قائلة: (وَ الْعَافِينَ

ص: ۸۵

عَنِ النَّاسِ) فقال الإمام (ع): عفا الله عنك، ثم قالت: (وَاللَّهِ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) فقال (ع) لها: إذهبي فأنت حرّة &. الإرشاد ۱۴۶/۲؛ مختصر تاریخ دمشق ۱۷/۲۴۰، أمالی الصدوق ۱۶۸/۱۲، مناقب ابن شهر آشوب ۴/۱۵۷، البحار ۶۸: ۳۷/۴۶. تاریخ الطبری ۶/۴۲۸، کامل ابن الأثیر ۴/۵۲۶، مناقب آل أبي طالب ۴/۱۵۷، تاریخ دمشق ۳۶/۱۵۵ مختصر تاریخ دمشق ۱۷/۲۴۰، سیر أعلام النبلاء ۴/۳۹۷، نهاییه الارب ۲۱/۳۲۶\$ این احتمال بسیار است که این داستان در زندگی ائمه تکرار شده باشد.

۱۲- دستورهای خاص به افراد ویژه

امامان از این غافل نبودند که برای تربیت بیشتر یاران خود دعا و نماز و عبادت ویژه‌ای را به آنها آموزش دهند. برخی از دعاهایی که روایت شده، مواردی بوده که امام، آن را به یکی از خواص خود آموخته است. &مراجعه شود به الصحیفه الصادقیه، تألیف باقر شریف القرشی \$دستور امام سجاد، به شخصی که جلو در خانه شخص ثروتمندی نشسته بود و او را به مسجد پیامبر برد.

و ممّا رواه المؤرخون: أنّه (علی بن الحسین) اجتاز علی رجل جالس علی باب رجل ثریّ فبادره الإمام قائلاً: ما یقع دگ علی باب هذا المترف الجبار؟ فقال الرجل: البؤس (أی: الفقر)، فقال له (ع): قم فإرشدک إلی باب خیر من بابه و إلی ربّ خیر لگ منه ... و نهض معه الرجل إلی مسجد رسول الله (ص) و علّمه ما یعمله من الصلاه و الدعاء و تلاوه القرآن و طلب الحاجه من الله و الالتهاء إلی حصنه & دژ استوار و نگهدارنده \$ الحریز &. حیاة الإمام زین العابدین (علیه السلام) در اسه و تحلیل: ۱/ ۹۳\$

۱۳- کرامت

ائمه (ع)، در برخی موارد که لازم بود، برای هدایت بعضی و تثبیت عقیده برخی به کرامت یا معجزه متوسل می شدند.

شقیق بن ابراهیم بلخی گوید: در سال ۱۴۹ به حج رفتم. در قادسیه به فزونی جمعیت می نگریستم. جوانی نیکو سیما را دیدم که لباس پشمی بر روی

ص: ۸۶

لباس‌هایش پوشیده و نعلینی در پا دارد و تنها در گوشه‌ای نشسته است. با خود گفتم حتما از طایفه صوفیه است و می‌خواهد باری بر دوش مردم باشد. خوب است بروم، او را نصیحت و ملامت کنم. نزدیک رفتم. وقتی مرا دید، فرمود: یا شقیق! اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ & الحجرات / ۱۲\$ مرا وا گذاشت و رفت. این موضوع برایم بزرگ آمد. گفتم چه کسی بود که از نیتم خبر داد و مرا به نام صدازد؟ درحالی که مرا نمی‌شناخت. این شخص جزبنده صالح خدا نبود. می‌روم تا او را بیابم و از این موضوع پیرسم با شتاب در پی او رفتم اما از نظرم پنهان شد و او را ندیدم تا به واقعه رسیدم. آن جا دیدم که نماز می‌گذارد، درحالی که بدنش می‌لرزد و اشکش جاری است. باخود گفتم این همان شخص است نزدش می‌روم و از نیتی که درباره اش داشتم، بخشش می‌طلبم. منتظر ماندم تا از نمازش فارغ شد و نشست. به سوی او رفتم اما پیش از آن که سخن بگویم رو به من کرد و فرمود یا شقیق! بخوان: وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى & طه / ۸۲\$ بار دیگر مرا وا گذاشت و از نظرم ناپدید شد. یقین کردم او از ابدال است چون دوبار از نیتم خبر داد. چون به رمال رسیدیم بار دیگر او را بر سرچاه آب دیدم که می‌خواست آب بردارد. ظرفی که در دست داشت از دستش به داخل چاه افتاد و من به او می‌نگریستم. نگاهی به آسمان کرد و فرمود:

أنت ربی إذا ظمئت من الماء و قوتی إذا أردت الطعاما

اللهم سیدی ما لی سواها فلا تعد منیها.

شقیق گوید: به خدا سوگند دیدم آب چاه جوشید و بالا آمد و ظرفش را با دست گرفت و آب نوشید و وضو گرفت. چهار رکعت نماز خواند و سپس به سمت تپه شن رفت. شن‌ها را با دست به داخل ظرفش می‌ریخت و حرکت می‌داد و تبدیل به آب گوارا می‌شد و می‌نوشید. نزدش رفتم و سلام کردم و جواب داد.

ص: ۸۷

عرض کردم آنچه که خداوند به شما روزی کرده است، به من هم بدهید. فرمود: یا شقیق! نعمت‌های خداوند همیشه به صورت پنهان و آشکار بر ما نازل می‌شود. گمانت را نسبت به خداوند نیکو گردان. سپس ظرف را به من داد درحالی که پر از سویق & یک نوع غذای بسیار لذیذ که با آرد گندم می‌پختند \$ و شکر بود. به خدا قسم آن چنان معطر و خوش طعم بود که درطول عمرم غذایی همانند آن نخورده بودم. هم سیرشدم، هم سیراب. پس از آن تا مدتی نیاز به غذا و آب نداشتم تا اینکه به مکه رسیدیم. نیمه شبی او را نزدیک قبه آب خوری دیدم که با حالت خشوع و گریه نماز می‌خواند. درحال نماز بود تاوقت نماز صبح نزدیک شد. درمصلايش نشست و مشغول تسبیح شد تا نمازصبح را خواند و سپس هفت بارطواف کرد و ازمسجد الحرام بیرون رفت و من هم درپی اورفتم. دیدم خدمت کاران و همراهان بسیاردارد و برخلاف آنچه که می‌پنداشتم، بود. مردم دور او جمع شدند و براوسلام می‌کردند. از کسی پرسیدم: ایشان کیست؟ پاسخ داد این جوان، موسی بن جعفر بن محمد (ع) است. باخودگفتم: شگفت نیست که این شگفتی‌ها جز برای همانندایشان نمی‌باشد &. صفه‌الصفوه ۲/ ۱۲۵ / ۱۹۱؛ الفصول المهمه / ۲۳۱. وی گوید این داستان را ابن جوزی درمسیرالعزم وجنابذی درمعالم العتره النبویه ورامهرمزی درکرامات الاولیاء آورده اند (\$) این داستان را اهل سنت نقل کرده اند و در درستی آن تردید نیست و می‌توان از زاویه‌های مختلف به آن نگریست: زهد، عبادت، حج، معجزه، موقعیت اجتماعی امام و احترام مردم به آن حضرت و دعوت به کتاب خدا و اخلاق نیکو و بیان امامت و

در این خصوص در کتاب‌هایی که ویژه معجزات می‌باشند & از جمله: نوادر المعجزات. مناقب، ابن شهر آشوب؛ الخرائج والجرائح \$ و دیگر کتاب‌ها، موارد بسیاری نقل شده است &. مراجعه شود به بحار الانوار تاریخ زندگی ائمه \$

ص: ۸۸

۱۴- عفو و گذشت

بخشش، یکی از ویژگی‌های برازنده ائمه بوده است. آنها هیچ گاه درصدد انتقام بر نیامدند و با کسانی که مرتکب خطا می‌شدند و یا توهین می‌کردند، کریمانه رفتار می‌نمودند. به گونه ای که آنها به امامت و یا جایگاه بلند معنوی ائمه اعتراف می‌کردند.

و عن رجل من ولد عمار بن یاسر قال: کان عند علی بن الحسین قوم فاستعجل خادماً له بشواء & کباب \$ کان له فی التنور. فأقبل به الخادم مسرعاً و سقط السفود & وسیله کباب پختن \$ من یده علی بنی لعلی أسفل الدرجه & پله \$ فأصاب رأسه فقتله فقال علی للغلام: أنت حر، لم تعمده و أخذ فی جهاز ابنه &. صفه الصفوی ۱ / ۷۱ / ۱۶۵؛ مطالب السؤل / ۴۲۰ \$ الامام الحسن (ع) قال: لو شتمنی رجل فی هذه الاذن - و أوماً الی الیمنی - و اعتذر لی فی الیسری لقبلت ذلک منه، و ذلک أن أمير المؤمنين علی بن أبی طالب (ع) حدّثنی أنّه سمع جدّی رسول الله (ص) یقول: لا یرد الحوض من لم یقبل العذر من محق أو مبطل &. إحقاق الحقّ: ۱۱ / ۴۳۱ \$ ذهبی گوید: قلت: إن صحت، فهذا غایه الحلم و السماحه &. سیر اعلام النبلاء ۶ / ۲۷۱ \$

۱۵- خوبی در برابر بدی‌های دیگران

اشاره

بنی امیه پس از آنکه به حکومت رسیدند، نخستین اقدامی که انجام دادند، تبلیغ گسترده بر ضد خاندان رسول خدا (ص) بود. این اقدام آن‌ها زمینه دشمنی افراد بسیار را در جامعه نسبت به اهل بیت پیامبر (ع) فراهم کرد و خاندان زبیر نیز با اهل بیت پیامبر سرسنگین بودند. برخی از بازماندگان خلفا نیز دشمنی

ص: ۸۹

آن‌ها را در دل داشتند. بنی عباس نیز همان سیاست بنی امیه را با گستردگی بیشتری ادامه دادند و افرادی نیز بودند که نسبت به ائمه حسادت می‌ورزیدند. در نتیجه افرادی آگاهانه و بسیاری دیگر ناآگاهانه به دشمنی پرداختند و در مواردی نیز این دشمنی را اظهار می‌کردند و به ائمه (ع) دشنام می‌دادند. ائمه (ع) نیز از این موقعیت استفاده نموده و مسئولیت تربیتی خود را درباره این افراد به خوبی ایفا می‌کردند. در نتیجه برخی هدایت شده و به صف یاران اهل بیت می‌پیوستند.

بدیهی است که ائمه (ع) مصداق کامل «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» فرقان ۶۳/۲۵ \$ بودند که باید با بازماندگان فکری به گونه‌ای رفتار می‌کردند که هدایت می‌شدند. این رفتار ائمه در گستره سیره و آموزگاری مبین موضوعات مهم ذیل بود.

اول: معصومین، مصداق روشن آیات قرآن از جمله وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ بودند.

دوم: عمل به قرآن در وجود آن‌ها تجلی کامل داشت.

سوم: پیروان اهل بیت نیز باید در رفتار با مخالفان نقش تربیتی و هدایتی را فراموش نکنند. افرادی که به دشمنی با اهل بیت می‌پرداختند، از گروه‌های مختلف بودند.

۱- امویان

تیره امویان همیشه با اهل بیت پیامبر، دشمن بودند اما در روز درماندگی به اهل بیت پیامبر پناه می‌بردند و ائمه نیز به آنها پناه می‌دادند. چنان که مروان در جریان قیام مردم مدینه بر ضد امویان از امام زین العابدین (ع) کمک خواست که خانواده او را پناه دهد و امام نیز آنها را پناه داد و به ینبع نزد خانواده خود فرستاد.

& تاریخ الطبری ۴ / ۳۷۲ \$

ص: ۹۰

و بار دیگر به یک حاکم معزول اموی در روز درماندگی محبت کرد، درحالی که او با امام دشمن بود. هشام بن اسماعیل استاندار مدینه بود و همیشه امام زین العابدین را آزار می داد تا اینکه ولید، او را عزل کرد و دستور داد بر هر کسی ستم کرده است، شکایت کنند. او می گفت من از هیچ کسی جز علی بن الحسین نگران نیستم. او را جلو خانه مروان نگه داشته بودند تا هر کس از سوی او ستم دیده، شکایت کند. امام به تمام بستگان و پیروان خود دستور داد که متعرض او نشوند. وقتی امام از آنجا که او بازداشت شده بود، گذشت، وی فریاد کرد: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ.

در روایت دیگری آمده که امام زین العابدین نامه ای فرستاد و فرمود اگر نیاز مالی داری، بگو. ما آنچه که تو بخواهی داریم و از ناحیه ما و پیروان ما نیز آسوده خاطر باش و هشام فریاد کرده: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ &. بحار الأنوار ۹۴/۴۶؛ مناقب ابن شهر آشوب ۳/۳۰۱؛ تاریخ الطبری \$

۲- بازماندگان خلفا

از دیگر افرادی که با امامان دشمن بودند و آزار می دادند، بازماندگان برخی از خلفا بودند و ائمه (ع) ناسزای آنها را نیز با محبت پاسخ می دادند:

یحیی بن حسن و افراد دیگری گفته اند: یکی از نوادگان عمر بن خطاب در مدینه بود و امام موسی بن جعفر (ع) را دشنام می داد و اذیت می کرد. برخی به امام پیشنهاد کردند اجازه دهید او را بکشیم. امام شدیداً آنها را از این کار منع کرد. مرد عمری در حومه مدینه مشغول زراعت بود. یک روز امام در حالی که سوار بر مرکب بود، به سوی او رفت. امام، همانطور که سوار بر مرکب بود، از روی محل زراعت مرد گذشت. مرد عمری فریاد کرد: زراعت مرا زیر پا له کردید ولی امام اعتنا نکرد تا نزد او رسید، پیاده شد و نشست و با خوش رویی پرسید:

ص: ۹۱

زراعت چه مقدار ضرر دید؟ پاسخ داد صد دینار. امام پرسید. انتظار داشتی چه مقدار محصول از زراعت، به دستت برسد؟ پاسخ داد: غیب نمی‌دانم. امام فرمود: من پرسیدم انتظار داشتی چه مقدار برایت حاصل داشته باشد؟ گفت: امید می‌رفت دویست دینار کسب کنم. امام سیصد دینار به او داد و فرمود این قیمت زراعت و آنچه از زراعت نیز که زیر پا له شده بود، به حال اول برگشت. آن مرد عمری بلند شد و پیشانی امام را بوسید و امام برگشت. وقتی امام به مسجد رفت، او را آنجا دید که نشسته است. وقتی نگاهش به امام افتاد، فریاد کرد: اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ. کسانی که پیش از این با او هم عقیده بودند، نزدش رفتند و پرسیدند داستان چیست که از موسی بن جعفر ستایش می‌کنی؟ او با آنها گفتگو و استدلال می‌کرد. از آن پس هر وقت امام به مسجد می‌رفت و یا خارج می‌شد، او امام را دعا می‌کرد. امام به پیروان خود فرمود: حالا بهتر شد یا آن گونه که شما می‌خواستید؟ من به این صورت وضعیت او را اصلاح کردم &. تاریخ بغداد ۱۳ / ۲۸ / ۶۹۸۷؛ سیر اعلای مالنبلاء ۶ / ۲۷۱ (قلت، إن صحت، فهذا غايه الحلم والسماحه \$)

۳- فریب‌خوردگان

چنانکه شخصی از مردم شام، به مدینه رفته بود و به امام حسن (ع) دشنام داد. روی المبرّد و ابن عائشه: أَنْ شَامِيًّا رَآه رَاكِبًا فَجَعَلَ يَلْعَنُهُ وَ الْحَسَنَ لَا يَرِدُ، فَلَمَّا فَرَّغَ أَقْبَلَ الْحَسَنَ (ع) فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ ضَحَكَ، فَقَالَ: أَيُّهَا الشَّيْخُ! أَظْنَيْكَ غَرِيبًا؟ وَ لَعَلَّكَ شَبَّهْتَ، فَلَوْ اسْتَعْتَبْتَنَا أَعْتَبْنَاكَ & اگر رضایت بطلبی، راضی می‌گردانیم، \$ و لو سَأَلْتَنَا أَعْطَيْنَاكَ، و لو اسْتَرَشَدْتَنَا أَرْشَدْنَاكَ، و لو اسْتَحْمَلْتَنَا & مرکب سواری بخواهی، به شما می‌دهیم \$ حملناكَ، و إِنْ كُنْتَ جَائِعًا أَشْبَعْنَاكَ، و إِنْ كُنْتَ عَرِيَانًا كَسَوْنَاكَ، و إِنْ كُنْتَ مُحْتَاجًا أَغْنَيْنَاكَ، و إِنْ كُنْتَ طَرِيدًا & رانده شده \$ آویناكَ، و إِنْ كَانَ لَكَ حَاجَةٌ قَضَيْنَاهَا

ص: ۹۲

لَکَ، فلو حرّکت رحلک إلینا و کنت ضیفنا الی وقت ارتحالک کان أعود علیک، لأنّ لنا موضعاً رحباً & خانه وسیع و مال فراوان دارم \$ و جاهاً عریضاً و مالاً کثیراً. فلما سمع الرجل کلامه بکی، ثم قال: أشهد أنّک خلیفه الله فی أرضه، و الله أعلم حیث یجعل رسالتّه، و کنت أنت و أبوک أبغض خلق الله إلّی، و الآن أنت أحبّ خلق الله إلّی &. العوالم (الإمام الحسن): ۱۲۱ نقلًا عن المناقب: ۳/ ۱۸۴ (این روایت را عایشه نیز نقل کرده است. قالت: دخل رجل من أهل الشام المدينه فرأى رجلاً راكبا على بغله حسنه قال: لم أرا أحسن منه، فمال قلبي إليه فسألت عنه فقيل لي: إنه الحسن بن علي. فامتأ قلبي غيظاً وحنقاً و حسداً أن يكون لعلی ولد مثله، فقمّت إليه فقلت: أنت ابن أبي طالب؟ فقال: (أنا ابنه). فقلت: أنت ابن من ومن ومن، وجعلت أشتمه و أنال منه (ومن أبيه و هو ساکت، حتی استحييت منه) فلما انقضی کلامی ضحك و قال: (أحسبک غریباً شامیاً). فقلت: أجل. فقال: (فمل معی، إن احتجت إلى منزل أنزلناک و إلى مال أرفدناک و إلى حاجه عاوناک). فاستحييت والله منه و عجبت من کرم خلقه فانصرفت و قد صرت أحبه مالاً أحب غیره. العوالم (الإمام الحسن): ۱۲۱ نقلًا عن المناقب: ۳/ ۱۸۴ \$ و نال منه (امام سجاد) رجل یوما فجعل یتغافل عنه - یریه أنه لم یسمعه - فقال له الرجل: إیاک أعنی، فقال له علی: و عنک أغضی.

عبد الغفار بن القاسم قال: کان علی بن الحسین خارجاً من المسجد فلقیه رجل فسبه فثارت إليه العیید و الموالی فقال علی بن الحسین: مهلاً عن الرجل. ثم أقبل علی الرجل فقال: ما ستر عنک من أمرنا أكثر. الگَ حاجه نعیگَ علیها؟ فاستحیا الرجل. فألقى علیه خمیصه & ثوب أسود مربع \$ كانت علیه و أمرله بألف درهم فكان الرجل بعد ذلك یقول: أشهد إنک من أولاد الرسول &. صفه الصفوه ۱/ ۷۱؛ البدايه و النهايه ۹/ ۱۲۳ مطالب السؤل / ۴۲۰ \$ کلمه (علی بن الحسین) رجل فافتري علیه فقال: إن کنا کما قلت فنستغفر الله، و إن لم نکن کما قلت فغفر الله لک. فقام إليه الرجل فقبل رأسه و قال: جعلت فداک، لیس کما قلت أنا فاغفر لی: قال: غفر الله لک. فقال الرجل: الله أعلم حیث یجعل رسالتّه &. صفه الصفوه ۱۶۸ / ۱۶۵ \$ درباره امام کاظم (ع) چنین روایت شده:

ص: ۹۳

كان موسى بن جعفر ... و كان يبلغه عن الرجل أنه يؤذيه فيبعث إليه بصره & بسته يا كيسه پول \$ فيها ألف دينار، و كان يصر الصرر ثلاثمائة دينار، و أربعمائة دينار، و مائتي دينار، ثم يقسمها بالمدينه. و كان مثل صرر موسى بن جعفر إذا جاءت الإنسان الصره فقد استغنى &. تاريخ بغداد ۱۳ / ۲۷ / ۶۹۸۷؛ وفيات الأعيان: ۵ / ۳۰۸ / ۷۴۶، و كنز اللغه: ۷۶۶، الأنوار البهيه: ۱۹۰. سير اعلام النبلا ۶ / ۲۷۰ \$

۴- حسادت

برخی افراد از روی حسادت، با امام سر ناسازگاری داشتند.

وقف علی بن علی بن الحسین (ع) رجل من أهل بيته فأسمعه و شتمه، فلم يكلمه، فلما انصرف قال لجلسائه: قد سمعتم ما قال هذا الرجل، و أنا أحب أن تبلغوا معي إليه حتى تسمعوا ردی عليه قال: فقالوا له: نفعل، و لقد كنا نحب أن تقول له و نقول، قال: فأخذ نعليه و مشی و هو يقول: وَ الْكَاطِمِينَ الْغِيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. فعلمنا أنه لا يقول له شيئاً، قال: فخرج حتى أتى منزل الرجل فصرخ به فقال: قولوا له: هذا علی بن الحسین قال: فخرج إلينا متوثباً للشر & به گونه‌ای که می‌خواست با یک اقدام ناگوار و انتقام جویانه مقابله کند، \$ و هو لا یشک أنه إنما جاءه مكافئاً & تلافی کند و انتقام بگیرد \$ له علی بعض ما كان منه، فقال له علی بن الحسین (ع): یا أخى إنك كنت قد وقفت على آنفا فقلت و قلت، فإن كنت قلت ما فى فأستغفر الله منه، و إن كنت قلت ما ليس فى فغفر الله لك قال: فقبل الرجل ما بين عينيه و قال: بل قلت فيك ما ليس فيك، و أنا أحق به &. الإرشاد ۲ / ۱۴۵ بحار الانوار ۴۶ / ۹۵ (به اختصار)؛ سير أعلام النبلاء ۴ / ۳۸۹ (به اختصار)؛ صفه الصفوه ۱ / ۶۶ / ۱۶۵؛ مطالب السؤل ۴۱۰؛ مختصر تارسیخ دمشق ۱۷ / ۲۴۴) قال الراوى: والرجل هو الحسن بن الحسن \$) برخی دیگر از روش‌های تربیتی ائمه (ع) در فصل‌های دیگر این کتاب بیان شده است. اینها برخی از روش‌های تربیتی ائمه (ع) بود که برای تربیت جامعه

ص: ۹۴

از آن‌ها استفاده می‌کردند.

۱۶ تذکر به افرادی که مرتکب خطا شدند یا انحراف فکری داشتند

امامان معصوم، برخی موارد خطا را به افراد ویژه تذکر می‌دادند تا از انحراف عملی و خطای فکری آن‌ها جلوگیری شود.

روی أن إبراهيم بن مهزم الأسدي قال: قدمت المدينة، فأتيت باب أبي عبدالله (ع) أستفتحه فدنت جاريه لفتح الباب، فقرصت ثديها، و دخلت فقال: يا ابن مهزم أما علمت أن ولايتنا لاتنال إلا بالورع، فأعطيت الله عهداً أني لا-أعود إلى مثلها أبداً &. بحار الأنوار ۱۰۱ / ۴۷ \$ عن عبدالعزيز قال: كنت أقول بالربوبية فيهم، فدخلت على أبي عبدالله (ع) فقال: يا عبدالعزيز ضع ماء أتوضأ ففعلت، فلما دخل يتوضأ قلت في نفسي: هذا الذي قلت فيه ما قلت يتوضأ، فلما خرج قال: يا عبدالعزيز لاتحمل على البناء فوق ما يطيق، فيهدم، إنا عبيد مخلوقون &. بحار الأنوار ۱۰۷ / ۴۷ \$

مفضل بن عمر قال: كنت أنا و خالد الجوان، و نجم الحطيم، و سليمان بن خالد على باب الصادق (ع) فتكلمنا فيما يتكلم فيه أهل الغلو، فخرج علينا الصادق (ع) بلا حذاء و لا رداء و هو ينتفض و يقول: يا خالد! يا مفضل! يا سليمان! يا نجم! لا، بل عبادٌ مُكْرَمُونَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ & سورة الأنبياء الآية: ۲۶. \$ و قال صالح بن سهل: كنت أقول في الصادق (ع) ما تقول الغلاة، فنظر إلى فقال: ويحك يا صالح إنا و الله عبيد مخلوقون، لنا رب نعبده، و إن لم نعبده عذبنا &. بحار الأنوار ۱۲۵ / ۴۷، المناقب ج ۳ ص ۳۴۷ \$

خلاصه و نتیجه

فلسفه بعثت پیامبران و امامت امامان، تربیت جامعه بود. ائمه در خصوص تربیت جامعه، از تمام امکانات موجود استفاده نموده و شیوه‌های مختلف را به کار بردند تا جایگاه تربیتی خود را به خوبی ایفا کنند. برخی شیوه‌های تربیتی چنین بود: تربیت خواص، گسترش فرهنگ عبادت، دعا، دعوت به فضایل اخلاقی، نصیحت افراد با توجه به موقعیت و شرایط روحی آن‌ها، موعظه به شکل ویژه، تشویق افراد به تعلیم و تربیت، تشویق افرادی که نیکی می‌کردند، تشویق افرادی که از آیات قرآن استفاده می‌کردند، دستورهای ویژه به افراد به خصوص، عفو و گذشت، نیکی در برابر بدی‌های دیگران. تذکر به افراد به خصوص در باره خطای فکری و عملی که مرتکب شدند.

ص: ۹۶

پرسش‌های این فصل

- ۱- اهداف شناخت سیره تربیتی ائمه.
- ۲- پیامبر، جایگاه تربیتی ائمه را چگونه معرفی کرد؟
- ۳- اصول کلی تربیتی ائمه کدام هستند؟
- ۴- مبانی کلی نقش تربیتی ائمه کدام است؟
- ۵- وظیفه شیعیان، در معرفی و تحقق جایگاه تربیتی امامان چیست؟
- ۶ داستان شقیق بلخی را شرح دهید و چه مطالبی از آن داستان استفاده می‌شود؟
- ۷- چه کسانی با ائمه دشمن بودند و امامان معصوم با آنها چگونه رفتار می‌کردند؟ دو نمونه را توضیح دهید.

فصل چهارم سیره خانوادگی

پیش در آمد

سیره خانوادگی در راستای همان سیره تربیتی قرار دارد. اساساً تربیت، از خانواده آغاز می شود. شناخت سیره خانوادگی ائمه در عصر حاضر، که نظام خانوادگی در حال فروپاشی می باشد، امری لازم و ضروری است. راهکارهای اساسی در تربیت خانوادگی را باید در زندگی امامان جستجو کرد و با شناخت نمونه های عینی، دستورهای عملی آنها را دستور العمل زندگی در محیط خانواده قرارداد و جامعه را از بحرانی که در پی فروپاشی نظام خانوادگی پدید آمده است، نجات داد.

اکثر آنچه که در سیره فرهنگی و اجتماعی امامان جریان داشت، در سیره خانوادگی نیز جریان دارد. چه آنکه خانواده، حلقه کوچکی از جامعه است. از آنجا که امامان معصوم، مظهر عبادت، فضایل اخلاقی و عدالت بودند، این سه اصل در زندگی خانوادگی آنها نیز تجلی آشکار داشت و تربیت را از محیط خانواده آغاز کردند.

چنانکه خداوند در آیه شریفه فوق و آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» به پیامبر دستور داد که دعوتش را از بستگان نزدیک آغاز کند. همین دستور به امامان نیز داده شده که باید تربیت جامعه را از خانواده و بستگان نزدیک آغاز کنند. از این جهت تمام معصومین (ع) دعوت به نماز و عبادت خداوند، در محیط خانه را یک اصل قرارداد داده بودند. همچنان که خود به نماز و عبادت می پرداختند، دیگر اعضای خانواده را نیز به آن دستور می دادند.

ص: ۱۰۰

تربیت از خانواده و با نماز آغاز می‌شود

تردیدی نیست که نماز، نقش بنیادی در تربیت افراد و زندگی اجتماعی دارد. به همین جهت، دین اسلام با نماز آغاز شده است و نخستین دستوری که داده شد و نخستین عبادتی که تشریع گردید، نماز بود. افزون بر آن، خداوند نیز به پیامبر دستور داد که اعضای خانواده را به نماز دعوت کند. آنجا که فرمود:

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا & طه ۱۳۲ / ۲۰ \$

نماز، مهم ترین عبادت است. تربیت از محیط خانواده و با نماز آغاز می‌شود. خداوند به پیامبر، چنین دستور داد:

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَنْسُئَلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَزُوقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى & طه ۱۳۲ / ۲۰ \$

لقمان حکیم به فرزندش، چنین دستور داد:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ & لقمان ۱۷ / ۳۱ \$

روایت ابوبصیر از ام حمیده درباره اهمیت نماز & وسائل الشیعه ۱۷ / ۳ \$.

قرآن

تلاوت، خواندن و فهمیدن قرآن، در زندگی یک اصل اساسی است. اسلام، بدون قرآن شناخته نمی‌شود و زندگی بدون قرآن، سامان نمی‌یابد. پرداختن به قرآن در زندگی امامان جایگاه ویژه داشته است.

ص: ۱۰۱

امام باقر (ع)، و كان يجمع ولده و يأمرهم بذكر الله حتى تطلع الشمس، كما كان يأمرهم بقراءة القرآن، و من كان لا يقرأ منهم كان يأمره بذكر الله تعالى &. في رحاب أئمة أهل البيت (ع) ۴ / ۷ / ۶ / ۳۴\$ معاويه بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله (ع): الرجل لا يرى أنه صنع شيئاً في الدعاء و القراءة، حتى يرفع صوته، فقال: لا بأس إن علي بن الحسين [كان أحسن الناس صوتاً بالقرآن، و كان يرفع صوته حتى يسمعه أهل الدار، و إن أبا جعفر (ع) كان أحسن الناس صوتاً بالقرآن، و كان إذا قام من الليل، و قرأ رفع صوته فيمر به مار الطريق من السقائين و غيرهم، فيقومون فيستمعون إلى قراءته &. بحار الأنوار ۱۹۴ / ۸۹ / سرائر ۴۷۶ / \$ روى أن لأبي عبد الله (ع) كان مولى يقال له مسلم و كان لا يحسن القرآن، فعلمه في ليله فأصبح و قد أحكم القرآن &. بحار الأنوار ۱۰۱ / ۴۷ / \$ عن عبد الله بن موسى، عن أبيه، عن جده قال: كانت أمي فاطمة بنت الحسين (ع) تأمرني أن أجلس إلى خالي علي بن الحسين (ع)، فما جلست إليه قط إلا قمت بخير قد أفدته، إما خشية لله تحدث لله في قلبي لما أرى من خشيته لله، أو علم استفدته منه &. بحار الأنوار ۷۳ / ۴۶ / \$.

نیکی به پدر و مادر

خداوند برخی پیامبران را در قرآن با این عنوان ستوده است که نسبت به پدر و مادر، مهربان و خدمت گزار بودند. بدیهی است ائمه (ع) که تجلی عمل به قرآن بودند، برای پدر و مادر، احترام بسیار قایل بودند. به خصوص که پدر، امام معصوم بود و مادر نیز کسی بود که خداوند، تربیت ولی خود را به او کرامت کرده بود.

دعای امام سجاد (ع) درباره پدر و مادر چنین است.

ص: ۱۰۲

و اخصص اللهم والدی بالکرامه لیدیگ و الصلاه منک یا أرحم الراحمین ... و ألهمنی علم ما یجب لهما علی إلهاماً، و اجمع لی علم ذلک کله تماماً، ثم استعملنی بما تلهمنی منه، و وفّقنی للنفوذ & توفیق عمل به آن علم عنایت کن \$ فیما تبصرنی من علمه ... اللهم اجعلنی أهابهما هیبه السلطان العسوف، و أبرهما برّ الأم الرؤوف &، از آنها چون سلطان قدرتمند بیمناک باشم و همانند مادر مهربان به آنها نیکی کنم \$ و اجعل طاعتی لوالدی و بری بهما أقرّ لعینی من رقه الوسنان & شیرین تر از خواب برای چشم تشنه خواب، \$ و أثلج لصدری من شربه الظمان & تشنگی، \$ حتی أوتر علی هوای هواهما، و اقدّم علی رضای رضاهما، و استکثر برّهما بی و إن قلّ، و استقلّ بری بهما و إن کثر، اللهم خفّض لهما صوتی، و أطب لهما کلامی، و ألن لهما عریکتی & اخلاق و رفتارم را با آنها نیکو گردان، \$ و اعطف علیهما قلبی، و صیرنی بهما رفیقاً و علیهما شفیقاً ... اللهم لا تُنسِنی ذکرهما فی أدبار صلواتی، و فی إناء من آناء لیلی، و فی کل ساعه من ساعات نهاری ... اللهم صلّ علی محمد و آله، و اغفر لی بدعائی لهما، و اغفر لهما ببرّهما بی & ... الضحیفه السجادیه، دعاؤه لأبویه. \$ ۳۷/۶. مطالب فوق، گرچه در قالب دعا بیان شده، اما در واقع بیان وظایف فرزندان نسبت به پدر و مادر است. پیامهای این دعا چنین است:

نخست باید شناخت که وظیفه فرزندان نسبت به پدر و مادر چیست. شناخت وظیفه، نخستین مرحله تکلیف پذیری و انجام تکلیف است.

این وظیفه شناسی باید جوشش درونی داشته باشد. اینکه که دیگران بگویند که چه وظیفه ای نسبت به پدر و مادر داریم، کفایت نمی کند و وظیفه شناس نمی شویم. باید از خدا خواست که وظایف ما را نسبت به آنها به ما

ص: ۱۰۳

بشناساند و این وظیفه شناسی را در درون ما قرار دهد و این معرفت، باید معرفت الهی باشد و از طریق شریعت شناخته شود تا بتوان به آن ملتزم شد و انجام داد.

از خدا خواست که در انجام این وظیفه به ما کمک نماید، چه آنکه انسان، بی استمداد از خداوند در انجام هیچ کاری موفق نمی شود.

انجام وظیفه توأم با احساس عاطفی و درونی باشد که از یک سو پدر و مادر، نزد فرزند، اقتدار داشته باشند و از سوی دیگر این اقتدار موجب ترس در فرزند نشود که وظایف خود را برای ترس از مجازات انجام دهد. بلکه از سرحترام و محبت و دوستی انجام گردد. دو عامل انجام وظیفه یعنی اقتدار و محبت باید توأم باشند تا فرزند احساس نکند که پدر و مادر در جایگاه اجتماعی با او برابر هستند و این گونه تصور کند که آن‌ها مقام بسیار بلند و ارجمند اجتماعی دارند. این احساس، سبب می شود که فرزند وقتی در حضور پدر و مادر قرار دارد، احساس فکر کند که با افرادی رو به روست که هم ردیف و یا زیر دست او نیستند. در نتیجه مواظبت است که مرتکب اعمال و رفتاری نشود که بی احترامی به پدر و مادر به شمار آید و اگر محبت می کند، با انگیزه ترحم نیز نباشد.

فرمان برداری از پدر و مادر را بر خود لازم و واجب بدانند. چنانکه فرمان بردن از دستورات حکومت لازم است، اطاعت از پدر و مادر نیز واجب است.

فرمان برداری و خدمت به پدر و مادر، برایش شیرین ولذت بخش باشد و این چنین نباشد که از سر اکراه انجام دهد. باید از فرمان برداری پدر و مادر، احساس خوشنودی و شادمانی کند. نسبت به والدین آن چنان باشد که خواسته های آنها را بر خواسته های خود ترجیح دهد.

رفتار با پدر و مادر، باید با نیکو ترین اخلاق باشد نه از نوع رفتار برادر و خواهر با یکدیگر بلکه رفتار نیک فرمان بردار نسبت به فرمان روا که باید توأم با اطاعت و محبت باشد.

ص: ۱۰۴

ت باید نزد خداوند در حق آن‌ها دعا کرد و این نعمت را سپاس گفت و باید این دعا را استمرار بخشید. یعنی همیشه در حق آن‌ها دعا کرد و خود را مدیون آن‌ها دانست. ائمه نسبت به پدر و مادر، بسیار مهربان بودند. داستان امام زین العابدین (ع) که به مادرش احترام می گذاشت، معروف است & اعلام الهدایه ۳۷/۶ \$ امام صادق (ع) گوید: هر شب رخت خواب پدرم را آماده می کردم و منتظر بودم تا از مسجد بیاید. هر وقت می آمد و استراحت می کرد، من هم استراحت می کردم. یک شب تا دیروقت نیامد. ناگزیر به مسجد رفتم تا ببینم کجاست. زمانی بود که مسجد خالی شده بود و جز پدرم کسی آنجا نبود. صدای مناجاتش را شنیدم که سر بر سجده گذاشته بود و می گفت: سبحانک اللهم، أنت ربی حقاً حقاً، سجدت لک یا رب تعبداً و رقاً، اللهم إنَّ عملی ضعیف فضاعفه لی ... اللهم قنی & فعل امر از وقایه است، یعنی مرا از عذابت نگهدار \$ عذابک یوم تبعث عبادک، و تب علیٰ إنک أنت التواب الرحیم & کافی ۳۲۳/۳ \$

حقوق والدین

حقوق والدین، از دستورهای بسیار اکید دین است. در بسیاری از آیات قرآن نیز به این موضوع تأکید شده است.

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا & اذِ اسراء ۱۷/۲۳ \$.

ص: ۱۰۵

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا & عنكبوت ۸/۲۹\$ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا & الاحقاف ۱۵/۴۶\$ در ستایش حضرت یحیی فرمود: وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا & مریم ۱۹/۱۴\$ این آیات، دلیل بر مقام والدین، نزد فرزند است که اجرای آن نه مستحب نه واجب کفایی است بلکه در هر زمان واجب عینی است. ائمه (ع) نیز بر این موضوع دستورهای بسیار داده اند.

إبراهیم بن مهزم قال: خرجت من عند أبي عبدالله (ع) ليلة ممسيا فأتيت منزلي بالمدينة، و كانت أمي معي، فوقع بيني وبينها كلام، فأغلظت لها، فلما أن كان من الغد صليت الغداة، و أتيت أبا عبدالله (ع) فلما دخلت عليه فقال لي مبتدئاً: يا أبا مهزم ما لك و الوالده أغلظت في كلامها البارحة، أما علمت أن بطنها منزل قد سكتته، و أن حجرها مهد قد غمزته، و ثديها وعاء قد شربته؟ قال: قلت: بلى قال: فلاتغلظ لها & بحار الأنوار ۷۲/۴۷\$.

صله رحم

صله رحم از موضوعاتی است که در محیط و روابط خانوادگی، بسیار جریان دارد. امامان معصوم (ع) برای این موضوع بسیار اهتمام می ورزیدند. خود پیش قدم بودند و شیعیان را برانجام آن دستور می دادند: داود الرقی قال: دخلت على أبي عبدالله (ع) فقال لي: يا داود أعمالكم عرضت على يوم الخميس فرأيت لك فيها شيئاً فرحني، و ذلك صلتك لابن عمك، أما إنه سيمحق أجله و لا ينقص رزقك قال داود: و كان لي ابن عم ناصب، كثير العيال

ص: ۱۰۶

محتاج، فلما خرجت إلى مكة أمرت له بصله، فلما دخلت على أبي عبدالله (ع) أخبرني بهذا &. بحار الأنوار ۹۲/۴۷\$ عن میسر قال: قال أبو عبدالله (ع): يا میسر لقد زيد في عمرک، فأی شیء تعمل؟ قال: كنت أجیرا و أنا غلام بخمسه دراهم، فکنت أجریها على خالی &. بحار الأنوار ۷۸/۴۷\$

فرزندان

محیط خانه برای اعضای خانواده، به منزله مدرسه بود و هر امام معصوم (ع) در همین محیط و همین مدرسه تربیت می شد و تجلی تربیت خانوادگی امام، پیش از خود است. فرزندان ائمه که بسیاری از آنها در مرتبه عصمت قرار داشتند، نتیجه و آثار همین اهتمام به تربیت اعضای خانواده بود. سفارشات که امام معصوم به فرزندان خود داشته اند و آنها را به فضایل اخلاقی و کمالات معنوی دعوت کرده اند، بسیار است.

نامه امام علی (ع) به امام حسن (ع) معروف است:

فإني أوصيك بتقوى الله - أي بني - و لزوم أمره و عماره قلبك بذكره ... و أحي قلبك بالموعظه & ... نهج البلاغه نامه ۳۱\$. امام سجاد (ع) فرمود: یا بُنّی، انظر خمسَ فلاتصاحبهم و لاتحادثهم و لا تُرافقهم فی طریق فقال له ولده: من هم؟ قال (ع): إِيّاك و مصاحبه الكذّاب، فإنّه بمنزله السراب، يقرب لك البعيد و يبعد لك القريب. و إِيّاك و مصاحبه الفاسق، فإنّه بايعك بأكله أو أقلّ من ذلك. و إِيّاك و مصاحبه البخيل، فإنّه يخذلك في ماله، و أنت أحوج ماتكون إليه. و إِيّاك و مصاحبه الأحمق، فإنّه يريد أن ينفعك فيضرك.

ص: ۱۰۷

و إِيَّاكَ و مصاحبه القاطع لرحمه، فَإِنِّي وجدته ملعوناً في كتاب الله &. اصول کافی: ۲ / ۳۷۶، والاختصاص: ۲۳۹، وتحف العقول: ۲۷۹، والبدايه والنهایه: ۱۰۵ / ۹ \$ قال (ع): يا بُنَيَّ، اصبر على النائبه & مصيبت ، \$ و لا-تعرض للحقوق، و لا-تجب أخاك إلى شيء مضرته عليك أعظم من منفعتك لك & ... البيان والتبيين: ۷۶ / ۲، العقد الفريد: ۸۸ / ۳ \$ و قال (ع): يا بُنَيَّ، ... و اعلم أنّ خير الآباء للأبناء من لم تدعه المودّه إلى التفريط فيه، و خير الأبناء للآباء من لم يدعه التقصير إلى العقوق له &. العقد الفريد: ۸۹ / ۳ \$ فرزندان ائمه همیشه از نظر دنايي، فقاہت، تقوا، فضایل اخلاقی، خدمت گزاری به جامعه، رهبری جریان های سیاسی، امر به معروف و خوبی های دیگر، برازنده و سرآمد بودند. این برای آن بود که در خانه معصوم و تحت تربیت امام معصوم قرار داشتند. سفارش امام علی (ع) به امام حسن مجتبی (ع) و سفارش دیگر امامان به فرزندان خود، دلیل بر این است که تربیت فرزند، وظیفه سنگین الهی است که بر دوش پدران گذاشته شده است و هیچ پدری نباید از تربیت فرزندان خود غفلت نماید.

آسایش اعضای خانواده

ائمه برای تأمین هزینه زندگی اعضای خانواده، کار می کردند. داستان کار کردن امام باقر (ع) در مزرعه که به زهری فرمود: کار می کنم تا خودم و اعضای خانواده ام محتاج کسی مثل تو نباشد، معروف است. لو جاءني الموت و أنا على هذه الحالة جاءني و أنا في طاعه من طاعه الله عز وجل، أكفُّ بها نفسي و عيالي عنك و عن الناس &. کافی: ۷۳-۷۴ \$.

ص: ۱۰۸

هرچند که تمام امامان معصوم، زهد و پارسایی را در زندگی شخصی یک اصل قرار داده بودند و از نظر رفاهی به حد اقل اکتفا می کردند، اما آن چنان نبود که برای زهدی که خود می بایست داشته باشند، دیگر اعضای خانواده را در مضیقه قرار دهند و زهد را بر آن ها تحمیل کنند. بلکه می کوشیدند و سایل رفاه و آسایش آن ها را نیز در حد لازم فراهم سازند. چنانکه درباره امام سجاد (ع) نقل شده:

كان الإمام زين العابدین (ع) من أرف الناس و أبرهم و أرحمهم بأهل بيته، و كان لا يتميز عليهم، و قد اثر عنه أنه قال: لئن أدخل إلى السوق و معي دراهم ابتاع بها لعيالي لحماً و قد قرموا & قرموا / اشتد شوقهم \$ أحب الي من أن أعتق نسمة &. بحار الأنوار: ۶۷ / ۴۶ عن کافی: ۱۲ / ۲ \$ عاصم بن زیاد از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) در کوفه بود. زهد پیشه نمود و انزوا اختیار کرد و لباس های ساده پوشید. برادرش ربیع بن زیاد جریان را به حضرت علی (ع) گزارش نمود و عرض کرد او با این کارش خانواده و فرزندانش را اندوهگین ساخته است. حضرت او را فراخواند. وقتی آمد حضرت از شدت ناراحتی چهره درهم کرد و فرمود:

أما استحييت من أهلك، أما رحمت ولدك؟ أترى الله أحل لك الطيبات و هو يكره أخذك منها؟ أنت أهون على الله من ذلك، أو ليس الله يقول: وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنْعَامِ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلَ ذَاتُ الْأَكْمَامِ & الرحمن ۱۰ / ۵۵ و ۱۱ ؟ \$ أو ليس يقول: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (إلى قوله): ي خُرْج مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ & الرحمن ۱۹ / ۵۵ و ۲۰ \$. فبالله لا بتدال نعم الله بالفعال & زیاد به کار گرفتن نعمت های خداوند \$ أحب إليه من ابتدالها بالمقال و قد قال الله عز وجل: وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ & الرحمن ۵۵ / ۲۲ \$. فقال عاصم يا أميرالمؤمنين فعلى ما اقتصرت فى مطعمك على الجشوبه و

ص: ۱۰۹

فی ملبسگ علی الخشوبه & غذای خشک که به سختی خورده می شود و لباس های خشن که پوشیدنش سخت است ؟ \$ فقال: ويحك إن الله تعالى فرض على أئمة العدل أن يقدرُوا أنفسهم بضعفه الناس كيلا يتبيخ & غلبه نکند \$ بالفقير فقره، فألقى عاصم بن زياد العباء و لبس الملاء &. کافی ۱ / ۴۱۰ بحار الأنوار ۴۱ / ۱۲۳. (الملايك نوع لباس \$)

انجام کارهای شخصی

کمک به اعضای خانواده در انجام کارهای منزل دربرخی موارد، یک وظیفه اخلاقی و در بسیاری موارد، وظیفه شرعی و دینی است. نخست، هر کس باید کارهای شخصی خود را خودش انجام دهد و توقع نداشته باشد که دیگران انجام دهند. بعضی افراد چنین عادت کرده اند که مرتب به اعضای خانواده دستور می دهند که کارهای شخصی او را انجام دهند و در پاره ای موارد اگر انجام ندادند، آن ها را مؤاخذه می کنند و ممکن است همراه با ضرب و شتم هم باشد. در حالی که آنان چنین وظیفه ای نداشته اند. چنین شخصی که به اعضای خانواده دستور می دهد که کارهای شخصی او را انجام دهند، در اصل دستوردادن گناه کرده اند، چه رسد به اینکه اگر انجام ندادند، آنها را مؤاخذه کنند.

و إنه (علی بن احسین (ع)) كان لا يحب أن يعينه على طهورة أحد و كان يستقي الماء لطهورة و يخمره قبل أن ينام، فإذا قام من الليل بدأ بالسواك، ثم توضأ ثم يأخذ في صلاته، و كان يقضى ما فاته من صلاة نافله النهار في الليل، و يقول: يا بني ليس هذا عليكم بواجب، و لكن أحب لمن عود منكم نفسه عادة من الخير أن يدوم عليها و كان لا يدع صلاة الليل في السفر و الحضر &. بحار الأنوار ۴۶ / ۹۸ \$.

کمک به اعضای خانواده

امامان معصوم در محیط خانه، اگر کاری را به دیگران محول می کردند و آن ها از انجام آن ناتوان بودند و یا برایشان دشوار بود، شخصا به آن ها کمک می نمودند.

فضاله عن ابن فرقد عن أبي عبدالله (ع) قال في كتاب رسول الله: إذا استعملتم ما ملكت أيمانكم في شيء فیشق عليهم فاعملوا معهم فيه، قال: و إن كان أبي ليأمرهم فيقول: كما أنتم، فيأتي فينظر فإن كان ثقیلاً قال: بسم الله ثم عمل معهم و إن كان خفیفاً تنحى عنهم &. بحارالأنوار ۴۶ / ۳۰۳.

با خدمت کاران و افراد زیردست

افرادی که به عنوان برده و یا کمک کار در خانه ائمه زندگی می کردند، پس از مدتی حاضر نبودند آن محیط را ترک کنند و جای دیگری بروند و حتی اگر آزاد می شدند باز هم نمی خواستند از محیط زندگی ائمه دور شوند. یکی از آن افراد، زید بن حارثه بود که در خانه پیامبر زندگی می کرد. وی پس از آزادی حاضر نشد از نزد پیامبر برود. گرچه بستگانش آمده بودند تا او را ببرند. وی آن چنان مورد محبت پیامبر بود که در جایگاه فرزند پیامبر قرار داشت.

علاقمندی این گونه افراد به امامان معصوم جز برای آن نبود که محیط به ظاهر کوچک خانه ائمه، برای آن ها مدرسه ای بزرگ بود. یکی از اهدافی که امامان معصوم، از خریداری بردگان و سپس آزاد سازی آن ها داشتند، همین تربیت آن ها بود. امامان معصوم، به افرادی که کمک کار خانه بودند، به عنوان فرزند خطاب می کردند و نهایت محبت را نسبت به آن ها داشتند.

ص: ۱۱۱

و قد كان له (امام سجاد (ع)) مملوك فدعاه مرتين فلم يجبه، و في الثالثة قال له الإمام برفق و لطف: يا بُنَيَّ، أما سمعت صوتي؟ قال: بلى...، فقال له (ع): لِمَ لَمْ تُجِبْنِي؟ فقال: أمنت منك، فخرج الإمام و راح يحمد الله و يقول: الحمد لله الذي جعل مملوكي يأمنني &. الإرشاد ۱۴۷/۲، و مناقب آل أبي طالب ۴/ ۱۷۱؛ تاريخ دمشق ۱۵۵/۳۶. و مراجعه شود به بحار الأنوار ۹۲/۴۶ \$

هرچند در این زمان، این سخن کاربرد ندارد اما دلیلی است برای این که در محیط خانه با افراد زیر دست چگونه باید رفتار کرد و چنان نباشد که جو ترس بر محیط خانه حاکم شود.

دخل سفيان الثوري على الصادق (ع) فرآه متغير اللون فسأله عن ذلك فقال: كنت نهيت أن يصعدوا فوق البيت، فدخلت فإذا جارية من جوارى ممن تربى بعض ولدى قد سعدت فى سلم و الصبى معها، فلما بصرت بى ارتعدت و تحيرت و سقط الصبى إلى الأرض فمات، فما تغير لوني لموت الصبى و إنما تغير لوني لما أدخلت عليها من الرعب، و كان (ع) قال لها: أنت حرة لوجه الله لا بأس عليك - مرتين &. بحار الأنوار ۲۴/۷ \$.

احترام به همه و عدم تبعیض

از مواردی که در تربیت افراد، بسیار مؤثر بود، عدم تبعیض بین افراد بود و نخست اینکه نباید تبعیض قایل شد یعنی به برخی بسیار احترام گذاشت و شخصیت برخی دیگر را تحقیر کرد و معتقد بود که با افراد زیر دست و خدمت کار نباید بر سر یک سفره نشست. این موضوع در عرف جامعه قدیم و جدید بسیار رایج است. اما ائمه (ع) با افراد زیر دست و خدمت کار چنان رفتار می کردند که آنها احساس می کردند از اعضای خانواده امام هستند و امام آنها را دوست دارد. ائمه به شخصیت آنها احترام می گذاشتند و چنان رفتار می کردند که آنان

ص: ۱۱۲

احساس نکنند امام برای خود امتیاز قایل است و یا آن‌ها را بیگانه می‌داند. این موضوع، آثار تربیتی بسیاری داشت تا جایی که بسیاری از آن‌ها دوست نداشتند از محیط خانه امام جدا شوند ..

یاسر الخادم قال: كان الرضا (ع) إذا كان خلا جمع حشمه كلهم عنده الصغير و الكبير فيحدثهم و يأنس بهم و يؤنسهم، و كان (ع) إذا جلس على المائدة لا يدع صغيرا و لا كبيرا حتى السائس و الحجام إلا أقعده معه على مائدته &. عيون أخبار الرضا ۲ / ۱۵۸، بحار الأنوار ۴۹ / ۹۰ \$ عبدالله بن الصلت عن رجل من أهل بلخ قال: كنت مع الرضا (ع) في سفره إلى خراسان فدعا يوما بمائدة له فجمع عليها موالیه من السودان و غیرهم، فقلت: جعلت فداك لو عزلت لهؤلاء مائدة فقال: مه إن الرب تبارك و تعالی واحد و الأم واحد و الأب واحد و الجزاء بالاعمال &. کافی ۴ / ۲۴؛ بحار الأنوار ۴۹ / ۱۰۰ \$

ساده زیستی

ساده زیستی در محیط خانه از دیگر شیوه‌های امامان بود.

عن أبي عباد، قال: كان جلوس الرضا (ع) في الصيف على حصير و في الشتاء على مسح و لبسه الغليظ من الثياب حتى إذا برز للناس تزين لهم &. عيون أخبار الرضا ۲ / ۱۷۹ \$

ص: ۱۱۳

خلاصه و نتیجه

تربیت از محیط خانواده آغاز می‌شود. گرچه شناخت این موضوع، برای شناخت راهکارهای عملی در زندگی امروز و نقش خانواده در شکل‌گیری جامعه امر ضروری و بنیادی است، اما روایات در این خصوص اندک است. در عین حال احترام به والدین، اهتمام به تربیت فرزندان، گسترش فرهنگ عبادت در محیط خانه، تلاش برای رفاه و آسایش اعضای خانواده، احترام به شخصیت خدمت‌کاران، کمک به اعضای خانواده و خدمت در کارهای خانه، انجام کارهای شخصی، ساده زیستی، عفو، گذشت و رفتار نیکو و صله رحم از موارد مهم سیره معصومین در خانواده بوده است.

ص: ۱۱۴

پرسش‌های این فصل

چرا باید تربیت از محیط خانواده شروع شود؟

چهار مورد از موارد مهم دعای امام سجاد (ع) درباره والدین را بیان کنید.

۴چهار مورد از سفارشات امام سجاد (ع) به فرزندش را توضیح دهید. سفارش های امام علی (ع) به امام

حسن مجتبی (ع) دلیل برچه موضوعی می شود؟

سیره ائمه در رابطه با مسایل رفاهی خانواده چه بود؟

از داستانی که سفیان ثوری درباره امام صادق (ع) نقل کرده، چه مطالبی استفاده می شود؟

امام رضا (ع) در مورد این موضوع که باید همه بر سربك سفره غذا بخوریم، به چه چیز استدلال کرد؟

ص: ۱۱۷

فصل پنجم سیره اقتصادی

پیش درآمد

اقتصاد، یکی از ارکان زندگی دنیوی است. اقتصاد، به مفهوم درآمد و مصرف در زندگی فردی و اجتماعی و رابطه دین و دولت، اخلاق و سیاست و حتی دنیا و آخرت، رابطه متقابل و تعامل دوسویه دارد. هم تأثیر می‌گذارد و هم تأثیر می‌پذیرد. به این جهت، اقتصاد در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. تکلیف‌های عبادی و تکلیف‌های اقتصادی با هم تشریع شده و کنار هم آمده‌اند. این دستور چه بسیار در قرآن تکرار و از آن یاد شده است: **أَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ**. نماز برپا دارید و زکات پرداخت کنید. اقتصاد، در زندگی معصومین (ع)، یکی از ابزارهای عبادت، تربیت و خدمت به مردم بود. ائمه، به دلیل این اقدام‌ها، بسیار ستوده شده و به عنوان اوصاف برازنده آنها یاد شده است.

مبانی کلی

مبانی سیره اقتصادی امامان، امور ذیل می‌باشد که به عنوان روح کلی بر تمام روابط اقتصادی و جریان‌های زندگی امامان جاری بوده و در تمام موارد به وضوح مشاهده می‌شود.

۱- زندگی مادی هدف نیست. اقتصاد باید وسیله زندگی و عبادت خداوند باشد.

ص: ۱۱۸

۲- همه معصومین، بدون استثناء زندگی زاهدانه داشته‌اند. زهد و پارسایی از دستوره‌های اکید خداوند به ائمه بود که باید آن را در زندگی شخصی رعایت می‌کردند. زهد به مفهوم ناداری نیست، بلکه نفی رفاه طلبی، خوش گذرانی و پرداختن به لذت‌های دنیوی است.

۳- تمام معصومین در عین حال که زندگی زاهدانه داشتند، از نظر اقتصادی نیز در مضیقه نبودند.

۴- رسیدگی به امور مردم و حل مشکل اقتصادی دیگران، یکی از اوصاف برجسته امامان بود. در این خصوص، تفاوتی بین دوست و دشمن و حتی مسلمان و کافر قایل نبودند. این اقدام را به عنوان یکی از وظایف امامت و رهبری جامعه و خدمت به انسان‌ها انجام می‌دادند.

۵- خدمت‌های اقتصادی خود را به نیازمندان هیچ گاه بامنت و تحقیر شخصیت آن‌ها توأم نمی‌کردند و با افراد نیازمند با احترام رفتار می‌نمودند.

۶- در برابر انفاق‌های خود، هیچ گونه انتظار و توقع دنیوی نداشتند. چنین نبود که انتظار داشته باشند تا آن‌ها نیز از ائمه پیروی کنند، به دفاع پردازند، یا متقابلاً جبران کنند.

۷- در موارد بسیاری می‌کوشیدند که شناخته نشوند تا کسانی که از انفاق‌های مالی برخوردار می‌شوند، ندانند که چه کسی به آن‌ها انفاق کرده است. این بود که پس از رحلت آن امام می‌فهمیدند شخصی که شبانگاه آرد و نان به درِ خانه‌هاشان می‌آورده، امام بوده است.

۸- هیچ امامی نزد هیچ ثروتمند یا خلیفه و حاکم و حکومتیان، اظهار نیازمندی نکرد و از هیچ کس چه برای زندگی شخصی خود و چه برای نیازمندان درخواست کمک نکرد. اگر در مواردی از آن‌ها پول گرفته است، به عنوان ولی امر الهی بوده که تصرف در بیت المال حق آسمانی آن‌ها بوده است.

ص: ۱۱۹

۹- معصومین به ساختمان سازی پرداختند. هیچ بنایی به عنوان موقوفه، عام المنفعه، مدرسه و غیره به نام ائمه ثبت نشده است. اما حفرقات، احداث باغ و مزرعه، خرید نخلستان و وقف آن و ... بسیار گزارش شده است.

۱۰- کاردرمزرعه، نخلستان و کشاورزی توسط معصومین بسیارنقل شده است. امامانی که درمدینه می زیستند، هر کدام باغ و ملک شخصی داشتند که خودنیز در آن کار می کردند و نیازهای شخصی خود و خانواده را از این طریق تأمین می کردند.

۱۱- کارو فعالیت های اقتصادی را به منزله عبادت و انجام وظیفه دینی می دانستند. در نتیجه، آن فعالیت ها، لحظه ای امامان را از یاد خدا غافل ن ساخت و هیچ کاستی در نماز و عبادت های شبانه ایشان ایجاد نکرد.

۱۲- در برخی موارد که لازم بود، تمام نیاز مالی نیازمندان را برطرف می کردند. مثلاً اگر دین کسی را پرداخت می کردند، مازاد بردین نیز چیزی برای زندگی او می بخشیدند. اگر راه مانده ای چیزی می خواست، آن مقدار می بخشیدند که تمام نیازهای سفر او را تا رسیدن به موطن و منزلش تأمین کنند.

۱۳- در موارد بسیاری معصومین (ع)، نیازمندان را شناسایی می کردند و به سراغ آنها می رفتند تا نیازهایشان را برطرف کنند.

۱۴- به دیگران به ویژه پیروان خود نیز دستور می دادند که انفاق کنند.

۱۵- ثروتمندی و انفاق را وسیله برتری خود بر دیگران نمی دانستند.

۱۶- چنین برمی آید که به دنبال بهانه ای بودند تا به دیگران کمک کنند. از این رو با کمترین تقاضای دیگران و بدون مناسبت خاصی انفاق می کردند.

اینها مواردی از سیره اقتصادی بود که در زندگی تمام امامان جریان داشت.

اما سیره امامان در برابر جریان های اقتصادی حاکم بر جامعه و پدید آمده از سوی سلاطین و اسراف و تبذیر حکومتیان، درباریان و ثروتمندان و حیف و میل بیت المال و بذل و بخشش های ظالمانه که توسط حکومت انجام می شد، کم و بیش

ص: ۱۲۰

ناشناخته ماند. اما اندکی از آن در دوران حکومت امام علی (ع) و در فلسفه قیام امام حسین (ع) ظاهر شد. با مطالعه این دو جریان برداشت می شود که ائمه (ع) در خصوص تقسیم و مصرف بیت المال چه شیوه‌ای داشته اند.

در مجموع، سیره اقتصادی ائمه را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

سیره حکومتی یا نظام اقتصادی

اشاره

نظام اقتصادی اسلام را می توان از آیات قرآن، روایات معصومین، سیره عملی رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به خوبی شناخت. در کتاب های فقهی نیز در این خصوص بحث شده است. تردیدی نیست که اگر نظام حاکم بر جامعه در اختیار افراد صالح و شایسته باشد، نظام اقتصادی نیز سامان می یابد و از منابع طبیعی، ذخیره های زیرزمینی و درآمدهای دیگر به صورت بایسته استفاده می شود. به ویژه اگر آن شخص پیامبر یا امام معصوم باشد. در سیره امام علی (ع) این موارد مورد توجه بوده است:

۱- بهره‌وری بیشتر از منابع اقتصادی و احیای ذخایر طبیعی

إن الإمامه أس الاسلام النامي & بلندمرتبه و پرثمر ، \$ و فرعه السامی & علا و ارتفع ، \$ بالإمام تمام الصلاه و الزكاه و الصيام و الحج و الجهاد، و توفير الفیء و الصدقات & ... کافی ۱ / ۲۰۰ \$ أيها الناس ... فأما حقكم على فالنصيحه لكم، و توفير فيئكم & ... نهج البلاغه خطبه ۳۴؛ شرح نهج البلاغه ۲ / ۱۹۰ ۱۸۹ \$.

۲- عمارت و آبادانی زمین

درباره عمارت و آبادانی زمین، روایات بسیار رسیده است. از جمله:

ص: ۱۲۱

امام علی (ع) به مالک اشتر چنین دستور داد:

و تفقد أمر الخراج بما يصلح أهله فإن فی صلاحه و صلاحهم صلاحاً لمن سواهم، و لا صلاح لمن سواهم إلا- بهم لأن الناس كلهم عيال على الخراج و أهله. و لیکن نظرگ فی عماره الأرض أبلغ من نظرگ فی استجلاب الخراج لأن ذلك لا یدرگ إلا بالعماره. و من طلب الخراج بغير عماره أخرج البلاد و أهلك العباد، و لم یستقم أمره إلا قليلاً، فإن شكوا ثقلاً أو عله أو انقطاع شرب أو باله أو إحاله أرض اغتمرها غرق أو أجحف بها عطش خففت عنهم بما ترجو أن یصلح به أمرهم. و لا یثقلن علیگ شیء خففت به المؤمنه عنهم، فإنه ذخر یعودون به علیگ فی عماره بلادگ و تزیین ولایتگ، مع استجلابگ حسن ثنائهم و تبجحگ باستفاضه العدل فیهم & افتخار است برای شما که عدالت را گسترش دادید. \$. فإن العمران محتمل ما حملته، و إنما یؤتی خراب الأرض من إعواز & وضعیت نابسامان مردم \$ أهلها و إنما یعوز أهلها لإشراف أنفس الولاه على الجمع، و سوء ظنهم بالبقاء، و قله انتفاعهم بالعبر & . نهج البلاغه نامه / ۵۳ \$ این مطالب کلی از این فراز، استفاده می شود:

گرفتن مالیات، باید سبب اصلاح امور مادی و معنوی مالیات دهندگان و مردم گردد. امور مردم، زمانی سامان خواهد یافت که امور مالیات دهندگان اصلاح شده باشد.

تلاش برای آبادانی زمین باید بیش از تلاش برای جمع آوری ثروت و مالیات باشد.

هر حکومتی اگر بخواهد مالیات را بدون عمران و آبادانی به دست آورد، دوام نمی آورد.

ص: ۱۲۲

تدرشراطی که مردم، دچار بحران اقتصادی شده اند و یا بلایای طبیعی، کشاورزی را دچار کاستی و آفت کرده است، باید مالیات را تخفیف داد. تخفیف مالیات، ذخیره ای است که سبب آبادانی زمین و حمایت مردم خواهد شد.

عمران، قدرت پرداخت مردم را بیشتر خواهد کرد.

خرابی زمین و ناداری مردم، جز آن نیست که در پی آزمندی حاکمان پدید می آید.

۳- عدم انباشتن بیت المال بدون برنامه‌ریزی

یکی از موضوعاتی که در سیره اقتصادی امام علی (ع) مشاهده می شود، عدم انباشتن بیت المال است. اگر اموالی از جایی می رسید و مردم هم نیازمند بودند آن را در اسرع وقت تقسیم می کرد.

کان (ع) إذا أتى بالمال أدخله بیت مال المسلمین، ثم جمع المستحقین، ثم ضرب یده فی المال فنثره یمنه و یسره و هو یقول: یا صفراء یا بیضاء لا-تغرینی، غری غیری ... ثم لا-یخرج حتی یفرق ما فی بیت مال المسلمین و یؤتی کل ذی حق حقه ثم یأمر أن یکنس و یرش، ثم یصلی فیه رکعتین، ثم یطلق الدنیا ثلاثا یقول بعد التسلیم: یا دنیا لا-تعرضین لی و لا-تشوقین (إلی) و لا-تغرینی، فقد طلقتك ثلاثا لا رجعه لی علیک &. أمالی الصدوق / ۱۷۰؛ بحار الأنوار ۴۱ / ۱۰۳؛ العقد الفرید ۵ / ۶۲ (یُقَسَم بیت المال فی کل جمعه حتی لا یبقی منه شیئاً)؛ شرح نهج البلاغه ۲ / ۱۹۹ (یکنس بیت المال کل جمعه، ویصلی فیه رکعتین، ویقول: لیشهد لی یوم القیامه)، و مرا جعه شود به: أمالی الشیخ / ۲۵۷ و ۲۵۸؛ بحار الأنوار ۴۱ / ۱۰۷ \$

۴- رسیدگی به امور نیازمندان

حضرت علی (ع) زمانی که در کوفه بود، شخصا به امور نیازمندان رسیدگی می کرد و به در خانه های آنها مواد غذایی مورد نیاز را می برد.

ص: ۱۲۳

حبيب بن أبی ثابت قال: جاء إلى أمير المؤمنين (ع) عسل و تين من همدان و حلوان، فأمر العرفاء & افرادی که مردم را می‌شناسند \$ أن يأتوا باليتامى، فأمكنهم من رؤوس الأزقاق & مشک \$ يلعقونها، و هو يقسمها للناس قدحا قدحا، فقيل له: يا أمير المؤمنين ما لهم يلعقونها؟ فقال: إن الإمام أبو اليتامى، و إنما ألعقتهم هذا برعايه الآباء & فروع کافی ۴ / ۳۱ و ۳۲؛ بحار الأنوار ۴۱ / ۱۲۳ \$

۵- واگذاری مسئولیت‌ها به افراد مورد اعتماد

اشاره

استانداران را از افراد امین و مورد اعتماد انتخاب کرد. از برخی که اندک خطایی مشاهده کرد، تذکر داد. نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف معروف است و به آنها نیز دستور داد که کارگزاران و مشاوران را از افرادی امین و خدمت گزار انتخاب کنند و لیاقت‌های معنوی را در واگذاری مسئولیت‌ها مورد توجه قرار دهند. نامه امام علی (ع) به مالک اشتر در این خصوص است.

ثم انظر في أمور عمالك فاستعملهم اختاراً & آزمودن ، \$ و لا تولهم محاباه و أثره & با رابطه و علاقه شخصی ... \$ و توخ & جستجو و شناسایی کن \$ منهم أهل التجربة و الحياء من أهل البيوتات الصالحة و القدم في الاسلام المتقدمه، فإنهم أكرم أخلاقاً، و أصح أعراضاً، و أقل في المطامع إشرافاً & طمع ورزی شان کمتر است ، \$ و أبلغ في عواقب الأمور نظراً ... ثم تفقد & بررسی کن و زیر نظر داشته باش \$ أعمالهم، و ابعث العيون من أهل الصدق و الوفاء عليهم، فإن تعاهدك في السر لأموهم حدودهم لهم & آنها را وادار خواهد کرد \$. علی استعمال الأمانة و الرفق بالرعيه (& ... ۱۰) ۱۰ . نهج البلاغه نامه / ۵۳ \$.

ص: ۱۲۴

ضابطه واگذاری مسئولیت

کارگزاران نباید بر اساس رابطه و علاقه شخصی انتخاب شوند. نخست باید آزمود که توان انجام مسئولیت را دارند یا خیر. حسن سابقه و فضایل اخلاقی و پای بندی به اسلام را ملاک قرارداد. بازرسان مخفی و امین بر آنها گماشت. (نظارت کامل) بازرسی مخفی سبب می شود که کارشان را درست انجام دهند.

۶- صرفه جویی در بیت المال

بدیهی است که اصراف در اموال شخصی گناه است، چه رسد به اموال دولتی. از آنجا که حقوق همه مردم به بیت المال تعلق گرفته، اگر تلف شود و جبران نگردد، گناهی سنگین است. در اسلام بر این موضوع بسیار تأکید شده است.

جعفر بن محمد (ع) أنه ذکر عن آبائه (ع) أن أمير المؤمنين (ع) كتب إلى عماله: أدقوا أقلامكم، و قاربوا بين سطوركم، و احذفوا عنی فضولکم، و اقصدوا قصد المعانی، و إياکم و الإكثار، فإن أموال المسلمين لا تحتمل الاضرار & خصال ۱ / ۱۴۹؛ بحار الأنوار ۴۱ / ۱۰۵\$. این موضوعات یعنی: بهره وری بیشتر از درآمدها، واگذاری مسئولیت ها به افراد امین و کاردان، اصلاح ساختار اقتصادی گذشته، صرفه جویی در مصرف بیت المال، مساوات و برابری همگان در استفاده و بهره مندی از بیت المال، بنیان و اساس اصلاح اقتصادی هر حکومت است.

۷- زهد و پارسایی

زهد و پارسایی از شرایط پیشوایی جامعه است که خداوند آنها را برای پیا مبران وائمه واجب کرده است. زهد گرچه از فضائل اخلاقی است، اما بر کسی که پیشوایی معنوی جامعه را بر عهده دارد، واجب می باشد. زهد و قناعت امام علی (ع) و اکتفا به دو جامه کهنه و نان بدون خورشت به همین جهت بود.

ص: ۱۲۵

و من کتاب له (ع) إلى عثمان بن حنيف: ألا و أن إمامكم قد اكتفى من دنياه بطمريه & دو جامه كهنه ، \$ و من طعمه بقرصيه ... ما كنت من دنياكم تبرأ & طلا ونقره ، \$ و لادخرت من غنائمها وفرا، و لأعددت لبالي ثوبي طمرا & جامه دیگر بر آن دو جامه نیفزودم ، \$ و لاحزت من أرضها شبرا، و لأخذت منه إلا كقوت أتان دبره، و لهی فی عینی أوهی من عفصه مقره &. دانه آفت زده و تلخ بلوط \$ لو شئت لاهتدیت الطريق إلى مصفی هذا العسل و لباب هذا القمح و نسائج هذا القز و لكن هیئات أن یغلبنی هوای و یقودنی جشعی إلى تخیر الأطحمه - و لعل بالحجاز أو بالیمامه من لا طمع له فی القرص و لا عهد له بالشبع - أو أیت مبطانا و حولی بطون غرثی و أكباد حری أو أكون كما قال القائل:

و حسبك عارا أن تبت ببطنه و حولك أكباد تحن إلى القد

أقنع من نفسی بأن یقال: هذا أمیر المؤمنین و لأشارکهم فی مکاره الدهر أو أكون أسوه لهم فی جشوبه العیش! فما خلقت لی شغلنی أكل الطیبات کالبهیمة المربوطه. همها علفها أو المرسله. شغلها تقممها تكثر من أعلافها و تلهو عما یراد بها أو أترک سدی أو أهمل عابثا أو أجر حبل الضلاله أو أعتسف طریق المتاهه! & نهج البلاغه نامه / ۴۵ \$ رسول خدا (ص) امام علی را چنین توصیف کرده است:

أن النبی (ص) قال: یا علی إن الله قد زینک بزینة لم یزین العباد بزینة أحب إلى الله منها، هی زینة الأبرار عند الله تعالی، الزهد فی الدنیا فجعلک لاترز أمن الدنیا شیئا و لاترزأ & دنیا هدف شما قرار نمی گیرد و دنیانیز نمی تواند کاستی در ارز شهای معنوی شما ایجاد کند \$ منگ الدنیا شیئا &. بحار الأنوار - ۴۰ / ۳۳۴ \$

ص: ۱۲۶

هارون بن عترة: حدثني أبي قال: دخلت على علي بن أبي طالب (ع) بالخورنق و هو يرعد تحت سمل قطيفه & رو پوش كهنه ، \$فقلت: يا أمير المؤمنين إن الله تعالى قد جعل لك و لأهل بيتك في هذا المال ما يعم، و أنت تصنع بنفسك ما تصنع؟ فقال: و الله ما أرزأكم من أموالكم شيئا، و إن هذا لقطيفتي التي خرجت بها من منزلي من المدينة، ما عندي غيرها &. بحار الأنوار - ۴۰ / ۳۳۴ \$ و قال معاوية لضرار بن ضمرة: صف لي عليا، قال: كان و الله صواما بالنهار قواما بالليل، يحب من اللباس أخشنة & درشت ، \$ و من الطعام أجشبهه. & خشك \$ او را در یکی از شبها در محراب دیدم که اشکش جاری بود و دنیا را مخاطب قرار داد و فرمود: یا دنیا ابی تشوقت و لی تعرضت؟ لا- حان حینک، فقد أبتک & طلاق دادم \$ ثلاثا لا رجعه لی فیک، فعیشک قصیر و خطرک یسیر، آه من قله الزاد و بعد السفر و وحشه الطريق &. بحار الأنوار ۴۰ / ۳۲۹؛ مناقب آل ابی طالب ۱ / ۳۰۹ \$ سوید بن غفله قال: دخلت على علي بن أبي طالب (ع) العصر فوجدته جالسا بين يديه صحيفة فيها لبن حازر & ترش ، \$ أجد ريحه من شده؟ حموضته؟، وفي يده رغيف أرى قشار الشعير في وجهه، و هو يكسر بيده أحيانا، فإذا غلبه كسره بر كفته و طرحه فيه ... قال فقلت لجاريتته و هي قائمه بقريب منه: ويحك يا فضه ألا تتقين الله في هذا الشيخ؟ ألا تنخلون له طعاما مما أرى فيه من النخاله & خورشت و سرکه ؟ \$ فقالت: لقد تقدم إلينا أن لا ننخل له طعاما &. بحار الأنوار ۴۰ / ۳۳۱؛ كشف الغمه:

\$ ۴۷

ص: ۱۲۷

قال أمير المؤمنين (ع): إن الله جعلني إماماً لخلقهِ، ففرض على التقدير في نفسي و مطعمي و مشربي و ملبسي كضعفاء الناس، كي يقتدى الفقير بفقرى و لا يطغى الغنى غناه &. کافی ۱/ ۴۱۰؛ بحار الأنوار ۴۰/ ۳۳۶. ابن ابی الحديد: من حيث أردنا أن نبين أن أمير المؤمنين (ع) لم يكن يذهب في خلافته مذهب الملوك الذين يصنعون بالأموال و يصرفونها في مصالح ملكهم و ملاذ أنفسهم، وأنه لم يكن من أهل الدنيا، وإنما كان رجلاً متألهاً صاحب حق، لا يريد بالله و رسوله بدلاً. شرح نهج البلاغه ۲/ ۲۰۲-۲۰۳ \$

دیگر امامان نیز همین گونه بودند:

و كان (الحسن بن علي (ع)) من أزهد الناس في الدنيا و لذاتها، عارفاً بغرورها و آفاتها، و كثيراً ما كان (ع) يتمثل بهذا البيت:

يا أهل لذات دنیا لا بقاء لها إن المقام & ساکن شدن در سایه ناپایدار از حماقت است \$ بطل زائل حمق & الفصول المهمة - ۱۵۵ \$ همه برای این بود که نخست وظیفه و مسؤولیت الهی را که خداوند بردوش آنها نهاده بود، انجام دهند و دوم برای توجه دادن جامعه به امر آخرت بود که دنیا و خوش گذرانی آن را هدف قرار ندهند و از آخرت باز نمانند.

۸- برابری در تقسیم بیت‌المال

یعنی؛ همه باید به صورت مساوی و برابر از بیت المال بهره‌مند شوند. امام علی (ع) بیت المال را به طور مساوی بین افراد تقسیم می‌کرد و در این خصوص چنین فرمود:

ألا و أيما رجل أستجاب لله و للرسول فصَدَّقَ ملَّتْنا و دَخَلَ في دیننا و استقبل قبلتنا: فقد استوجب حقوق الإسلام و حدوده، فأنتم عباد الله، و المال مال الله، يُقسَمُ بینکم بالسویة، لا فضل فيه لأحد علی أحد، و للمتقين عند الله غداً أحسن الجزاء و أفضل الثواب &. الخصال ۱۳: ۲؛ بحار الانوار ۳۲/ ۱۷ \$

ص: ۱۲۸

در برابر تقاضای برخی از افراد که می‌خواستند آن حضرت، امتیازی برای آن‌ها قایل شود و سهم بیشتری از بیت‌المال به آنها بدهد، چنین فرمود:

ابو اسحاق همدانی گوید: دو زن که یکی عرب و دیگری عجم بود، نزد علی آمدند. آن حضرت از بیت‌المال به هر دو مثل هم داد. زن عرب اعتراض کرد. امام فرمود: من در بیت‌المال برتری برای عرب بر اولاد اسحاق نمی‌بینم &. شرح نهج البلاغه ۲ / ۲۰۰\$ معاویه از این عدالت غیرانعطاف پذیر حضرت علی (ع) سودبرد و بیت‌المال را بیشتر در اختیار کسانی قرارداد که رئیس قبیله بودند و موقعیت اجتماعی داشتند و می‌توانستند برای رسیدن او به حکومت، مؤثر واقع شوند. معاویه این اقدام را به صورت گسترده انجام داد، تا جایی که اخبار آن در قلمرو حکومت حضرت علی (ع) پیچید و افرادی نیز از عدالت حضرت علی (ع) گریختند و به ظلم معاویه پیوستند تا از این تباهی معنوی او سود دنیوی ببرند. افرادی به عنوان خیرخواهی به حضرت علی (ع) پیشنهاد کردند که او هم چون معاویه به این گونه افراد، اموالی ببخشد تا از عدالت نگریزند. حضرت علی (ع) می‌دانست که اگر این کار را انجام دهد، افرادی دور او جمع خواهند شد. امام پاسخ داد:

أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ؟ لَا وَاللَّهِ مَا أَفْعَلُ مَا طَلَعَتْ شَمْسُ وَ لَاحَ & ظَهَرَ \$ فِي السَّمَاءِ نَجْمٌ، وَاللَّهُ لَوْ كَانَ مَالَهُمْ لِي لَوَاسِيتَ بَيْنَهُمْ، وَكَيْفَ وَ إِنَّمَا هُوَ أَمْوَالُهُمْ &، أَمْالِي الْمَفِيدُ / ۱۰۴ و ۱۰۵. أَمْالِي الطُّوسِي / ۱۲۱ و ۱۲۲؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ ۴۱/۸۰۱ \$ ۹۰۱. برابری در تقسیم بیت‌المال و یزگی ای است که در حضرت علی (ع) منحصر بود.

عبایه بن ربیع قال: قال علی بن ابی طالب (ع): أَحَاجُ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِسَبْعٍ: إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ، وَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ الْقِسْمُ بِالسُّوْيَةِ، وَ الْعَدْلُ فِي الرِّعْيَةِ، وَ إِقَامُ الْحُدُودِ &. بَحَارُ الْأَنْوَارِ ۴۱/۶۰۱ \$

ص: ۱۲۹

رسول خدا (ص) نیز عدالت در تقسیم بیت المال را به عنوان یکی از ویژگی‌های حضرت علی (ع) را بیان فرمود & حلیه الاولیاء ۱/ ۳۴) قال النبی (ص): یا علی أخصمک بالنبوه ولا نبوه بعدی، وتخصم الناس بسبع ولا یحاجک فیها أحد من قریش، أنت أولهم إیماناً بالله، وأوفاهم بعهد الله، وأقومهم بأمر الله، وأقسمهم بالسویه، وأعدلهم فی الرعیه، وأبصرهم بالقضیه، وأعظمهم عند الله مزیه (\$) مساوات و برابری به معنای تقسیم بیت المال بین شهروندان نیست، بلکه مصرف آن در امور عام المنفعه، مصداق دیگر مساوات و برابری است.

۹- برگرداندن اموالی که به ناحق در اختیار افراد قرار گرفته

عمر بن خطاب در دوران حکومت خود بیت‌المال را برحسب جایگاه اجتماعی، وابستگی قبیله‌ای و پیشینه آن‌ها در اسلام تقسیم کرد & تاریخ طبری ۳/ ۲۹۲\$ تا جایی که برخی ادعا کرده‌اند که او از این کارش در آخر عمر پشیمان شده بود & شرح نهج البلاغه ۹/ ۲۹\$ این شیوه او در زمان عثمان، شدت بیشتری یافت. بنی امیه را بردیگران ترجیح داد. در نتیجه سیاست‌های اقتصادی این دو خلیفه اموال هنگفتی نزد برخی جمع شد و یک طبقه ممتاز اقتصادی پدید آمدند و بیشتر آن‌ها، بنی امیه و افرادی از قریش بودند. تا جایی که خزانه دارش نیز اعتراض کرد و روز جمعه کلید خزانه را به عنوان اعتراض تحویل داد و گفت من خزانه دار بیت المال هستم نه خزانه دار عثمان & الطبقات لابن سعد ۵/ ۳۸۸، و تاریخ یعقوبی ۲/ ۱۵۳، و أنساب الأشراف ۵/ ۵۸، والمعارف لابن قتیبه ۸۴، و شیخ المضيره أبو هريره ۱۶۹، والغدير ۸/ ۲۷۶\$. امام علی (ع) پس از رسیدن به حکومت، در موضوع اصلاح اقتصادی، دو راه درپیش داشت که باید یکی را انتخاب و اجرا می‌کرد.

الف: عدم برخورد با آن‌ها در حالی که ثروت عظیمی که متعلق به بیت المال بود، در اختیار داشتند. سکوت وعدم برخورد با آن‌ها به مفهوم تأیید اقدام‌های

ص: ۱۳۰

عثمان بود و همچنین اقدام‌های دو خلیفه پیشین با تأیید امام به عنوان حکم خدا شناخته می‌شد. بخشی از اعتراض‌های مردم به عثمان نیز که به برکناری و مرگ او منجر شد، نتیجه همین سیاست‌های غیرعادلانه او در تقسیم بیت‌المال بود.

ب: برخورد با کسانی که اموالی از بیت‌المال در اختیار آنهاست. یعنی مصادره آن اموال و بازگرداندن به بیت‌المال. از آن جا که حضرت علی (ع) آن سیاست‌ها را ظالمانه می‌دانست، ضروری بود که آن‌ها را تأیید نکند. او پیشوای آسمانی بود و ستمگری هرچند کوچک، در قلمرو اندیشه و عمل او راه نداشت. در نتیجه راه دوم متعین بود. امام در این خصوص چنین فرمود:

فقال (ع): أَلَا إِنَّ كُلَّ قِطْعَةٍ & زَمِينِي كَهَاكِمَانَ بِهِ أَفْرَادَ بِهِ خُصُوصِي وَأَا كَذَارَ مِي كَرَدَنَدَ \$ أَقْطَعُهَا عُثْمَانَ وَ كُلَّ مَالٍ أُعْطَاهُ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَهُوَ مُرْدُودٌ فِي بَيْتِ الْمَالِ، فَإِنَّ الْحَقَّ لَا يَبْطُلُهُ شَيْءٌ، وَ لَوْ وَجَدْتَهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءُ وَ مُلْكُهُ بِهِ الْإِمَاءُ وَ فَرَّقَ فِي الْبُلْدَانِ لَرَدَدْتَهُ، فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مِنْ ضَاقٍ عَلَيْهِ الْعَدْلُ، فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضِيقُ. & نهج البلاغه: الخطبه: ۱۱۵. بحار الانوار ۴۱/ ۱۱۶ \$

امام علی (ع) در پاسخ برخی که تنها به این جهت که از قریش بودند و با رسول خدا (ص) قرابت داشتند، توقع سهم بیشتری داشتند، فرمود:

عن أبي الهيثم بن الیهان و عبدالله بن أبي رافع أن طلحه و الزبير جاءا إلى أمير المؤمنين (ع) و قالَا: لیس كذلك. کان یعطینا عمر. قال: فما کان یعطیکما رسول الله (ص) فسکتا. قال: ألیس کان رسول الله یقسم بالسویه بین المسلمین؟ قالَا: نعم. قال: فسنه رسول الله أولى بالاتباع عندکم أم سنه عمر؟ قالَا: سنه رسول الله. یا أمیر المؤمنین لنا سابقه و عناء & سختی و دشواری که برای اسلام دیده ایم \$ و قرابه. قال: سابقتکما أسبق أم سابقتی؟ قالَا: لا، فقرابتنا من النبی (ص)! قال (ع): أقرب من قرابتی؟ قالَا: لا، فجهاDNA،

ص: ۱۳۱

قال (ع): أعظم من جهادی؟ قال: لا، قال (ع): فوالله ما أنا فی هذا المال و أجیری إلّا بمنزله واحد &. بحار الأنوار ۱۱۶/۴۱ \$

هدف دین و دولت از سازمان اقتصادی، رفع نیازمندی همگان و استفاده عادلانه و بهینه از اموال ملی است تا آنجا که کسی مشکل اقتصادی نداشته باشد. این هدف با اجرای اصول فوق تحقق می یابد. اجرای این اصول، مستلزم شناسایی توانمندی ها، نیازها و برنامه ریزی است و در نتیجه، سازمان اقتصادی در روند صحیح و عادلانه و منطقی قرار می گیرد.

اگر ائمه معصومین (ع) به حکومت می رسیدند، اصول فوق را که در رأس برنامه های اقتصادی حضرت علی (ع) قرار داشت، اجرا می کردند. چنان که در فلسفه قیام امام حسین (ع) و نامه مردم کوفه به آن حضرت، به این موضوع اشاره شده است.

أما بعد، فالحمد لله الذی قصم عدوَّك الجبار العنید، الذی انتزى & بر امت چیره شد \$ علی هذه الامه فابتزها أمرها & امور مردم را به زور به دست گرفت \$ و غصبها فیئها، و تأمر علیها بغير رضی منها، ثم قتل خيارها و استبقى شرارها، و جعل مال الله دُولَه بین جبارتها و أغنيائها، فبعداً له كما بعدت ثمود، إنَّه لیس علینا إمام غیرك، فأقبل لعلَّ الله أن یجمعنا بك على الحق &. الإرشاد ۳۸/۲، روضه الواعظین / ۱۷۱، تذکره الخواص / ۲۱۳، تاریخ الطبری ۴/ ۲۶۲، الفتوح لابن أعثم ۵/ ۳۳، مقتل الحسین ۱/ ۱۹۵ \$.

یکی از مفااسدی که در حکومت بنی امیه گسترش یافت، مفااسد اقتصادی بود: یعنی تبعیض در بهره مندی از بیت المال. چنان که معاویه به افرادی جایزه سنگین می بخشید. حتات عم فرزدد و أحنف بن قیس و جاریه بن قدامه السعدی نزد او رفتند. به احنف و جاریه هر کدام یکصد هزار درهم داد و به حتات عم فرزدد هفتاد هزار درهم داد. وقتی وی متوجه شد که به او کم داده است، خشمگین شد

ص: ۱۳۲

وگفت: چرا به من کم داده ای؟ معاویه پاسخ داد دین آنها را با آن مقدار خریدم اما شما را به دینت واگذار کردم. حتات گفت پس دین مرا نیز بخر. معاویه دستور داد به او نیز مثل بقیه بدهند &. تاریخ دمشق ۱۰/ ۲۷۷؛ مختصر تاریخ دمشق ۲/ ۱۹۰\$ با آنکه معاویه به برخی افراد که از حکومت او حمایت می کردند، اموال بسیار می بخشید، ولی مردم مدینه را از بیت المال محروم کرد تا آنها مجبور شوند زمین های خود را به قیمت بسیار اندک به او بفروشند &. حياه الامام الحسن (ع ۲/ ۱۲۳\$

در عراق نیز وضع چنین بود. چنان که مردم کوفه را نیز از بیت المال محروم کرد. این دستور برای آن بود که معاویه بامردم مدینه دشمنی دیرینه داشت و در کوفه نیز طرفداران حضرت علی (ع) می زیستند. آثارشوم این سیاست اقتصادی ظهور فقر و ناداری بود &. حياه الإمام الحسين (عليه السلام): ۲/ ۱۲۵\$ امام حسین (ع) اصلاح این وضع اقتصادی را یکی از اهداف قیام خود معرفی کرد.

سیره اقتصادی در روابط اجتماعی

اتفاق

اشاره

امامان معصوم، رسیدگی به نیازمندان را یکی از وظایف اصلی خود می دانستند. تفاوتی نبود که حکومت را در اختیار داشته باشند یا خیر. برخی از موارد رسیدگی به نیازمندان چنین بود:

امام حسن (ع)

ابن نجیح، أن الحسن بن علی حج ماشياً و قسم ماله نصفين &. حليه الاولياء ۲/ ۳۷\$.

ص: ۱۳۳

در روایت دیگر: و قاسم الله تعالى ماله ثلاث مرات؛ حتى أن كان ليعطى نعلًا يمسك نعلًا، و يعطى خفًا و يمسك خفًا &. البدايه ۸/ ۳۷، تهذيب ابن عساكر ۴/ ۲۱۶، ۲۱۷، سیر اعلام النبلاء ۳/ ۲۶۰؛ صفه الصفوه ۱/ ۱۶۸؛ كشف الغمه ۲/ ۱۹۳؛ صفه الصفوه ۱/ ۳۸۵ / ۱۲۰. شرح نهج البلاغه: ۱۶/ ۱۰ (روی محمد بن حبيب في أماليه أن الحسن (ع) حج خمس عشره حجه ماشيا تقاد الجنائب معه، وخرج من ماله)؛ بحار الأنوار ۴۳/ ۳۵۷۳۵۸ \$ أبو الحسن مدائني گوید: حسن و حسین و عبد الله بن جعفر (ع) به حج می رفتند. اموالشان از بین رفت. گرسنه و تشنه شدند. به چادری رسیدند و پیرزنی آن جا بود. ازوی نوشیدنی خواستند. او به گوسفندی که کنار چادر بود، اشاره کرد که اگر شیر دارد، بدوشند. از شیر آن نوشیدند و سپس غذا خواستند. پاسخ داد چیزی جز همان گوسفند نیست و می توانند آن را ذبح کنند. آن گوسفند را ذبح کردند. پس از صرف غذا به آن زن گفتند ما از قریش هستیم، هر وقت به منزل برگشتیم، نزد ما بیایید، نیکی خواهیم کرد. شوهر آن زن آمد. وی جریان را گفت. او آن زن را سرزنش کرد که گوسفند را ذبح کردند و گفتند از قریش هستند.

روزگار گذشت تا آن زن و شوهر از ناداری به مدینه رفتند. گذر آن زن به خانه امام حسن افتاد. آن حضرت، او را شناخت و به او هزار گوسفند و هزار دینار بخشید. همین مقدار نیز امام حسین (ع) داد و عبدالله بن جعفر نیز دو هزار گوسفند و دو هزار دینار بخشید &. مطالب السؤل ۳۴۵؛ (حياه الإمام الحسن)، كشف الغمه ۱/ ۵۵۸، المناقب لابن شهر آشوب ۳/ ۱۸۲، البحار: ۴۳/ ۳۴۷؛ عوالم العلوم ۹/ ۱۱۴؛ احیاء علوم الدین ۳/ ۳۶۴، الفصول المهمه ۱۵۷؛ ربیع الأبرار ۱/ ۳۸۶ (مشابه این داستان را آورده است)، احیاء علوم الدین ۳/ ۳۶۶. الفصول المهمه ۲/ ۷۰۸. ممکن است در این مقدار بخشش تردید شود که اغراق آمیز است. باید گفت نخست این داستان را اهل سنت نقل کرده اند که امامت ائمه را قبول ندارند و می تواند دلیلی باشد بر اینکه واقعیت داشته است. در ثانی بر فرض اغراق باشد به یقین اموال بسیار به آن زن بخشیده اند \$.

امام حسین (ع)

و وقف ذات مرّه سائل علی باب الحسین (ع) و أنشد قائلاً:

ص: ۱۳۴

لم يخب الآن من رجاك حرّك من دون بابك الحلقة

أنت جواد أنت معتمد أبوگ قد كان قاتل الفسقه جج

فأعطى مائتا درهم ... معتذراً منه &. تاريخ ابن عساكر: ۳۲۳/۴، ومناقب آل أبي طالب: ۶۵/۴. حياه الامام

الحسين ۱۳۲/۱ \$

و بدهی اسامه را که بیش از ده هزار دینار بود، پرداخت کرد &. سير اعلام النبلاء ۳۹۴/۴، مطالب السؤل/

۴۲۰؛ حليه الا ولياء ۱۴۱/۳ تاريخ دمشق ۲۱/۱۲ \$

امام سجاد (ع)

اتفاق در زندگی امام سجاد (ع) جلوه بسیار داشت. در هر کتابی که شرح زندگی امام سجاد (ع) بیان شده، از این موضوع نیز یاد شده است.

لما غسل علی بن الحسین بن علی رأوا علی ظهره مجولاً & آثاری \$ فلم يدروا ما هو، فقال مولى له: كان يحمل علی ظهره إلى أهل البيوتات المستورين الطعام، فأقول له: دعني أكفك، فيقول: لأحب أن يتولى ذلك غیری &. ربيع الابرار ۱/۳۷۹ \$

امام باقر (ع)

و كان الإمام الباقر (ع) كثير البر و المعروف علی فقراء يثرب، و قد احصيت صدقاته عليهم فبلغت ثمانيه الآف دينار &. شرح شافيه أبي فراس: ۱۷۶/۲ \$

و كان يتصدق عليهم في كل يوم جمعه بدینار و يقول: الصدقه يوم الجمعة تضاعف الفضل علی غيره من الأيام &. في رحاب ائمه اهل البيت (عليهم السلام): ۱۲/۴ \$

سليمان بن قرم قال: كان محمد بن علی يجيز بالخمس مائه و التسع مائه إلى الألف (درهم &). صفه الصفوه ۲/۷۹/۱۷۱، الفصول المهمه/ ۲۱۲ (داخل پرانتز \$)

امام صادق (ع)

ص: ۱۳۵

كما كان (الامام الصادق) يأتيهم بأشهى الطعام و ألذّه، و أوفره، و يكرر عليهم القول وقت الأكل: أشدكم حباً لنا أكثركم أكلا عندنا. و كان يأمر في كل يوم بوضع عشر ثنات من الطعام يتغدى على كل ثنه عشره. و كان شرف على خدمه ضيوفه &. الإمام جعفر الصادق: ۴۶؛ حياه المام الصادق ۱/ ۶۵\$

امام موسی بن جعفر (ع)

قال الحسن بن محمد بن يحيى العلوى: حدثني جدی قال: كان موسى بن جعفر ... و كان يبلغه عن الرجل أنه يؤذيه فيبعث إليه بصره فيها ألف دينار، و كان يصير الصرر ثلاثمائة دينار، و أربعمائه دينار، و مائتي دينار، ثم يقسمها بالمدينه. و كان مثل صرر موسى بن جعفر إذا جاءت الإنسان الصره فقد استغنى &. تاريخ بغداد ۱۳/ ۲۷/ ۶۹۸۷؛ وفيات الأعيان: ۵/ ۳۰۸/ ۷۴۶، وكنز اللغه: ۷۶۶، الأنوار البهيه: ۱۹۰. سير اعلام النبلا ۶/ ۲۷۰؛ تهذيب الكمال ۲۹/ ۴۳/ ۶۲۴۷\$ در كتاب های تاريخ و تراجم، گزارش های بسياری از اتفاق اين امام بزرگوار نقل شده است &. مراجعه شود از جمله تاريخ بغداد ۵/ ۴۶۴\$

به مناسبت های مختلف

چنين بر می آيد که امامان، گاهی به دنبال اين بودند که مناسبتی پيش آيد تا به ديگران کمک کنند لذا منتظر نبودند که از آنها خواسته شود. موارد بسياری به اين موضوع دلالت می کند .. و في كتاب الفنون نام رجل من الحاج في المدينه فتوهم أن هميانه سرق فخرج فرأى جعفر الصادق (ع) مصليا و لم يعرفه، فتعلق به و قال له: أنت أخذت همياني قال: ما كان فيه؟ قال: ألف دينار. قال: فحمله إلى داره و وزن له ألف دينار و عاد إلى منزله، و وجد هميانه، فعاد إلى جعفر (ع) معتذرا بالمال، فأبى قبوله و

ص: ۱۳۶

قال: شيء خرج من يدي لا يعود إلى قال: فسأل الرجل عنه فقيل: هذا جعفر الصادق (ع) قال: لا جرم هذا فعال مثله &. بحار الأنوار ج ۴۷/۳۲ \$

انفاق شبانه

یکی از مواردی که در شیوه برخی ائمه مشاهده می شود، انفاق شبانه است.

عن أبي عبدالله (ع) قال: و كان علي بن الحسين (ع) يخرج في الليله الظلماء فيحمل الجراب فيه الصرر من الدنانير و الدراهم حتى يأتي بابا بابا فيقرعه ثم ينيل من يخرج إليه فلما مات علي بن الحسين (ع) فقدوا ذاك، فعلموا أن عليا (ع) كان يفعله &. اصول کافی ۱ / ۴۶۸ \$ أبوبکر بن مالک، قال: حدثنا عبدالله بن أحمد بن حنبل، قال: حدثني أبو معمر، حدثنا جرير، عن شيبه بن نعامه، قال: كان علي بن الحسين يبخل، فلما مات وجدوه يقوت مائه أهل بيت بالمدينه، قال جرير في الحديث - أو من قبله - إنه حين مات وجدوا بظهره أثاراً مما كان يحمل بالليل الجرب إلى المساكين &. حليه الاولياء ۱ / ۴۵۲ \$ و قد اعتاد الفقراء على صله لهم في الليل، فكانوا يقفون على أبوابهم ينتظرونه، فإذا رأوه تباشروا و قالوا: جاء صاحب الجراب &. مناقب آل أبي طالب: ۴ / ۱۶۶ \$

و كان له ابن عم يأتيه بالليل فيناوله شيئاً من الدنانير فيقول له العلوي: إنَّ علي بن الحسين لا يوصلني، و يدعو عليه، فيسمع الإمام ذلك و يغضى عنه، و لا يعرفه بنفسه، و لمّا توفي (ع) فقد الصله، فعلم أن الذي كان يوصله هو الإمام علي بن الحسين (ع) فكان يأتي قبره باكياً و معتذراً منه &. كشف الغمه: ۲ / ۳۱۹ عن نثر الدرر للآبي \$

ص: ۱۳۷

و قال ابن عائشه: سمعت أهل المدينة يقولون: ما فقدنا صدقه السرّ حتى مات عليّ بن الحسين &. الأولياء وعنه في مناقب آل أبي طالب ۴/ ۱۶۶ وكشف الغمّه ۲/ ۲۹۰ عن مطالب السؤل عن الحليه ۴/ ۱۳۶ وفي البدايه والنهايه لابن كثير ۹/ ۱۱۴، وصفه الصفوه ۲/ ۵۴، الإتحاف بحب الأشراف ۴۹ الأغاني ۱۵/ ۳۲۶\$. و كان (ع) شديد التكتّم في صلاته و هباته، فكان إذا ناول أحداً شيئاً غطّى وجهه لئلا يعرفه &. مناقب آل أبي طالب: ۴/ ۱۶۶ عن الباقر (عليه السلام \$)

و قال الذهبي: إنّه كان كثير الصدقه في السرّ &. تذكره الحفاظ: ۱/ ۷۵. ومراجعهُ شود بتأريخ اليعقوبى: ۲/ ۳۰۳ (وكان (ع) يجعل الطعام الذى يوزّعه على الفقراء فى جراب ويحمله على ظهره، وقد ترك أثراً عليه \$)

و كان الإمام الصادق يقوم فى غلس الليل البهيم فىأخذ جراباً فيه الخبز و اللحم و الدراهم فيحمله على عاتقه و يذهب به إلى أهل الحاجه من فقراء المدينه فيقسمه فيهم، و هم لا يعرفونه، و ما عرفوه حتّى مضى إلى الله تعالى فافتقدوا تلك الصلات فعلموا أنّهامنه &. الإمام جعفر الصادق احمد مغنيه / ۴۷. حياه الامام الصادق ۱/ ۶۳ \$

إسماعيل بن جابر قال: أعطانى أبو عبدالله (ع) خمسين ديناراً فى صره، و قال لى: ادفعتها إلى شخص من بنى هاشم، و لاتعلمه أنى أعطيتك شيئاً، فأتيته و دفعتها إليه فقال لى: من أين هذه؟ فأخبرته أنّها من شخص لايقبل أن تعرفه، فقال العلوى: مايزال هذا الرجل كل حين يبعث بمثل هذا المال، فنعيش بها إلى قابل، و لكن لا يصلنى جعفر بدرهم مع كثره ماله &. مجموعه ورام: ۲/ ۸۲؛ ۸/ ۲۹ \$

معلى بن خنيس قال: خرج أبو عبدالله (ع) فى ليله قد رشت السماء و هو يريد ظلّه بنى ساعده، فاتبعته فإذا هو قد سقط منه شئ فقال: بسم الله اللهم رده علينا قال: فأتيته فسلمت عليه فقال: معلى؟ قلت: نعم جعلت فداك فقال لى: التمس بيدك فما وجدت من شئ فادفعه إلى، قال: فإذا أنا بخبز منتشر، فجعلت أدفع

ص: ۱۳۸

إليه ما وجدت فإذا أنا بجراب من خبز فقلت: جعلت فداك أحمله على عنك فقال: لا أنا أولى به منك، و لكن امض معي قال: فأتينا ظله بنى ساعده، فإذا نحن بقوم نيام فجعل يدس الرغيف و الرغيفين تحت ثوب كل واحد منهم حتى أتى على آخرهم ثم انصرفنا فقلت: جعلت فداك يعرف هؤلاء الحق؟ فقال: لو عرفوا لواسيناهم بالدقه، و الدقه هي الملح &. بحار الأنوار ۴۷ / ۲۱ ۲۰؛ ثواب الأعمال / ۱۲۹؛ كافي ۴ / ۸ \$ كان أبو الحسن موسى (ع) ... يفتقد فقراء المدينة في الليل، فيحمل إليهم الزبيل فيه العين و الورق و الأدقه و التمور & خرما ، \$ فيوصل إليهم ذلك، و لا يعلمون من أي جهة هو &. إعلام الوری / ۲۹۶؛ الإرشاد / ۳۱۶؛ بحار الأنوار ۴۸ / ۱۰۱ \$.

فلسفه انفاق شبانه

اشاره

انفاق شبانه و پنهانی و دور از چشم مردم، به دلایل ذیل بوده است:

الف: کمک‌های پنهانی خالصانه‌تر است

قطعاً ریا نمی‌شود و ثوابش بسیار است. امام به مردم آموزش می‌داد که کمک‌های خود را به نیازمندان، از مردم پنهان دارند چرا که کمک‌های پنهانی ثواب بسیار دارد.

ب: عدم احساس حقارت نیازمندان

طبیعی بود که اگر هر نیازمند، کمک کننده را شناسد و نبیند احساس حقارت نمی‌کند. به این جهت امام به انفاق‌های شبانه می‌پرداخت تا انفاق شوندگان که روزها آن حضرت را می‌بینند، احساس حقارت نکنند و احترامشان بیشتر حفظ شود.

ج: بازماندگان شهدا و کشته‌شدگان در جنگ‌ها

اشاره

ص: ۱۳۹

افرادی در جنگ‌ها کشته یا از شیعیان شهید شده و خانواده‌های آن‌ها بی‌سرپرست بودند. از این دسته، افرادی در کوفه بودند که در صفین شهید شده بودند و امام علی (ع) شبانگاه مواد غذایی به درخانه آن‌ها می‌برد و همچنین در واقعه حره افراد بسیاری از مردم مدینه به شهادت رسیدند و امام زین العابدین (ع) به آن‌ها کمک می‌کرد. در کوفه و بصره نیز افراد بسیاری توسط عمال بنی امیه از جمله حجاج بن یوسف ثقفی کشته شده و شاید برخی از خانواده‌های آن‌ها به مدینه رفته بودند.

اما الحسين فيبدأ بأيتام من قتل مع أبيه بصفين فأبى شئ نحب به الجزور و سقى به اللبن & حياه الامام الحسين ۱/ ۱۲۸ \$

۱- خاندان پیامبر

در قیام زید و همچنین شهدای فخر تعدادی از خاندان پیامبر شهید شدند و خانواده‌های آن‌ها بی‌سرپرست بودند. امام سجاد و دیگر امامان (ع) ترجیح می‌دادند که شبانگاه به آن‌ها کمک کنند. چه آنکه اگر آشکارا کمک می‌کردند (به جز دوران امام علی (ع)) ممکن بود کمک حکومت‌های وقت، قطع شود.

۲- تحمیل فقر اقتصادی از سوی بنی امیه بر مردم مدینه

بنی امیه مردم مدینه را در مضیقه شدید اقتصادی قرار دادند و در نتیجه فقر و ناداری گسترش یافت. به ویژه که آن‌ها از نوادگان مهاجران، انصار و یا از خاندان رسول خدا (ص) و افراد با شخصیت بودند و شاید اظهار ناداری هم نمی‌کردند. اما امام، آن‌ها را می‌شناخت و با احترام مواد مورد نیازشان را تأمین می‌کرد.

۳- از زمان امام حسن مجتبی (ع) تا نیمه اول امامت امام باقر و همچنین نیمه دوم امامت امام صادق (ع)، اختناق شدید سیاسی بر مدینه حاکم بود. بسیار مراقبت می‌شد تا بفهمند که چه کسانی با امامان مرتبط هستند و از آن‌ها

ص: ۱۴۰

طرفداری و پیروی می کنند رابطه آشکار بسیاری از مردم، با امام قطع و منزل امام کنترل می شد. در این شرایط بود که امامان، به انفاق های شبانه مبادرت می کردند تا یارانشان شناسایی نشوند.

اطعام

غذا دادن به دیگران در منزل، یکی از شیوه های نیاکان ائمه بود وائمه نیز به آن می پرداختند.

عن سلمی مولاہ ابی جعفر قالت: کان یدخل إلیہ (بعض) إخوانہ فلا یخرجون من عنده حتی یطعمهم الطعام الطیب و یکسوهم الثیاب الحسنہ ...

و عن الہیاج بن بسطام قال: کان جعفر بن محمد یطعم حتی لا یبقی لعیالہ شیء & صفہ الصفوہ ۷۹ / ۲

۱۸۱ / ۱۱۵؛ تہذیب الکمال (الہیاج بن بسطام قال: کان جعفر بن محمد یطعم حتی لا یبقی لعیالہ شیء \$). عن بعض أصحابنا قال: أولم أبو الحسن موسی (ع) علی بعض ولده فأطعم أهل المدینہ ثلاثہ أيام الفالوذجات فی الجفان فی المساجد و الأزقہ & کافی ۶ / ۲۸۱ (لحشر ۷ / ۵۹)، بحار الأنوار ۴۸ / ۱۱۰ \$.

آزادسازی بردگان

عامل برده داری را جنگ و یا هر چیز دیگری بدانیم، این موضوع قطعی است که نظام برده داری رواج داشت. از بردگان به عنوان نیروی کار و کارگراستفاده می شد. اکثر آنها نامسلمان یا تازه مسلمان بودند که در جنگ ها اسیر و در جامعه اسلامی به عنوان برده زندگی می کردند. امامان معصوم به این افراد نیز عنایت ویژه داشتند. آنها را خریداری و تعلیم و تربیت و سپس آزاد می کردند. این موضوع آثار مثبت ذیل را در پی داشت.

۱- افرادی از بردگی آزاد می شدند و از مزایای آزادی بهره مند می گشتند.

ص: ۱۴۱

۲- امام با این اقدام به طور مستقیم، به تعلیم و تربیت افراد می پرداخت و حکومت نیز نمی توانست از این موضوع جلوگیری کند و زمینه بسیار خوبی برای آشنایی آنان با امام و بهره‌مندی از اخلاق پسندیده ائمه بود.

۳- آن‌ها پس از آزادی به عنوان موالی معصومین شناخته می شدند و خود را منتسب به امام می دانستند و از پیروان امام بودند.

عن أبي عبد الله (ع) أن أمير المؤمنين (ع) أعتق ألف مملوك من كد يده & الكافي ۷۴/۵ \$
عبدالله بن الحسين بن الحسن، قال: أعتق علي (ع) في حياه رسول الله (ص) ألف مملوك مما مجلت يداه، و عرق جبينه، و لقد ولي الخلافه، و أته الأموال، فما كان حلواه إلا التمر، و لاثابه إلا الكرايس & شرح نهج البلاغه ۲ ظ ۲۰۲ \$ درباره امام باقر (ع) روایت شده:
فقد أعتق الامام باقر (ع): أهل بيت بلغوا أحد عشر مملوكاً و كان عنده ستون مملوكاً فأعتق ثلثهم عند موته.
& اعلام الهدايه ۷/۳۰. شرح شا فيه أبي فراس ۱۷۶/۲ \$
و گاه به مناسبت و بهانه‌های مختلف افراد را آزاد می کرد.
چنان که درباره امام رضا (ع) نقل شده که در طول زندگی پر برکت خود هزار برده را خریداری نمود و آزاد ساخت & الاتحاف بحب الأشراف / ۱۵۵ \$

تشویق و ترغیب به انفاق

امامان معصوم، افزون بر آنکه خود در شکل‌های مختلف و به طور گسترده به انفاق می پرداختند، دیگران را نیز به انفاق تشویق می کردند. روایات بسیاری در خصوص فضیلت انفاق رسیده که اگر در جامعه به آن پرداخته شود، ساختار نظام اقتصادی را در جهت رفاه اجتماعی و فقرزدایی سوق می دهد.

ص: ۱۴۲

و عن عبدالله بن الوليد قال: قال لنا أبو جعفر محمد بن علي: يدخل أحدكم يده كيس صاحبه فيأخذ ما يريد؟ قال قلنا: لا. قال: فلستم إخواناً كما تزعمون &. صفه الصفوه ۱ / ۷۹ / ۱۷۱ \$

احترام به نیازمند و رفتار کریمانه

امامان معصوم با افراد نیازمند بسیار کریمانه رفتار می کردند. در انجام کمک های مالی بر آن بودند که شخصیت آن ها تحقیر نشود و کمک های مالی همیشه توأم با احترام بود.

ابن المنهال الطائي: أن علي بن الحسين كان إذا ناول الصدقه السائل قبله ثم ناوله &. حليه الأولياء ۱ / ۴۵۳ \$.

و كان إذا أتاه (علي بن الحسين) السائل رحب به و قال مرحباً بمن يحمل زادي إلى الآخرة &. مطالب السؤل / ۴۱۲؛ صفه الصفوه ۹۵: ۲ / ۱۶۵؛ كشف الغمه: ۳ / ۲۸۸ \$

سیره اقتصادی در رفتار خانوادگی

اشاره

گفتیم زندگی دنیوی برای امامان هدف نبود. بی گمان همه آن ها زندگی زاهدانه داشتند اما این موضوع سبب نشد که اعضای خانواده را از نظر اقتصادی در مضیقه قرار دهند. به این موضوع در سیره خانوادگی اشاره شد.

منابع مالی

اشاره

تمام امامان، در هر شرایط اقتصادی، انفاقات مالی داشته اند. بذل و بخشش و رسیدگی به امور نیازمندان یکی از ویژگی های معصومین بود. اما در مورد اینکه

ص: ۱۴۳

آن پیشوایان، این اموال را از کجا و چگونه فراهم می کردند و چه منابع مالی در اختیار داشتند، چندان بحث نشده است. در هر صورت، منابع مالی ذیل تأمین کننده برخی از انفاقات بود.

۱- کار

اشاره

همه امامان (ع) در ضمن تعلیم و تربیت به کار در مزرعه و نخلستان نیز می پرداختند.

امام علی (ع)

عن أبي عبد الله (ع) قال: كان أمير المؤمنين (ع) يضرب بالمر و يستخرج الأرضين، و كان رسول الله (ص) يمص النوى & هسته \$ بفیه و یغرسه فیطلع من ساعته و إن أمير المؤمنين (ع) أعتق ألف مملوك من ماله و كد يده &. الكافي ۷۴/۵؛ الارشاد / ۲۷۲؛ (عن سعيد بن كلثوم، قال: كنت عند الصادق جعفر بن محمد (ع)، فذكر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام ولقد أعتق من ماله ألف مملوك في طلب وجه الله والنجاه من النار، مما كد بيديه ورشح منه جبينه ...) بحار الأنوار ۷۴/۴۶ - ۷۵ \$ عن أبي جعفر (ع) قال: لقي رجل أمير المؤمنين (ع) و تحته وسق & الوسق: ستون صاعا او حمل بعير \$ من نوى فقال له: ما هذا يا أبا الحسن تحتك؟ فقال: مائه ألف عذق & درخت خرما \$ إن شاء الله، قال: فغرسه فلم يغادر منه نواه واحده. & كافي ۵/۴۷ ۵۷ بحار الأنوار ۴۱/۸۵ \$ عن أبي عبد الله (ع) قال: إن أمير المؤمنين (ع) كان يخرج و معه أحمال النوى، فيقال له: يا أبا الحسن ما هذا معك؟ فيقول: نخل إن شاء الله، فيغرسه فلم يغادر منه واحده &. كافي ۵/۴۷ - ۵۷ بحار الأنوار ۴۱/۸۵ \$

امام علی بن الحسین (ع)

ص: ۱۴۴

محمد بن منکدر گوید: می‌خواستم محمد بن علی را نصیحت کنم، اما او مرا نصیحت کرد. پرسیدند: چگونه؟ گفت: به یکی از نواحی مدینه رفتم. محمد بن علی را دیدم که کار می‌کند و عرق می‌ریزد. باخود گفتم مردی از قریش با این حال در طلب دنیا است، می‌روم تا او را نصیحت کنم. نزدش رفتم و سلام کردم و او با مهربانی جواب داد. گفتم مردی از قریش با این حال در طلب دنیا است؟ اگر اجلت فرا رسد چه می‌کنی؟ جواب داد:

فقال (ع): لو جاءني الموت و أنا على هذه الحالة جاءني و أنا في طاعة من طاعة الله عز وجل. اكفُّ بها نفسي و عيالي عنك و عن النَّاسِ، و إنما كنت أخاف أن لو جاءني الموت و أنا على معصية من معاصي الله. فقلت: صدقت يرحمك الله أردت أن أعظك فوعظتني &. الكافي ۷۳/۵ و ۷۴؛ الفصول المهمه / ۲۱۰؛ مطالب السؤل / ۴۱۱\$

امام صادق (ع)

كانت له (الامام الصادق) ضيعه قرب المدينه تسمى (عين زياد)، فيها نخل كثير، فإذا نضج التمر أمر الوكلاء أن يثلموا في حيطانها الثلم & شكاف (راه ، \$) ليدخل الناس و يأكلوا من التمر و كان يأمر لجيران الضيعه الذين لا يقدرّون على المجى كالشيخ و العجوز و المريض لكل واحد منهم بمدّ من التمر، و ما بقى منهم يأمر بحمله إلى المدينه فيفرّق أكثره على الضعفاء و المستحقين، و كانت قيمه التمر الذى تنتجه الضيعه أربعة آلاف دينار، فكان ينفق ثلاثه آلاف منها، و يبقى له ألف &. حياه الامام الصادق ۶۴ / ۱\$ عن عبدالأعلى مولى آل سام قال: استقبلت أبا عبد الله (ع) في بعض طرق المدينه في يوم صايف شديد الحر فقلت: جعلت فداك حالك عند الله عز وجل و قرابتك من رسول الله (ص) و أنت تجهد لنفسك في مثل هذا اليوم؟ فقال: يا عبدالأعلى خرجت في طلب الرزق لأستغنى عن مثلك & الكافي ۷۴ / ۵\$ و لما ثار محمد بن عبد

ص: ۱۴۵

الله (ذی النفس الزکیه) ترک الإمام الصادق (ع) المدینه، و ذهب إلى أرض له بالفُرع، فلم یزل هناك مقيماً حتى قتل محمد &. كشف الغمه ۲ / ۱۶۲ وعنه فی بحار الأنوار ۴۷ / ۵ \$

امام کاظم (ع)

محمد بن عبدالله البکری، قال: قدمت المدینه أطلب بها دینا فقلت، لو أتیت موسی بن جعفر فشکوت إليه، فأتیته بنقمی (جانب أحد، و هو موضع من أعراض المدینه. كان لآل أبي طالب.) فی ضیعتہ، فخرج إلى، و أکلت معه، فذکرت له قصتی فأعطانی ثلاث مئة دینار &. سیر اعلام النبلاء ۶ / ۲۷۱ \$

امام هادی (ع)

امام هادی (ع): ... یذهب نهاره إلى عمله فيقف تحت الشمس يعمل فی مزرعته & ... سیره الإمام علی الهادی / ۵۹ \$ این امام بزرگوار، وقتی به سامراء تبعید شد، آنجا نیز به کار در مزرعه می پرداخت &. الاتحاد بحب الاشراف: ۱۷۶. والفصول المهمه / ۴۷۲. والصواعق المحرقة: ۳۱۲ \$. عن الحسن بن علی بن أبي حمزه، عن أبيه قال: رأیت أبا الحسن (الثالث) (ع) يعمل فی أرض له قد استنقعت & پاهایش از عرق خیس شده بود \$ قدماء فی العرق، فقلت له: جعلت فداک أين الرجال؟ فقال: یا علی قد عمل بالید من هو خیر منی فی أرضه و من أبی، فقلت له: و من هو؟ فقال: رسول الله (ص) و أمير المؤمنين و آبائی (ع) کلهم كانوا قد عملوا بأيديهم و هو من عمل النبین و المرسلین و الأوصیاء و الصالحین &. کافی ۵ / ۷۶؛ سیره الإمام علی الهادی / ۵۹ \$.

ص: ۱۴۶

کار در مزرعه و نخلستان و احیای زمین، از موضوعاتی است که امام علی (ع) و پس از او، دیگر امامان نیز به آن پرداخته‌اند و درآمد حاصله و درموردی نیز اصل ملکی را که احیا کرده بودند، بخشیده‌اند.

۲- تجارت

تجارت، یکی از راههای درآمد بوده است. رسول خدا (ص) و اجداد آن حضرت از طریق تجارت امرار معاش می‌کردند و برخی از ائمه (ع) نیز تجارت داشتند.

عن محمد بن عذافر عن أبيه قال: أعطى أبو عبد الله (ع) أبي ألفا و سبعمائة دينار فقال له: أتجر بها ثم قال: أما إنه ليس لي رغبة في ربحها و إن كان الربح مرغوباً فيه و لكنني أحببت أن يراني الله عز وجل متعرضاً لفوائده. قال: فربحت له فيها مائة دينار ثم لقيته فقلت له: قد ربحت لك فيها مائة دينار. قال: ففرح أبو عبد الله (ع) بذلك فرحاً شديداً فقال: لي أثبتها في رأس مالي & . کافی ۷۶/۵ و ۷۷ \$

۳- ارث

ائمه معصومین (ع) املاکی داشتند که از پدر به ارث برده بودند. آن املاک، یکی از منابع درآمد مالی به شمار می‌آمد.

لقد كان (الحسين) كثير البر و الصله فقد روى أنه ورث أرضاً و أشياء فتصدق بها قبل أن يقبضها & . حياه الإمام الحسين: ۱/ ۱۳۵ \$

۴- خمس

خمس، یکی از منابع مالی است که خدا و پیامبر، آن را در اختیار ائمه قرار داده‌اند.

مصرف آن به طور کامل در اختیار معصوم است که هرگونه خواست مصرف کند. پس از شهادت امام علی (ع) و صلح امام حسن (ع) جامعه اسلامی عملاً به دو گروه شیعه و طرفداران خلافت تقسیم شدند.

ص: ۱۴۷

پیروان ائمه یعنی شیعیان، خمس اموال خود را به امام عصر خود می دادند. هر چند به دلیل اختناق سیاسی حاکم بر جامعه و جلوگیری از ارتباط مردم با امامان، فرستادن خمس با مشکلات بسیار رو به رو بود، اما خمس در هر شرایطی یا برای امام فرستاده می شد و یا به نمایندگان و وکلای امام تحویل می گردید. این اموال در جهت مصالح شیعیان و ... به مصرف می رسید.

امامان در موضوع خمس، دستور اکید داده اند که باید به امام تحویل داده شود:

قال (ع): من اشتری شیئاً من الخمس لم يعذره الله، اشتری ما لايحلّ له.

و قال (ع): لايحلّ لأحد أن يشتری من الخمس شيئاً حتّى يصل إلينا حقّاً &. کافی ۵۰۵ / ۳ \$ احمّلوا الى الخمس فإنّی لست آخذ منکم سوی عامی هذا &. اعلام الهدایه ۴۴ / ۱۱ \$، محمد بن علی بن شاذان النیسابوری قال: اجتمع عندی خمسمائے درهم تنقص عشرين درهما فأنفقت أن أبعث بخمس مائه تنقص عشرين درهما فوزنت من عندی عشرين درهما و بعثتها إلى الأسدی و لم أكتب مالی فیها، فورد: وصلت خمسمائے درهم لگ منها عشرون درهما &. کافی ۵۲۳ / ۱ \$ در اینکه خمس، ملک شخصی امام است یا مربوط به منصب امامت می باشد، اختلاف نظر وجود دارد. برخی این دیدگاه را ترجیح داده اند که خمس، مال منصب امامت است. هر چه باشد، نتیجه یکی است. زیرا معصومین (ع) به دلیل زندگی زاهدانه ای که باید می داشتند اموال شخصی و غیرشخصی را در جهت مصالح اسلام و مسلمین مصرف می کردند.

۵- زکات

ص: ۱۴۸

زکات، از دیگر منابع مالی است که از سوی شیعیان به امام و یا با اجازه امام به نمایندگان تحویل داده می‌شد. در هر صورت در جهت رفع نیاز نیازمندان و ... مصرف می‌گردید.

عن ضریس قال: سأل المدائنی أبا جعفر (ع) قال: ان لنا زكاه نخرجها من أموالنا، ففيم نضعها؟ فقال (ع): في أهل ولايتك. قال: اني في بلاد ليس فيها أحد من أوليائك. فقال (ع): ابعث بها الى بلدهم تدفع اليهم، و لاتدفعها الى قوم ان دعوتهم غداً الى أمرگ لم يجيوگ. و قال (ع): إنّما موضعها أهل الولاية. و كان يقدم المهاجرين و أصحاب العقل و الفقه على غيرهم، فحينما سئل (ع) عن كيفية العطاء فقال (ع): اعطهم على الهجره في الدين و العقل و الفقه &. کافی ۳/ ۵۴۵ و ۵۴۹\$

۶- هدایا و نذورات

از دیگر منابع، مالی هدایا و نذورات بود که از سوی شیعیان به امام معصوم یا وکیل او تحویل داده می‌شد و یا با اجازه امام، در موارد تعیین شده، مصرف می‌شد.

عن إسحاق الجلاب قال: اشتریت لأبی الحسن (ع) غنما کثیره، فدعانی فأدخلنی من إصطبل داره إلی موضع واسع لا أعرفه، فجعلت أفرق تلک الغنم فیمن أمرنی به، فبعث إلی أبی جعفر و إلی والدته و غیرهما ممن أمرنی & ... کافی ۱/ ۴۹۸ - ۵۰۰\$ متوکل عباسی مریض شد. مادرش نذر کرد اگر شفا یابد، اموال بسیاری به امام ابوالحسن (ع) بدهد. امام نیز آنها را به دارویی راهنمایی کرد و شفا یافت. مادر متوکل ده هزار دینار برای امام فرستاد. برخی جاسوسی کردند که ابوالحسن

ص: ۱۴۹

اموال بسیاری جمع کرده است. مأمورین، شبانگاه به منزل امام هجوم بردند ... و ثابت شد اموالی بوده که مادر متوکل فرستاده است &. کافی ۱ / ۴۹۹) مأمورین، خانه امام را بازرسی کردند و اموال رانزد متوکل بردند. وی مهر مادرش را دید و مادرش جریان را به او خبر داد و تمام اموال را به منزل امام برگرداند. فحملهته ورددت السیف والکيسين و قلت له: يا سیدی عز علی، فقال لی: "سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون" \$

۷- وصیت

عن بدر غلام أحمد بن الحسن قال: وردت الجبل & الجبل بالتحريك كوره بين بغداد و آذربيجان \$ و أنا لا أقول بالإمامه، أحبهم جملة إلى أن مات يزيد بن عبدالله فأوصى في علقته أن يدفع الشهري السمند & الشهري ضرب من البرزون. والسمند فرس له لون، معروف \$ و سيفه و منطقته إلى مولاه فخفت إن أنا لم أدفع الشهري إلى إذ کوتکين & كان من امراء الترك من اتباع بنی العباس \$ نالني منه استخفاف فقومت الدابه و السيف و المنطقه بسبعمائه دينار في نفسی و لم اطلع عليه أحدا فإذا الكتاب قد ورد علی من العراق: وجه السبع مائه دينار التي لنا قبلک من ثمن الشهري و السيف و المنطقه &. اصول کافی ۱ / ۵۲۲ \$ قال أحمد بن الحسن: أوصى يزيد بن عبدالله بدابه و سيف و مال و أنفذ ثمن الدابه و غير ذلک و لم يبعث السيف فوردا: كان مع ما بعثتهم سيف فلم يصل (أو كما قال &). اصول کافی ۱ / ۵۲۳ \$ علی بن محمد قال: كان ابن العجمی جعل ثلثه للناحیه و كتب بذلک و قد كان قبل إخراجہ الثلث دفع مالا لابنه أبی المقدام، لم يطلع عليه أحد فكتب إليه فأین المال الذي عزلته لأبى المقدام &. اصول کافی ۱ / ۵۲۴ \$

۸- مصادره برخی اموال حکومتیان

چنان که درباره امام حسین (ع) نقل شده، اموالی از یمن برای دمشق

ص: ۱۵۰

فرستاده شده بود. آن حضرت آن اموال را تصرف و بین نیازمندان تقسیم نمود و به معاویه نامه نوشت: من الحسين بن علي الى معاوية بن أبي سفيان، أما بعد فإنّ غيراً مرّت بنامن الیمن تحمل مالاً و حُللاً و عنبراً و طیباً إلیک لتودعها خزائن دمشق و تعلّ بها بعد التّهلّ بنی أیّک، و إنّی احتجتها الیها فأخذتها، و السلام &. نهج البلاغه ۴/ ۳۲۷ \$

یکی از مردم کوفه که از شیعیان حضرت علی (ع) بود، به سامرا رفت تا از امام هادی (ع) استمداد کند. آن حضرت در منزل نبود. به وی گفتند: امام در مزرعه ای در خارج شهر کار می کند. او ناگزیر به خارج شهر، نزد آن حضرت رفت و موضوع نیاز خود را خدمت امام عرض کرد و آن حضرت نیز آن مبلغ را نداشت و به خط مبارک نوشت که ایشان این مبلغ را از من طلب دارد و فرمود: وقتی به سامرا برگشتم و مردم نزد من آمدند، شما نیز بیایید و بگوئید از شما این مقدار طلب دارم و اصرار کنید که بدهم. هر چه عذر آوردم، نپذیرید. مرد عرب همان گونه که امام دستور داده بود، انجام داد و امام می فرمود: ندارم. برخی از درباریان که آنجا بودند، موضوع را به متوکل خبر دادند و متوکل دستور داد مبلغ سی هزار درهم به امام بدهند و امام آن را به مرد عرب داد و فرمود:

خذ هذا المال و اقض منه دينك، و انفق الباقي علی عیالک و أهلك و اعذرنا. و أكبر الاعرابی ذلک، و قال للإمام: إن دینی يقصر علی ثلث هذا المبلغ. فأبى الإمام (ع) أن یسترّد منه من الثلاثین شیئاً، فولّى الاعرابی و هو یقول: اللّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ یَجْعَلُ رِسالَتَهُ &. الاتحاف بحبّ الاشراف: ۱۷۶. والفصول المهمه لابن الصباغ: ۲۷۴. والصواعق المحرقة: ۳۱۲ \$.

عن إسماعیل بن سلام، و فلان بن حمید، قالاً، بعث إلینا علی بن یقطين، فقال: اشتریا راحلتین و تجنبا الطريق، و دفع إلینا مالا و کتبا حتی توصلّا ما معکما من المال و الکتب إلی أبی الحسن موسی (ع) و لا یعلم بکما أحد. قالاً: فأتینا الکوفه فاشترینا راحلتین و تزودنا زادا و خرجنا نتجنب الطريق حتی إذا صرنا

ص: ۱۵۱

بطن الرمه شددنا راحلتنا و وضعنا لهما العلف و قعدنا نأكل، فبینا نحن كذلك إذا راكب قد أقبل و معه شاكری & اجیر و مستخدم . \$ فلما قرب منا فإذا هو أبو الحسن موسى (ع) فقمنا إليه و سلمنا عليه و دفعنا إليه الكتب و ما كان معنا فأخرج من كمة كتبنا فناولنا إياها، فقال: هذه جوابات كتبكم &. اختیار معرفه الرجال- الشيخ الطوسی ۷۳۵- / ۸۲۱\$

۹- موقوفات ائمه

موقوفات ائمه (ع) که از آنها تحت عنوان صدقات یاد شده و از زمان رسول خدا (ص) آغاز شده است، بخشهای مفصلی دارد که شرح آن در کتابهای حدیث و فقه و تاریخ به صورت گسترده آمده و روایات بسیاری در این خصوص نقل شده است.

عن عبد الرحمان بن الحجاج قال: بعث إلى أبو الحسن (ع) بوصیه أمير المؤمنين (ع) و بعث إلى بصدقه أبيه مع أبي إسماعیل مصادف، و ذکر صدقه جعفر بن محمد (ع) و صدقه نفسه:

بسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما تصدق به موسى ابن جعفر، تصدق بأرضه مكان كذا و كذا، و حدود الأرض كذا و كذا، كلها و نخلها و أرضها و مائها و أرجائها و حقوقها و شربها من الماء و كل حق هو لها في مرفع أو مظهر، أو عنصر، أو مرفق، أو ساحه، أو مسيل، أو عامر، أو غامر، تصدق بجميع حقه من ذلك على ولده من صلبه الرجال و النساء يقسم، و إليها ما أخرج الله عز وجل من غلتها بعد الذي يكفيها في عمارتها و مرافقها، و بعد ثلاثين عذا يقسم في مساكن أهل القرية بين ولد موسى بن جعفر للذكر مثل حظ الأنثيين & ... بحار الأنوار ۴۸ / ۲۸۲ ۲۸۱\$

۱۰- کرامات

ائمه در برخی موارد، برای رفع نیاز بعضی از افراد، از معجزه نیز استفاده

ص: ۱۵۲

می کردند.

قال الزهري: كنت عند علي بن الحسين (ع) فجاءه رجل من أصحابه، فقال له علي بن الحسين (ع): ما خبرك أيها الرجل؟ فقال الرجل: خبري يا ابن رسول الله أني أصبحت و علي أربعمائه دينار دين لا قضاء عندي لها، و لي عيال ثقال ليس لي ما أعود عليهم به، قال: فبكي علي بن الحسين (ع) بكاء شديدا، فقلت له: ما يبكيك يا ابن رسول الله؟ فقال: و هل يعد البكاء إلا للمصائب و المحن الكبار؟ قالوا: كذلك يا ابن رسول الله، قال: فأيه محنه و مصيبيه أعظم علي حر مؤمن من أن يرى بأخيه المؤمن خله فلا يمكنه سدها و يشاهده علي فاقه فلا يطيق رفعها، قال: فتفرقوا عن مجلسهم ذلك، فقال بعض المخالفين - و هو يطعن علي بن الحسين (ع) -: عجباً لهؤلاء يدعون مره أن السماء و الأرض و كل شئ يطيعهم، و أن الله لا يردهم عن شئ من طلباتهم، ثم يعترفون أخرى بالعجز عن إصلاح حال خواص إخوانهم، فاتصل ذلك بالرجل صاحب القصة، فجاء إلى علي بن الحسين (ع) فقال له: يا ابن رسول الله بلغني عن فلان كذا و كذا، و كان ذلك أغلظ علي من محتتي، فقال علي بن الحسين (ع): فقد أذن الله في فرجك، يا فلانه احملي سحوري و فطوري، فحملت قرصتين، فقال علي بن الحسين (ع) للرجل: خذهما فليس عندنا غيرهما فان الله يكشف عنك بهما و ينيلك خيرا واسعا منهما، فأخذهما الرجل و دخل السوق لا يدري ما يصنع بهما و يتفكر ...

نانها را به يك عدد ماهی و قدری نمک فروخت. ماهی را به منزل برد و شکافت. دو عدد لؤلؤ گران قیمت بیرون آمد. پس از آنکه صاحبان ماهی و نمک، نانها را آوردند و گفتند: این نان برای ما قابل استفاده نیست، مال خود شما باشد. ماهی و نمک را نیز به شما بخشیدیم. وقتی آنها رفتند، کسی از جانب امام

ص: ۱۵۳

- آمد و گفت: امام فرمود: نان‌ها را به خود ما برگردانید. خداوند مشکل شما را حل کرد و آن شخص دو عدد لؤلؤ را به اموال بسیار فروخت & بحار الأنوار ۴۶ / ۲۰\$. از این داستان چنین استفاده می‌شود:
- الف: هر کس باید در برابر مشکلات دیگران آن چنان احساس مسئولیت کند که اگر نتواند برطرف کند، این احساس او را به گریه وا دارد.
- ب: گرفتاری و ناگواری مومنان را باید مصیبت بزرگ دانست.
- ج: افرادی از مخالفان، در مجالس و محافل ائمه حضور می‌یافتند تا از موضوعاتی که پیش می‌آید، استفاده نموده و برضد ائمه تبلیغ کنند.
- د: ائمه زمانی از معجزه استفاده می‌کردند که خداوند اجازه داده باشد. در نتیجه هر کجا معجزه ای واقع شده، خداوند اجازه داده است.
- ه: ائمه از طریق الهام یا فرشتگان با خداوند مرتبط می‌باشند و در موارد لازم دستوراتی از جانب خداوند فرستاده می‌شده و ائمه طبق آن‌ها عمل می‌کردند.

ص: ۱۵۴

خلاصه و نتیجه

سیره اقتصادی امامان، به سیره حکومتی و سیره شخصی در روابط اجتماعی و سیره خانوادگی تقسیم می‌شود و هر کدام آن‌ها مبانی و اصول کلی داشته است. از جمله اصول کلی در سیره اقتصادی و حکومتی امور ذیل بوده‌اند: بهره‌وری بیشتر از منابع اقتصادی، احیای ذخایر طبیعی، عمارت و آبادانی زمین، عدم انباشتن ثروت، رسیدگی به امور نیازمندان، واگذاری مسئولیت به افراد کاردان و مورد اعتماد، صرفه‌جویی در مصرف بیت‌المال، التزام به زهد و پارسایی به عنوان رهبر جامعه، برابری در تقسیم بیت‌المال، برگرداندن اموالی که به ناحق تصرف شده است. مواردی از سیره اقتصادی در روابط اجتماعی، امور ذیل بوده است: انفاق، اطعام، احترام به نیازمندان، اخلاص، تشویق دیگران به انفاق، کار، خمس، زکات، تجارت، ارث، مصادره اموالی که در اختیار حکومت‌ها بوده است، هدایا و نذورات و موقوفات که از منابع مهم درآمد اقتصادی امامان بوده است.

ص: ۱۵۵

پرسش‌های این فصل

پنج مورد از مبانی کلی سیره اقتصادی را بر شمارید.

پنج مورد از اصول سیره اقتصادی را بیان کنید.

از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر درباره مالیات، چه مطالبی استفاده می‌شود؟

دستور امام علی (ع) درباره کارگزاران چه بود؟

دو نمونه از زهد امام علی (ع) را توضیح دهید.

چرا امام علی (ع) فرمود: باید ثروتهایی که در زمان عثمان در اختیار افراد قرار گرفته، به بیت المال برگردد؟

چهار نمونه از انفاق‌های ائمه را بیان کنید.

فلسفه انفاق شبانه را بیان کنید.

منابع اقتصادی و درآمد ائمه را نام ببرید.

از داستان امام سجاد (ع) که نیازیکی از شیعیان را از طریق معجزه برطرف کرد، چه استفاده‌هایی می‌شود؟

ص: ۱۵۹

فصل ششم مبانی اعتقادی

پیش درآمد

نقش بنیادی رسالت مداران الهی در فرهنگ، تجلی می کند. فرایند حضور فعال ائمه در عرصه فرهنگی، تعلیم و تربیت را بر مبنای توحید اعتقادی، ایمان به خداوند، فضایل اخلاقی، گسترش آموزه های معنوی در جامعه و ... در پی دارد.

تعلیم و تربیت، با تکیه بر وحی و آموزه های آسمانی از وظایف اصلی پیامبران بود. خداوند در چند جای قرآن برای این موضوع تأکید کرده است:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ & جمعه ۳/۶۲\$. این آیه شریفه خط مسئولیت فرهنگی پیامبران را به خوبی ترسیم کرده است.

الف. اثبات رسالت آسمانی: به وسیله ارائه دلیل و معجزه و آیه.

ب. هدف اصلی بعثت: تزکیه، پاکیزه ساختن و تربیت انسان ها.

ج. ابزار تزکیه: به آموزش های کتاب آسمانی و دانش، استوار می باشد و هر آگاهی که جامعه به آن نیازمند است، به دو دسته کلی، دانش وحی و دانش عقلی تقسیم می شود.

د. محروم شدن از بعثت پیامبران و یا نپذیرفتن سخن آن ها، گمراهی فراگیر را در پی دارد. چنان که پذیرش نیز، هدایت و سعادت جاودانه را در پی دارد.

ص: ۱۶۰

مسئولیت و جایگاه فرهنگی امامان معصوم نیز عیناً همان است که در این آیه بیان شده است. از اینجایی توان به خوبی دانست که انزوای فرهنگی معصومین در جامعه چه خسارت‌های غیرقابل جبرانی را در پی داشته است.

زیرا به همان نسبت که آثار وجودی پیامبران و امامان معصوم در جامعه گسترده است، محرومیت از این نعمت بزرگ الهی نیز، خسارت عظیمی در پی دارد.

آثار اعتقادی و فرهنگی رسالت‌مداران الهی در دو گستره زندگی دنیوی و اخروی غیرقابل شمارش است و در تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی تأثیری شگرف دارد. همان گونه که در عرصه‌های اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی، آداب و رسوم و روابط اجتماعی تأثیر آشکار دارد، در زندگی شخصی و روابط خانوادگی و زندگی شخصی نیز تأثیر عمیق دارد. به همین جهت، در نخستین دعوت پیامبران و امامان معصوم، تعارض بین آن‌ها و حکومتیان ظاهر گردید. هر زمان که پیامبری برانگیخته شد، سلاطین با آنها به ستیز پرداختند. زیرا پیامبری و امامت با سلطنت تعارض ذاتی و تضاد ماهوی دارند. حضور هر کدام وجود دیگری را نفی می‌کند. بر این اساس، رهبران الهی هیچ گاه با سلاطین در تعامل و سازش برنیامدند. زیرا طاغوت و خدا هیچ گاه در اندیشه و عمل قابل جمع نیستند.

خاستگاه اصلی این تعارض، نزاع بر سر حکومت نبود. چه آنکه هدف پیامبران حکومت نبود. حکومت در نزد پیامبران ابزاری بود که زمینه تحقق اهداف بعثت را فراهم می‌ساخت. اصلی‌ترین اقدام پیشوایان الهی، اصلاح فرهنگی، بود. بدیهی است که اصلاح فرهنگی نخست: بدون حکومت تحقق نمی‌یابد و دوم: اگر اصلاح فرهنگی صورت گیرد، سلطنت را نفی می‌کند. بدیهی است که اگر جامعه از نظر فرهنگی اصلاح شود، حکومت غیر الهی را نمی‌پذیرد. چون بر مبنای سلطه ظالمانه برخی بر بعضی دیگر استوار است. حکومتیان، این موضوع را خوب می‌دانستند که اگر پیامبران و امامان به تعلیم و تربیت بپردازند استمرار حکومت آن‌ها غیر ممکن

ص: ۱۶۱

می شود. از این رواج حضور آنها در عرصه تعلیم و تربیت جلوگیری کردند. در نتیجه ستیز مشرکان با پیامبران و ستیز سلاطین بنی امیه و بنی عباس با امامان معصوم خاستگاه واحدی داشته است. ابزار و وسایلی که استفاده کرده اند نیز همانند بوده است.

این مقدمه به نسبت طولانی را برای این آوردیم تا روشن شود که:

- ۱- فلسفه امامت معصومین، حضور آنها در عرصه تعلیم و تربیت است.
- ۲- تعلیم و تربیت، مسئولیت اصلی آنها بود. مبارزات سیاسی نیز برای آن بود که زمینه تحقق این مسئولیت را فراهم سازند.
- ۳- حضور امامان معصوم در عرصه تعلیم و تربیت، پایه های حکومت طاغوتیان را متزلزل و استمرار حکومت آنها را ناممکن می ساخت.
- ۴- تعارض امامان معصوم با حاکمان و حکومتیان، نخست تعارض فکری و فرهنگی بود که سازش را با آنها در تمام ابعاد زندگی اجتماعی ناروا می ساخت.

و اینک به برخی از جلوه های سیره فرهنگی معصومین، در بستر تاریخ می پردازیم.

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله (ص): إني تارک فيکم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي فإنهما لن يفترقا حتی یردا علی الحوض & المسند، أحمد بن حنبل ۷/ ۱۹۳۳۲ و ۴/ ۱۱۱۳۱ و ۴/ ۱۱۱۰۴ و ۴/ ۱۱۵۶۱؛ المستدرک ۳/ ۱۶۱ / ۴۷۱۱ / ۳۰۹؛ عجم الکبیر ۵/ ۷۳؛ مسند ابی یعلی ۳/ ۳۵ / ۲۹۷؛ المصنف، ابن ابی شیبہ ۷/ ۱۷۶ مناقب الإمام أمير المؤمنين (ع) - محمد بن سليمان الكوفي ۲/ ۱۶۷ - ۱۶۸ \$

مسئولیت در برابر قرآن

اشاره

پیامبران الهی و امامان معصوم در برابر کتاب های آسمانی، چهار مسئولیت ویژه دارند.

ص: ۱۶۲

الف - صیانت از تحریف.

ب - تفسیر و تبیین آن برای مردم.

ج - عمل به آن.

د - اجرای دستورهای آن در جامعه.

جمع‌آوری و صیانت قرآن از تحریف

گرچه خداوند ضمانت کرده که قرآن را از تحریف حفظ می‌کند، اما بخشی از این مسئولیت را برعهده پیامبر و امامان گذاشته است. به این جهت، رسول خدا (ص) در دو دوران مکی و مدنی دستور داد قرآن را حفظ کنند و بنویسند و حفظ و نوشته خود را برای پیامبر و یکدیگر بازخوانی کنند. رسول خدا (ص) این مسئولیت را پس از خود به امام معصوم واگذار کرد. برای همین هدف به امام علی (ع) دستور داد قرآن را جمع‌آوری کند:

و روی عن الإمام جعفر بن محمد الصادق (ع): أن رسول الله (ص) قال لعلی (ع): يا علی! القرآن خلف فراشی فی المصحف و الحریر و القراطیس فخذوه، و اجمعوه، و لاتضيّعوه کما ضیعت اليهود التوراه، فانطلق علی (ع) فجمعه فی ثوب أصفر & المناقب لابن شهر آشوب: ۴۱ / ۲، وفتح الباری: ۳۸۶ / ۱۰، والایقان للسيوطی: ۵۱ / ۱ و جاء أيضاً أن الإمام علیاً (ع) رأى من الناس طیره & سستی \$ عند وفاه النبی (ص) فأقسم أنه لا یضع علی ظهره رداءه حتی یجمع القرآن، فجلس فی بیتة ثلاثة أيام حتی جمع القرآن & الفهرست / ۳۰ \$ این دستور رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) جز برای آن نبود که خواست قرآن از تحریف حفظ شود و مبنای عمل قرار گیرد. حضرت علی (ع) نیز در اجرای این

ص: ۱۶۳

دستور خدا و پیامبر، درنخستین فرصت، قرآن را جمع‌آوری نمود و به حکومتیان ارائه داد:

كما روى أَنَّ عَلِيًّا (ع) انقطع عن الناس مدَّةً حتى جمع القرآن، ثمَّ خرج إليهم فى إزار يحمله و هم مجتمعون فى المسجد، فلما توسَّطهم وضع الكتاب بينهم ثمَّ قال: إِنَّ رسول الله (ص) قال: إِنِّى مخلف فيكم ما إن تمسيكتم به لن تضلُّوا كتاب الله و عترتى أهل بيتى و هذا كتاب الله و أنا العتره، و قال لهم: لئلا تقولوا غداً إِنَّا كُنَّا عَنْ هذا غافلين & أَنْ تقولوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هذا غافلين / اعراف / ۱۷۲ . \$ ثمَّ قال: لا تقولوا يوم القيامة إِنِّى لم أدعكم إلى نصرتى و لم اذكركم حقِّى و لم أدعكم إلى كتاب الله من فاتحته إلى خاتمته.

& المناقب لابن شهر آشوب: ۴۱ / ۲ .. كتاب سليم بن قيس: ۳۲، ط - مؤسسه البعثه \$

فقال له عمر: إن يكن عندك قرآن فعندنا مثله فلا حاجة لنا فيكما & . اعلام الهدايه ۱۴۵ / ۲ . \$. اقدام امام على كه درنخستين فرصت قرآن را به خط خود نوشت و به حکومتیان ارائه داد و قرآن و اهل بيت را براى هدايت و تربيت جامعه معرفى كرد، از دو جهت ضرورى بود:

اول: انجام وظيفه و مسؤوليت الهى خود.

دوم: اگر پذيرند، هدايت شوند و اگر نپذيرند، حجت بر آن‌ها تمام گردد.

اين اقدام مستلزم پيام‌هاى ذيل بود:

۱: قرآن به طور كامل نزد ما اهل بيت است و ما مسؤوليت حفظ آن را برعهده داريم.

۲: حكومتیان گرچه حكومت را از مسير اصلى منحرف كردند، اما بدانند كه چنين اقدامى درباره قرآن نمى‌توانند انجام دهند.

۳: مسلمانان بايد قرآن را از ما پيرسند و براى فهم قرآن به ما مراجعه كنند.

ص: ۱۶۴

۴: معرفی خود و اهل بیت (ع) به عنوان رهبران الهی و اینکه سرچشمه و اساس هدایت جامعه، ما اهل بیت هستیم.

۵: حل مشکلات فکری، اعتقادی و دینی. زیرا موارد بسیاری پیش آمد که عمر می گفت: لولا علی لهلک عمر. لاأبقانی الله لمعضله لیس لها أبو الحسن & . اسد الغابه ۲۲/۴، وتهذیب التهذیب ۷/۲۹۶، وتاریخ دمشق ۳۹/۳ حدیث ۱۰۷۱، والریاض النضره ۱۹۷/۲، وکنز العمال ۵/۸۳۲. \$۶: بیان حکم خدا و جلوگیری از انحراف.

نیاز به تفسیر

اشاره

ضروری است که هر کتاب، نامه، خطابه و شعر که در هر موضوعی نوشته و ارائه شده باشد، دست کم بخشی از آن نیاز به تفسیر و تأویل دارد. می بینیم که بر کتاب های فقهی، روایی، قصیده ها، خطابه ها و همچنین کتاب های ادبیات در طول تاریخ، شرح و تفسیر نوشته شده است. حتی بر شرح و تفسیر نیز شرح و تفسیر دیگر نگاشته اند. چنان که بر صحاح شش گانه اهل سنت شرح های بسیار نوشته شده، کتاب های فقهی و ادبیات آن ها نیز همین گونه است. در این صورت هیچ کس نمی تواند بگوید: قرآن نیاز به تفسیر ندارد و یا مدعی شود که هر چه من می فهمم، درست است و فهم دیگران باطل است. در این صورت فهم هیچ فقیه، مفسر، اندیشمند مسلمان نمی تواند ضابطه درست فهمیدن قرآن باشد تا درستی دیگران دیشه را بااندیشه و فهم او ارزیابی کرد. پس ضابطه درست فهمیدن قرآن چیست؟

ضابطه درست فهمیدن قرآن

ضروری است که کسی قرآن را خوب می فهمد و مفاهیم آن را خوب می داند و دانسته های خود را خوب برای مردم بیان می کند که قرآن بر او نازل شده باشد و

ص: ۱۶۵

مسئولیت بیان آن را از جانب خداوند بر عهده داشته باشد. تردیدی نیست که تفسیر قرآن به دو دلیل ذیل، منحصر به رسول خدا (ص) است:

الف: قرآن بر آن حضرت نازل شد. او که نخستین مخاطب قرآن بود، می دانست که منظور خداوند چیست.

ب: رسول خدا مسئولیت داشت که قرآن را برای جامعه بیان کند.

این مسئولیت نیز مستلزم آن است که نخست خود بداند که مفاهیم قرآن چیست و منظور خداوند کدام است؛ تا بتواند آنچه را که خداوند بیان کرده و به آن دستور داده است، برای جامعه تفهیم، تبیین و تفسیر کند و توضیح دهد و اجرا کند.

به این دو دلیل، تنها ضابطه و معیار تفسیر و درست فهمیدن قرآن، رسول خداست.

انحصار فهم کامل قرآن به ائمه

رسول خدا (ص)، دانایی خود را به طور کامل، به ویژه قرآن را به حضرت علی (ع) آموخت و مسئولیت تفسیر قرآن و بیان احکام شریعت را پس از خود، بر عهده آن حضرت و دیگر اوصیای پس از او نهاد. رسول خدا (ص) برای ایفای این مسئولیت، قرآن و تفسیر آن را به صورت ویژه به حضرت علی (ع) آموخت. به همین جهت، آموزش هایی که رسول خدا (ص) ویژه حضرت علی (ع) ترتیب داد، برای هیچ کدام از صحابه نقل نشده است و دلیل بر این است که مسئولیت بیان و تفسیر قرآن پس از رسول خدا (ص) منحصر به حضرت علی (ع) است. روایت مشهور ذیل نیز که از رسول خدا (ص) نقل شده، دلیل همین مطلب است.

رسول الله (ص) قال: أنا مدینه العلم و علی بابها فمن أراد بابها فلیأت علیاً & فرائد السمطين ۱/ ۹۸\$ هیچ کس نیز از صحابه به جز حضرت علی (ع)، مدعی نشد که علم و دانایی پیامبر نزد من است و هیچ کس نیز نگفت که رسول خدا (ص) علم قرآن را به طور